

سلسلہ ہدایا

حافظہ وار محمد

دعا و اجابہ

دکتر سید محمد رفیع ہاشمی

سلسله درس های محدودیت

حلقه دوازدهم

# دعا و اجابت

دکتر سید محمد بنی هاشمی

سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹  
عنوان و نام پدیدآور: دعا و اجابت؛ سلسله درس‌های مهدویت، حلقه  
دوازدهم / سید محمد بنی هاشمی.  
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹.  
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.  
شابک جلد دوازدهم: ۰-۲۲۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸  
شابک دوره: ۲-۱۵۸-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.  
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.  
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث، مهدویت.  
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت، دعاها.  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۸ س ۸۳ ب / BP ۲۲۴  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵



شابک ۰-۲۲۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 539 - 222 - 0

## دعا و اجابت

سید محمد بنی هاشمی  
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر  
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹  
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶  
چاپ: صاحب کوثر

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان یزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)  
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۱۶۶۸۰۱۳۳۵ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۲۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>  
پست الکترونیک: [info@monir.com](mailto:info@monir.com)

دیگر مراکز پخش: نشر نیک، معارف، ۰۱۰۶۶۹۵ \* نشر آفاق، ۰۲۵۲۲۸۴۷ \* دارالکتب الاسلامیه، ۰۴۱۰۵۵۶۲  
نشر رایحه، ۰۸۸۹۷۶۱۹۸ \* پخش اینه، ۰۴۹۶۳۳۹۳

۳۰۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این حلقه به نیابت از:  
احیاگر مکتب سامراء  
میرزا محمد حسن شیرازی رحمۃ اللہ علیہ  
به پیشگاه:  
یار باوفای سیدالشهداء علیہ السلام  
جناب حبیب بن مظاهر اسدی رحمۃ اللہ علیہ  
تقدیم می‌گردد.

## فهرست مطالب

۱۳	فصل اول: جایگاه اعتقادی دعا
۱۳	درس اول: شناخت حقیقت دعا
۱۳	معنای دقیق عبادت
۱۷	دعا: برترین عبادت
۱۹	سؤال به همراه دعا
۲۱	درس دوم: فضیلت دعا
۲۱	محبوب‌ترین و مبعوض‌ترین عمل
۲۳	فضل الهی در فتح باب دعا
۲۵	بالاترین تقرّب به خدا از طریق اهل دعا شدن
۳۰	درس سوم: دعا، تجلی عبودیت (۱)
۳۰	انگیزه دعا: محتاج دیدن خود به خداوند
۳۲	دعا: مغز عبادت
۳۳	تعمیم دعا به امور کوچک و بزرگ
۳۸	درس چهارم: دعا، تجلی عبودیت (۲)
۳۸	یکسان بودن حال بلا و عافیت در لزوم دعا

۴۱	برتری دعا بر تلاوت قرآن
۴۳	الهام و اعطای دعا
۴۵	درس پنجم: اهتمام به امر دعا
۴۵	ترک دعا، معصیت و گناه
۴۶	لزوم فراگیر شدن دعا در همه شؤون زندگی
۴۸	منافات نداشتن دعا با کار و زندگی
۵۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۵
۵۳	فصل دوم: آثار و نتایج دعا
۵۳	درس ششم: آثار دعا (۱)
۵۳	۱ - وسیله پیروزی و مایه دلگرمی (سلاح)
۵۷	۲ - سرازیر شدن روزی
۵۷	روزی مادی و معنوی
۶۰	دعا به همراه تلاش برای تحصیل روزی
۶۵	درس هفتم: آثار دعا (۲)
۶۵	۳ - شفای همه دردها
۶۶	۴ - رسیدن به موفقیت و رستگاری
۶۸	۵ - رفع بلاهای نازل شده
۷۱	وجود و عدم دعا نشانه کوتاه یا بلند بودن مدت بلا
۷۴	درس هشتم: آثار دعا (۳)
۷۴	۶ - دفع بالای مقدر
۷۷	۷ - دفع بالای غیر مقدر
۸۲	درس نهم: آثار دعا (۴)
۸۲	گناه: منشأ بلا و مصیبت
۸۵	طلب مغفرت و عاقبت

## فهرست مطالب □ ۹

۸۸	دفع بلا از اهل دعا
۹۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۶ تا ۹
۹۱	فصل سوم: اجابت دعا
۹۱	درس دهم: انواع اجابت (۱)
۹۱	معنای عامّ اجابت
۹۴	انواع اجابت مثبت
۹۴	۱ - برآوردن حاجت در دنیا
۹۵	۲ - عطای بهتر
۹۶	۳ - رفع بلا یا دفع شر
۹۸	۴ - کفّاره گناهان
۹۹	درس یازدهم: انواع اجابت (۲)
۹۹	۵ - ذخیره آخرت
۱۰۴	اجابت نکردن مثبت دعا
۱۰۶	تعجیل منفی در اجابت دعا
۱۰۸	درس دوازدهم: تحقق وعده اجابت
۱۰۸	تأخیر در اجابت دعا
۱۰۹	انواع تأخیر در اجابت
۱۱۲	نهی از استعجال در اجابت دعا
۱۱۵	باز بودن باب اجابت دعا
۱۱۸	مخفی بودن اجابت در دعاها
۱۲۱	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۰ تا ۱۲
۱۲۲	درس سیزدهم: شرایط اجابت (۱)
۱۲۲	معنای مشروط بودن اجابت
۱۲۳	شرط اوّل دعا کننده: معرفت خداوند



- ۱۲۹ ..... درس چهاردهم: شرایط اجابت (۲)
- ۱۲۹ ..... شرط دوم دعا کننده: تقوا - وفا به عهد الهی
- ۱۳۶ ..... درس پانزدهم: شرایط اجابت (۳)
- ۱۳۶ ..... شرط سوم دعا کننده: کسب حلال
- ۱۴۰ ..... شرط چهارم دعا کننده: دعا در حال عافیت
- ۱۴۵ ..... درس شانزدهم: شرایط اجابت (۴)
- ۱۴۵ ..... شرط اول دعا: اقبال قلبی
- ۱۴۹ ..... شرط دوم دعا: رقت قلب
- ۱۵۳ ..... پرسش‌های مفهومی از درس ۱۳ تا ۱۶
- ۱۵۴ ..... درس هفدهم: موانع اجابت (۱)
- ۱۵۴ ..... اولین مانع اجابت: پاک نبودن دل
- ۱۵۸ ..... دومین مانع اجابت: حق الناس
- ۱۶۰ ..... سومین مانع اجابت: گناه
- ۱۶۴ ..... درس هجدهم: موانع اجابت (۲)
- ۱۶۴ ..... مانع چهارم اجابت: مخالفت با حکمت
- ۱۶۶ ..... مانع پنجم اجابت: کوتاهی در ایجاد اسباب
- ۱۶۹ ..... مانع ششم اجابت: ترک امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۷۰ ..... مانع هفتم اجابت: اهل شراب یا آلات موسیقی یا قمار بودن
- ۱۷۱ ..... مانع شدن از اجابت در فرض عدل الهی
- ۱۷۴ ..... درس نوزدهم: اجابت شونندگان (۱)
- ۱۷۴ ..... ۱ - دعا یا نفرین پدر در حق فرزند
- ۱۷۶ ..... ۲ - دعا یا نفرین مظلوم
- ۱۷۶ ..... ۳ - دعا یا نفرین مؤمن در مورد کسی که به او نیکی یا بدی نموده
- ۱۷۷ ..... ۴ - دعای امام عادل در حق رعیت
- ۱۷۸ ..... ۵ - دعای فرزند نیکوکار در حق پدرش

فهرست مطالب □ ۱۱

۱۷۹	۶- دعای عمره گزار
۱۸۰	۷- دعای روزه‌دار
۱۸۰	۸- دعای حج گزار
۱۸۲	درس بیستم: اجابت شندگان (۲)
۱۸۲	۹- دعای جهاد کننده در راه خدا
۱۸۳	۱۰- دعای مریض
۱۸۴	۱۱- دعا پشت سر دیگران
۱۸۷	۱۲- دعای فقیر مؤمن
۱۸۷	۱۳- دعای کودکان امت پیامبر ۶
۱۸۸	۱۴- دعای مسافر
۱۸۸	۱۵- دعای قاری قرآن
۱۹۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۷ تا ۲۰
۱۹۱	فهرست منابع

از دیدگاه پیشوایان گرانقدر ما مهم‌ترین خطر در زمان غیبت، از دست رفتن ایمان و تپاه شدن عقاید صحیح است. به همین جهت با تعبیر مختلف نسبت به لغزش اهل ایمان و لزوم توجه به راه‌های نجات از این خطر هشدار داده‌اند. هیچ انسان غیر معصوم اعم از درس خوانده و درس ناخوانده نمی‌تواند خود را از وقوع در آنچه به «هلاکت در عصر غیبت» تعبیر فرموده‌اند، مصون و محفوظ بپندارد. از این رو انسان عاقل بیشترین هم‌وغم خود را در راه شناسایی بیشتر این خطر و راه‌های نجات و مصونیت از آن، صرف می‌نماید.

با رجوع به رهنمودهای گرانقدر امامان علیهم‌السلام بر ما روشن می‌شود که یکی از راه‌های نجات از هلاکت در زمان غیبت «توفیق دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه‌السلام» در کنار «قول به امامت ایشان» دانسته شده است. جالب این است که از همین امر یعنی دعا بر تعجیل فرج-تعبیر به «فرج» شده است.

با این ترتیب روشن می‌شود که فرج مؤمنان در زمان غیبت امامشان، در گرو عمل به وظیفه «دعا بر تعجیل فرج» (البته پس از اعتقاد به امامت و دارا بودن معرفت صحیح نسبت به امام علیه‌السلام) است. این «فرج» شامل خیرات و برکات بسیار زیادی می‌باشد که در رأس همه آنها حفظ و صیانت ایمان شخص منتظر و دعا کننده است.

در این حلقه به توضیح جایگاه اعتقادی دعا در فرهنگ دینی، آثار و نتایج آن، معنای اجابت دعا و شرایط و موانع آن، پرداخته‌ایم.

# فصل ۱

## جایگاه اعتقادی دعا

### درس اول: شناخت حقیقت دعا

اولین قدم در راه شناخت عمیق و صحیح «دعا»، روشن کردن جایگاه اعتقادی آن در فرهنگ قرآن و روایات است. یکی از بهترین معرّف‌های این جایگاه فرمایش امام باقر علیه السلام است که دعا را برترین عبادت دانسته و فرموده‌اند:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ<sup>۱</sup>

### معنای دقیق عبادت

ابتدا باید معنای «عبادت» به طور دقیق روشن شود تا این حقیقت که دعا برترین عبادات است، روشن گردد. برای روشن شدن معنای «عبادت»، ابتدا به کتابهای لغت عربی مراجعه می‌کنیم.

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء و الحث علیه، ح ۱.

ابن منظور می‌نویسد:

أَصْلُ الْعِبُودِيَّةِ الْخُضُوعُ وَ التَّذَلُّلُ ... وَلَا يُقَالُ: عَبَدَ يَعْبُدُ  
عِبَادَةً إِلَّا لِمَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ تَعَالَى.<sup>۱</sup>

اصل عبودیت عبارت از خضوع و خواری است ... و تعبیر «عَبَدَ  
يَعْبُدُ عِبَادَةً» فقط برای کسی که خدای متعال را عبادت می‌کند،  
به کار می‌رود.

تعبیر دیگر در معنای «عبادت» چنین است:

الْعِبَادَةُ الطَّاعَةُ وَ نِهَآيَةُ التَّعْظِيمِ لِلَّهِ تَعَالَى.<sup>۲</sup>

عبادت عبارت است از اطاعت و بالاترین حد بزرگ داشت خدای  
متعال.

راغب اصفهانی هم در توضیح عبادت چنین می‌گوید:

الْعِبُودِيَّةُ إِظْهَارُ التَّذَلُّلِ وَ الْعِبَادَةُ أَبْلَغُ مِنْهَا لِأَنَّهَا غَايَةُ التَّذَلُّلِ  
وَلَا يَسْتَحِقُّهَا إِلَّا مَنْ لَهُ غَايَةُ الْإِفْضَالِ وَ هُوَ اللَّهُ تَعَالَى.<sup>۳</sup>

عبودیت اظهار خواری است و عبادت رساتر از آن است چون  
نهایت و بالاترین حد خواری است و تنها شایسته کسی است  
که بالاترین فضیلت و برتری را دارد که همانا خدای متعال  
می‌باشد.

از این بیانات و تعابیر مشابهی که در کتب دیگر لغت و تفسیر وجود

۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۱.

۲. اقرب الموارد، ج ۳، ص ۴۶۱.

۳. المفردات ص ۳۳۰.

دارد<sup>۱</sup>، می‌توان چنین برداشت کرد که «عبادت» عبارت است از خضوع و خواری یا اظهار خضوع و کوچکی، اما نه هر نوع خضوع و خواری، بلکه بالاترین مرتبه اظهار کوچکی و تعظیم در برابر کسی که بالاترین درجه فضیلت را داراست. به همین جهت تصریح کرده‌اند که این تعبیر فقط شایسته خدای متعال می‌باشد و در برابر هیچ مخلوقی چنین خضوع و اظهار کوچکی روا نمی‌باشد. ما می‌توانیم نسبت به برخی از مخلوقات خداوند اظهار کوچکی و تذلل داشته باشیم و حتی ایشان را به طور مطلق و بی‌قید و شرط اطاعت نماییم، اما هیچکدام از اینها «عبادت» آن مخلوقات نمی‌باشد؛ چون تعبیر «غایة التذلل» و «نهاية التعظیم» و امثال آن در حق ایشان صادق نیست. این مفهوم فقط شایسته کسی است که مستقلاً به خاطر خودش (بذاته) مورد اطاعت و تعظیم قرار می‌گیرد؛ نه به خاطر فرمان و خواست دیگری.

توضیح مطلب این است که ما در برابر برخی از مخلوقات الهی، به حق، اظهار کوچکی و تعظیم می‌کنیم که درجات خضوع در اینها با یکدیگر متفاوت است. مثلاً اظهار خضوع در برابر پدر و مادر با آنچه نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت گرامی ایشان علیهم السلام باید داشته باشیم، کاملاً متفاوت است. ما اهل بیت علیهم السلام را به طور مطلق اطاعت و تعظیم می‌کنیم در حالی که لزوم راضی‌نگه داشتن پدر و مادر مشروط و مقید به این است که آنها از ما انجام معصیتی را طلب نکنند. همچنین انسان به حکم عقل و نقل باید در برابر استاد و معلم خویش اظهار

---

۱. به عنوان نمونه مراجعه شود به «معجم مقائیس اللغة»، ج ۲، ص ۲۰۸ و نیز

بیان زمخشری در تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۱۳.

کوچکی و تذلل نماید، اما همه این موارد در یک ویژگی مشترک هستند و آن اینکه ماهیچ یک از این مخلوقات را به خاطر خود ایشان و به صورت استقلالی تعظیم نمی‌کنیم و نباید بکنیم، بلکه همه ایشان - اعم از پیامبر ﷺ، ائمه علیهم السلام و والدین و ... - را تنها و تنها به خاطر امر الهی و رضای پروردگار، بزرگ می‌داریم و مورد احترام قرار می‌دهیم. همچنین در برابر هر یک فقط در همان حد و قلمرویی که خدای متعال فرموده، اظهار کوچکی و تذلل می‌کنیم. دقیقاً به همین سبب است که خضوع و تذلل در برابر هیچ یک از این مخلوقات، «غایة الخضوع» و «نهایة التذلل» نیست. «غایت» و «نهایت» تعبیری هستند که بالاترین حد و درجه را می‌رسانند و اظهار کوچکی در برابر هیچ مخلوقی از مخلوقات الهی، بالاترین مرتبه و درجه خضوع نیست؛ چون آنها را نه به خاطر خودشان بلکه صرفاً به جهت امر خداوند و رضای او مورد تعظیم قرار می‌دهیم. پس تنها کسی که به صورت مستقل و به خودش (بذاته) - و نه به سبب دیگری - باید مورد اطاعت باشد و در برابرش خضوع و تذلل صورت پذیرد، همانا ذات مقدس پروردگار است که در این امر شریکی نمی‌پذیرد. این حقیقت همان مفهوم «عبادت» است که تنها شایسته خدای متعال می‌باشد؛ به طوری که می‌گوییم: معبودی جز او نیست و نباید باشد.

حال که مفهوم دقیق «عبادت» با رجوع به کتب لغت و تفسیر روشن گردید، مصادیق آن را می‌توانیم با استناد به کتاب (قرآن) و سنت (احادیث پیامبر ﷺ و عترت گرامی ایشان علیهم السلام) شناسایی کنیم. این مصادیق اعمالی هستند که هر کدام به نوعی می‌توانند نشانگر نهایت

خضوع و منتهای کوچکی در برابر خدای متعال باشند. روح همه اینها همان معنایی است که حقیقت عبادت را بیان می‌کند و شکل و ظاهر آنها با هم تفاوت دارند. اعمالی چون نماز، روزه، حج، شکر منعم، احسان به والدین و ... همگی مصادیق عبادت می‌باشند. ما همه اینها را تحت عنوان «اعمال عبادی» می‌شناسیم.

### دعا: برترین عبادت

یکی از همین اعمال عبادی «دعا» است که مورد بحث فعلی ما می‌باشد. دعای یکی از مظاهر «غایة الخضوع» به پیشگاه خداوند است که به همین جهت نوعی «عبادت» محسوب می‌شود. حال اگر به عمل «دعا» به عنوان یک عبادت توجه کنیم و اظهار خضوع و تعظیمی را که در آن وجود دارد، مورد دقت قرار دهیم، تصدیق می‌کنیم که دعا از جهتی بالاترین مظهر خضوع و اظهار کوچکی به پیشگاه الهی است. بنده در حال دعا کردن، ناداری و ناچیزی خود را در برابر معبودش بهتر از حالات دیگر وجدان می‌کند و آنگاه که خدای خود را می‌خواند، با همه وجود، احتیاج خود را به خالقش اظهار می‌دارد. او در هنگام دعا هیچ تکیه گاه و پناه گاهی جز پروردگار برای خود نمی‌شناسد و به همین انگیزه دست نیاز به درگاه بی‌نیاز او بلند می‌کند.

با توجه به معنای «عبادت» می‌توان گفت که: هر چه انسان کوچکی و فقر خود را در برابر خداوند بیشتر وجدان نماید، روح عبادت که همان اظهار تذلل و خضوع است، بیشتر و عمیق‌تر صدق می‌کند. حال دعا زمانی است که انسان ماهیت فقیر و گدای خود را بهتر از هر وقت دیگری می‌یابد و به همین جهت است که در برابر کسی که او را بی‌نیاز



محض می‌داند (خدای متعال) بیش از هر شرایط دیگری احساس کوچکی و خواری می‌نماید. این است که می‌توانیم یک پایه و جدانی برای فرمایش امام باقر علیه السلام که دعا را برترین عبادت دانسته‌اند، مطرح کنیم و آن را از صمیم جان بپذیریم.

نکته مهمی که تذکر آن، وجدان این مطلب را بهتر و عمیق‌تر می‌کند، این است که دعا در لغت به معنای «خواندن» می‌باشد و خواندن خداوند که نوعی عبادت به شمار می‌آید، با خواندن مخلوقات، متفاوت و بلکه متباین است. کسی که خدای خود را می‌خواند، اعتقادش این است که او همه کاره مطلق است و هیچکس در کنار او (عرض او) کاره‌ای نیست. سر رشته همه امور فقط به دست اوست و هیچ چیز و هیچکس بدون اذن او صاحب هیچ قدرت و مبدأ هیچ اثری نمی‌باشد. همین اعتقاد است که خواندن خداوند را مصداق عبادت او می‌گرداند و چون در مورد هیچ مخلوقی چنین اعتقادی روا نیست، پس نوع خواندن مخلوقات با خواندن خداوند، سنخیت ندارد. بنابراین خواندن مخلوقات نباید نظیر خواندن خدا باشد و اگر کسی به این مطلب اساسی توجه نکند و در مقام اعتقاد، مخلوقی را در عرض خداوند منشأ اثر بداند، در خواندن او به شرک در عبادت گرفتار می‌گردد. اما اگر در اعتقادش خطا نکند، در دعا و خواندن مخلوقات گرفتار شرک نمی‌شود.

نتیجه اینکه صرف خواندن همراه با اظهار تذلل و خضوع در مقابل دیگری، عبادت او محسوب نمی‌شود. مهم، نوع اعتقادی است که دعا کننده در مورد کسی که او را می‌خواند، در دل دارد. بنابراین خواندن

غیر خدا بدون اعتقاد به الوهیت او هیچ‌گونه محذوری ندارد و لازمه‌اش شرک در عبادت خدا نیست. بلکه اگر خواندن کسانی (چون اهل بیت علیهم‌السلام) محبوب خداوند و به دستور او باشد، خواندن ایشان - با اعتقاد صحیح در حق آنان - مصداقی از عبادت خداوند محسوب می‌گردد.

### سؤال به همراه دعا

نکته دیگری که توجه به آن در شناخت عمیق‌تر دعا مؤثر می‌باشد، این حقیقت است که دعای پروردگار معمولاً با «سؤال» از او همراه است. سؤال یعنی درخواست و تقاضا. کسی که خدای خود را می‌خواند در اغلب موارد، خواندنش را با تقاضا و درخواستی از او قرین می‌کند. سؤال از پروردگار هم با سؤال از دیگران (مخلوقات) متفاوت است. سؤال ما از او به معنای درخواست کسی است که از خود هیچ ندارد، از کسی که همه چیز فقط به دست اوست. این‌گونه درخواست منحصر به ذات مقدّس الهی است؛ چون نسبت به دیگران، اعتقادی که بیان شد، روا نمی‌باشد.

به همین جهت سؤال از خدای متعال نوعی عبادت و بلکه افضل عبادات به شمار آمده، همان‌طور که دعانیز «افضل العبادة» دانسته شده است. سدید می‌گوید از امام محمد باقر علیه‌السلام پرسیدم:

أَيُّ الْعِبَادَةِ أَفْضَلُ؟

ایشان فرمودند:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ وَ

يُطَلَّبُ مِمَّا عِنْدَهُ.<sup>۱</sup>

هیچ چیز نزد خدای عزّ و جل با فضیلت‌تر از این نیست که از او سؤال شود و از آنچه نزد اوست، خواسته شود. می‌بینیم که همان تعبیری که در فضیلت دعا بیان شده، در خصوص سؤال و درخواست از خداوند نیز به کار رفته است. این امر نشانگر همدوش بودن دعا و سؤال در عمل و در فضیلت می‌باشد. به هر حال کلمه «دعا» بیشتر در مواردی به کار می‌رود که نوعی سؤال و درخواست از خدای متعال هم در ضمن آن وجود دارد، اما گاهی هم دعا با سؤال همراه نیست و این هم خود مصداقی از عبادت به شمار می‌آید.

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء ...، ح ۲.

## درس دوم: فضیلت دعا

### محبوب‌ترین و مبعوض‌ترین عمل

دعا (خواندن خداوند) - چه همراه با سؤال از او و چه بدون سؤال - بهترین نماد و شکل اظهار غایت و منتهای خضوع است و می‌توانیم آن را با فضیلت‌ترین و محبوب‌ترین عبادت بدانیم. امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از جد شریفشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ<sup>۱</sup>

محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عز و جل در زمین، دعا است. در مقابل، کسی که از انجام این محبوب‌ترین عمل، استکبار ورزد، مبعوض‌ترین خلق نزد خداوند به حساب می‌آید. این‌گونه استکبار هم در برابر دعا و هم نسبت به سؤال از پروردگار متعال مورد مذمت قرار گرفته است.

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء...، ح ۸.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي  
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ». <sup>۱</sup> قَالَ عليه السلام: هُوَ الدُّعَاءُ. <sup>۲</sup>

خدای عز و جل می فرماید: «کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند، به زودی با سرافکنندگی داخل جهنم می شوند». امام علیه السلام فرمودند: مقصود (از عبادت در آیه شریفه) دعاست.

همین امام بزرگوار علیه السلام در مورد استکبار ورزیدن از سؤال پروردگار فرمودند:

مَا أَحَدٌ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِمَّنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا  
يَسْأَلُ مَا عِنْدَهُ. <sup>۳</sup>

هیچکس نزد خدای عز و جل مبعوض تر نیست از آنکه از عبادت او استکبار ورزد و از او چیزی طلب نکند.

تعبیر «استکبار» که در آیه مبارکه و حدیث شریف به کار رفته، یک امر قلبی و اعتقادی است و به صرف اینکه کسی در عمل دعا و سؤال نکند، محقق نمی گردد. مهم این است که انسان موحد و عبد خداوند قلباً معتقد باشد که باید رفع نیازهایش را از پروردگارش طلب کند و خود را به طور کامل و از هر جهت محتاج او ببیند و حاضر باشد که در پیشگاه ذات مقدس ربوبی تذلل و کوچکی کند؛ در حقیقت خود را گدای پروردگارش بداند و به این گدایی با تمام وجود اعتراف و اقرار

۱. مؤمن / ۶۰.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء ... ، ح ۱.

۳. همان، ح ۲.

نماید. کسی که چنین اعتقادی ندارد و قلباً خود را در برابر خالق خویش گدا و محتاج نمی‌بیند، طبیعتاً در برآورده شدن حاجاتش به درگاه ربوبی روی نمی‌آورد و همهٔ امیدش به عطا و فیض الهی نیست. همین بی‌اعتقادی است که منشأ استکبار از عبادت و دعا یا سؤال می‌شود. استکبار به این است که بنده خود را بزرگتر و بالاتر از این بداند که در خانهٔ خداوند گدایی و کوچکی نموده، در خواست‌هایش را از او طلب نماید. این معنا دقیقاً نقطهٔ مقابل روح و اساس بندگی خداوند است و به همین جهت مبعوض‌ترین عمل نزد او به حساب می‌آید.

در ادامهٔ مباحث خواهیم گفت که مهم‌ترین ویژگی در کیفیت صحیح و مطلوب دعا به پیشگاه الهی همانا ناامیدی از خلق و امید بستن محض به خدای متعال می‌باشد.<sup>۱</sup> این همان شرطی است که روح اصلی دعا را تشکیل می‌دهد و کسی که قلباً از این حالت سرباززند و تسلیم نباشد، به ورطهٔ استکبار از بندگی خدا در می‌غلتد. پس حالت استکبار از دعا کردن یک نوع انکار قلبی نسبت به همه کاره بودن خداوند در رفع نیازهای انسان می‌باشد که همین انکار، علت و سبب دعا نکردن او در مواقع احتیاجش است.

### فضل الهی در فتح باب دعا

باید توجه داشت که کوچک دیدن خود در برابر پروردگار متعال و اظهار خضوع کردن در پیشگاه با عظمت او - که از آن به «گدایی کردن» تعبیر می‌کنیم - موجب هیچ‌گونه سرافکنندگی و خواری برای انسان نیست. توفیق تذلل و اظهار کوچکی در مقابل ذات مقدس الهی نعمت

---

۱. رجوع شود به فصل اول از حلقهٔ بعدی.

بزرگی است که به عنایت خاص او به بنده عطا می‌شود و هر کس چنین عطایی یابد، باید به داشتن آن افتخار نماید. در حقیقت خدای بی‌نیاز از روی فضل و منت خویش بر بندگان اجازه فرموده که او را بخوانند و بدون وجود مانع و حجابی با رب خود سخن بگویند. سپس با لطف عمیم خویش به آنان وعده اجابت هم داده است. امیر مؤمنان علیه السلام از همین فضل بزرگ الهی در نامه‌ای به فرزند خویش چنین پرده برداشته‌اند:

اعْلَمْ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ  
فِي الدُّعَاءِ وَ تَكْفَّلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ وَ أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ  
لِيُعْطِيكَ ... وَ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ مَنْ يَحْبُبُكَ عَنْهُ ... ثُمَّ  
جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَذِنَ لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ<sup>۱</sup>

بدان همان کسی که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین به دستش است، به تو اجازه دعا داده و برایت اجابت را تضمین کرده و دستور فرموده از او بخواهی تا به تو عطا فرماید ... و میان تو و خودش حاجب و مانعی قرار نداده است ... پس با صدور اجازه سؤال به تو، کلیدهای گنجینه‌هایش را در دست تو گذاشته است.

توجه به این حقیقت، بسیار مهم و درس‌آموز است که خداوند از روی فضل خویش اجازه دعا و سؤال از خود را به انسان عطا فرموده و این نعمت بدون هیچ استحقاقی نصیب ما شده است. به عبارت دیگر صدور این اجازه بر خدا واجب نبوده و انسان حقی از این بابت بر

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۱، به نقل از نهج البلاغه.

پروردگارش نداشته است. حضرت زین العابدین علیه السلام در دعای سحر ماه مبارک رمضان به پیشگاه خدای متعال چنین عرضه می‌داشتند:

جَعَلْتُ ... بِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ  
مَنِّي ... بَلْ لِيُثَقِّتِي بِكَرَمِكَ ...<sup>۱</sup>

از طریق خواندن تو به تو توسل نمودم بدون آنکه استحقاق شنیدن دعایم را از جانب تو داشته باشم ... بلکه صرفاً از روی اعتماد به کرم تو (چنین کردم).

بنده حقیقی خداوند خود را مستحق شنیدن دعایش از جانب او نمی‌داند بلکه وعده پروردگار است که در او انگیزه دعا را ایجاد می‌کند. چنین شخصی تنها متکایش فضل و منت خدایش است؛ نه اینکه خود را در شنیده شدن دعایش صاحب حق و طلب‌کار بشمارد.

### بالاترین تقرّب به خدا از طریق اهل دعا شدن

اولین قدم در مسیر شناخت جایگاه حقیقی دعا، دانستن قدر و منزلت این فضل بزرگ الهی است. مطابق تعالیم اهل بیت علیهم السلام، دعا می‌تواند انسان را به مقام و منزلتی برساند که از غیر آن طریق رسیدن به آن میسر نمی‌باشد. امام صادق علیه السلام در یکی از فرمایش‌های خود در این باره فرمودند:

إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ  
فَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئًا فَسَلْ تُعْطَ.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۸۳، به نقل از اقبال الاعمال.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء ...، ح ۳.



همانا نزد خدای عزّ و جل منزلتی است که جز با سؤال و درخواست به دست نمی‌آید و اگر بنده‌ای دهانش را ببندد و چیزی نخواهد، چیزی به او داده نمی‌شود، پس درخواست کن تا به تو عطا شود.

نظیر همین بیان از همان امام بزرگوار در مورد دعا چنین نقل شده است:

عَلَيْكُمْ بِالذَّعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تُقَرَّبُونَ بِمِثْلِهِ.<sup>۱</sup>

بر شما باد به اینکه اهل دعا باشید زیرا از هیچ طریقی مانند آن تقرب (به خداوند) پیدا نمی‌کنید.

شناخت همین حقیقت انسان را به توجّه بیشتر به این بهترین وسیله تقرب، تشویق و ترغیب می‌نماید و اگر اهل دعا شود، طبق وعده امام صادق علیه السلام به بالاترین درجات تقرب الهی نائل می‌گردد. اینکه گفتیم «اهل دعا» شود، به این جهت است که آن حضرت در ادامه فرمایش خود، چنین فرمودند:

لَا تَرْكُوا صَغِيرَةً لِصَغَرِهَا أَنْ تَدْعُوا بِهَا إِنَّ صَاحِبَ الصِّغَارِ هُوَ صَاحِبُ الْكِبَارِ.<sup>۲</sup>

کوچک بودن یک چیز مانع دعا و درخواست آن نشود چون برآوردن نیازهای کوچک به دست همان کسی است که نیازهای بزرگ را برآورده می‌کند.

چگونه می‌توان به این حدیث گرانقدر عمل کرد؟ آیا ما چنین هستیم؟ آیا تا کنون غذای روزمان را از خداوند خواسته‌ایم؟ چند بار

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء ...، ح ۶.

۲. همان.

اتفاق افتاده که در یک صبحی این‌گونه دعا کنیم: خدایا امروز ما را  
گرسنه نگذار؟!

عموماً چنین است که ما - با وجود اعتقادی که به اهمّیت دعا و تأثیر  
آن داریم - در اموری که خود، آنها را بزرگ و سخت می‌شماریم، زیاد  
دعا می‌کنیم، ولی دربارهٔ چیزهایی که از نظر ما کوچک هستند، اهمّیت  
زیادی به دعا کردن در مورد آنها نمی‌دهیم. مثلاً در بیماری‌های سخت  
و صعب‌العلاج دست به دعا و توسل بلند می‌کنیم، اما در بیماری‌هایی  
همچون سرماخوردگی ساده به آن صورت خود را محتاج دعا کردن  
نمی‌بینیم. چرا چنین است؟ آیا یک بیماری عادی و معمولی بدون  
عنایت و لطف خداوند، رفع می‌شود؟ آیا شفابخشی برای خدا در  
بیماری‌های سخت در مقایسه با مرض‌های ساده، مشکل‌تر است؟!

جواب این سؤال‌ها از جهت نظری روشن و بدیهی است، اما در عمل  
چنین نیست. ما چون دیده‌ایم که بیماری سرماخوردگی با خوردن چند  
قرص و رعایت پرهیز از برخی غذاها معمولاً رفع می‌شود، در هنگام  
ابتلای به آن، زیاد به یاد خداوند و شفا دادن او نمی‌افتیم و ناخودآگاه به  
همان قرص و شربت و ... اعتماد می‌کنیم. ولی در مورد بیماری‌هایی  
چون سرطان چنین نیست، بلکه بیش از هر چیز و پیش از هر کار به دعا  
و توسل روی می‌آوریم و با اینکه به معالجات پزشکی می‌پردازیم، ولی  
امیدمان به شفابخشی خدای متعال است. البته این امر به طور اکثری  
چنین است و گرنه افراد خاص و زبده‌ای هستند که حال دعای ایشان به  
پیشگاه خداوند در این دو حال تفاوتی نمی‌کند.

نکته‌ای که باید در این خصوص مورد توجه قرار گیرد این است که از  
جهت اعتقادی هیچ فرقی میان تأثیر خواست الهی در رفع نیازهای به

ظاهر کوچک و نیازهای بزرگ وجود ندارد. خدایی که سرماخوردگی را شفا می‌دهد، همان خدایی است که شفای سرطان هم به دست اوست و برای او این دو بیماری تفاوتی از جهت شفا دادن ندارند. همچنین است اگر نیاز به مال فراوانی داشته باشیم که به طور عادی امکان به دست آوردنش برایمان وجود نداشته باشد، بسیار دعا می‌کنیم در حالی که برای به دست آوردن غذای روزانه خود چنان دست به دعا بر نمی‌داریم. اما خدایی که می‌تواند پول هنگفت را در یک روز به ما برساند، همان خدایی است که هزینه غذای یک روز ما را تأمین می‌کند.

اگر کسی همین اعتقاد را در خود زنده و آشکار و فراگیر نماید، حال دعا کردن در او تقویت می‌شود و عمومیت می‌یابد. باید دانست که شفای سرماخوردگی همان قدر مهم است که شفای سرطان اهمیت دارد، همچنین اهمیت به دست آوردن وعده غذای یک روز از تحصیل هزینه مخارج یک عمر انسان کمتر نمی‌باشد. در هر دو حالت این خداست که اگر بخواهد، اسباب و وسائلش را فراهم می‌کند تا نیاز انسان رفع شود و اگر هم نخواهد، به هیچ وسیله‌ای و از هیچ راهی خواسته انسان برآورده نمی‌شود. اگر کسی خوب این نکته را دریابد و دائماً در قلب و فکر خود آن را تلقین و تثبیت نماید، آن وقت می‌تواند به فرمایش امام صادق علیه السلام عمل کند که فرمودند:

کوچک بودن یک چیز مانع دعا و درخواست آن از خدا نگردد.

تنها در این صورت است که فرهنگ دعا کردن در زندگی انسان عمومی و فراگیر می‌شود. ما چون به وقوع مکرر یک سری امور عادت کرده‌ایم، انجام شدن آنها را عادی و معمولی می‌انگاریم و برای آنچه که

به وقوعش عادت نکرده‌ایم، حساب دیگری باز می‌کنیم. مثلاً چون همیشه غذای روزمان فراهم بوده و هیچ‌گاه گرسنه و بی‌غذا نمانده‌ایم، آن را عادی و معمولی می‌دانیم، ولی چون همیشه در مسابقه‌ای که جایزه ارزشمندی را نصیب برنده آن می‌کند، برنده نبوده‌ایم، برای آن حساب دیگری باز می‌کنیم. به تعبیر دیگر به امور استثنایی در زندگی خود اهمیتی می‌دهیم که برای امور عادی و متداول قائل نیستیم. این در حالی است که در حقیقت همه اینها به یک اندازه مهم هستند و عادی شدن برخی از آنها در زندگی روزمره ما چیزی از اهمیت آنها نمی‌کاهد. فقط اگر یک روز همان چیزی را که برایمان عادی شده، به دست نیاوریم، تازه اهمیت آن برایمان روشن می‌شود.

پس هرچند که امور عادی و غیر عادی برای ما تفاوت دارند، اما از دیدگاه مورد بحث ما در امر دعا باید همه آنها را به یک چشم بنگریم و برای رفع نیازهای عادی و روزمره خود به همان اندازه به دعا اهمیت بدهیم که در امور خاص و استثنایی چنین می‌کنیم. این‌گونه، انسان «اهل دعا» می‌گردد. چنین شخصی برای به دست آوردن غذای روزانه‌اش دعا می‌کند. برای اینکه وقتی از خانه بیرون می‌رود، وسیله نقلیه مناسبی پیدا کند، دعا می‌کند. برای اینکه فرزندش که به مدرسه رفته، سالم به خانه برگردد، دعا می‌کند. برای اینکه در هنگام راه رفتن پایش تلغزد و به زمین نخورد، دعا می‌کند و ... به این صورت حال دعا برای انسان مؤمن و معتقد به خدا همواره وجود دارد و همه چیز - چه کوچک و چه بزرگ - برایش اهمیت دارد و در مورد همه آنها معتقد است که باید خداوند لطف کند تا او به گرفتاری مادی یا معنوی مبتلا نشود و همواره خود را محتاج دستگیری و عنایت الهی می‌بیند.

## درس سوم: دعا، تجلی عبودیت (۱)

انگیزه دعا: محتاج دیدن خود به خداوند

اینکه انسان خود را همیشه و در همه چیز محتاج و نیازمند خدایش بداند، نعمت بسیار بزرگی است که اگر به لطف الهی حاصل شود، مهم‌ترین انگیزه برای دعا و سؤال از درگاه پروردگار در انسان به وجود می‌آید. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن وصیت خود به جناب ابوذر فرمودند:

ای ابوذر جبرئیل سوار بر استری خاکستری تمام گنجینه‌های دنیا را برای من آورد و به من گفت: ای محمد! این گنجینه‌های دنیاست و گرفتن آنها چیزی از بهره و منزلت تو نزد پروردگارت نمی‌کاهد. من گفتم:

حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا، إِذَا شَبِعْتُ شَكَرْتُ رَبِّي وَ  
إِذَا جُعْتُ سَأَلْتُهُ. ۱

ای دوست من، جبرئیل، مرا به اینها نیازی نیست. هرگاه سیر شوم، پروردگارم را سپاس می‌گزارم و آنگاه که گرسنه شوم، از او درخواست و سؤال می‌کنم.

پاسخی که رسول خدا ﷺ به پیشنهاد جبرئیل داده‌اند، نشانگر یکی از حکمت‌های پذیرفتن خواسته اوست. ایشان معتقد بودند که اگر گنجینه‌های دنیا را در اختیار می‌داشتند، چه بسا در هنگام گرسنگی دست نیاز به درگاه خداوند بلند نمی‌کردند و احتیاج خود را به ذات بی‌نیاز الهی چنانکه باید، وجدان نمی‌کردند. به همین جهت ترجیح دادند که آن گنجینه‌ها را در اختیار نداشته باشند تا اینکه وقتی گرسنه می‌شوند، از خدا بخواهند تا نیازشان را رفع نماید.

این فرمایش پیامبر ﷺ حاوی نکته تربیتی بسیار مهمی است که همه انسان‌ها به خصوص اهل ایمان در تهذیب نفس خویش و تقرّب به خدای متعال به آن نیاز مندند. آن نکته این است که انسان اگر همیشه خود را بی‌نیاز ببیند، آن‌طور که شایسته است، در خانه خداوند نمی‌رود و از او درخواست نمی‌کند. اما اگر در موردی خود را محتاج ببیند، آن وقت اهل دعا و سؤال از پروردگار می‌گردد. بنابراین وجدان نیاز به خدای متعال از بزرگ‌ترین نعمت‌های اوست که نصیب برخی می‌فرماید. به طور کلی اینکه انسان نیازهایش را از خداوند طلب کند و آنها را به زبان بیاورد، عبادت او محسوب می‌شود و مورد پسند ذات پاکش می‌باشد. حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَلَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبْتُ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ<sup>۱</sup>.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب تسمية الحاجة في الدعاء، ح ۱.

خدای متعال حاجت بنده‌اش را - آنگاه که او را می‌خواند - می‌داند ولی دوست دارد که نیازها به درگاهش عرضه شود، پس هنگامی که دعا می‌کنی، نیازت را به زبان بیاور.

روشن است که دوست داشتن خداوند به جهت فایده‌ای که خود می‌برد، نیست. او بی‌نیاز مطلق است و بندگانش چه نیازهای خود را به زبان بیاورند یا در دل نگه دارند، به حال او تفاوتی نمی‌کند. اما به زبان آوردن حاجات، نیاز انسان را به خداوند برای خود بنده وجدانی‌تر و ملموس‌تر می‌سازد و این همان حقیقتی است که روح بندگی خدا را تشکیل می‌دهد و لذا بسیار بسیار ارزشمند و قیمتی است.

#### دعا: مغز عبادت

یکی از حکمت‌های گرفتار شدن انسان به وسیله خداوند، این است که احتیاج و عجز او را برایش آشکار سازد و زمینه دعا و تضرع را در او فراهم آورد. در قرآن کریم به این حقیقت مهم چنین اشاره شده است:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ»<sup>۱</sup>

و ما (رسولانی) به سوی امت‌های پیش از تو فرستادیم، سپس آنها را به سختی و بیچارگی گرفتار ساختیم شاید به تضرع افتند.

«فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۲</sup>

۱. انعام / ۴۲.

۲. انعام / ۴۳.

پس چرا آنها وقتی به سختی افتادند، تضرع نکردند؟ ولیکن دل‌هایشان سخت شد و شیطان کارهای (زشت) آنها را برایشان زیبا جلوه داد.

در این آیات به روشنی بیان شده که یکی از حکمت‌های گرفتار ساختن بندگان به سختی و بیچارگی این است که آنها درمانده شده، در پیشگاه الهی به زاری و تضرع بیفتند و آنان که چنین نکردند به این سبب بوده که فریب شیطان را خورده، دل‌هایشان را قساوت گرفته است.

فراموش نشود که هدف از خلقت انسان چیزی جز بندگی خدا نبوده است و روح این بندگی همانا یافتن عجز و بیچارگی و نیاز است که انسان را به در خانه خدا برده، دستش را به درگاه بی‌نیازش بلند می‌سازد. اینجاست که جایگاه و منزلت دعا به خوبی روشن می‌گردد؛ چون روح دعا چیزی جز اظهار ناداری انسان و طلب رفع نیاز از خدای بی‌نیاز نیست. بنابراین صحت فرمایش رسول خدا ﷺ برای ما وجدانی می‌شود که فرمودند:

### الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ<sup>۱</sup>

مغز هر چیز لب و حقیقت آن می‌باشد و دعا نیز مغز و لب عبادت خداوند است.

### تعمیم دعا به امور کوچک و بزرگ

با توجه به این مطالب انسان مؤمن سعی می‌کند که حال دعا را در خود نسبت به همه نیازهایش - اعم از کوچک و بزرگ - تقویت نماید

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰، ح ۳۷، به نقل از الدعوات راوندی.



و در این مسیر فرمایش رسول مکرم اسلام ﷺ را الگوی خویش سازد که فرمودند:

سَلُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَا بَدَا لَكُمْ مِنْ حَوَائِجِكُمْ حَتَّى شِيعَ النَّعْلِ  
فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يُيسِّرْهُ لَمْ يَتيسَّرْ ۱

هر نیازی که برایتان پیش می‌آید از خدای عز و جل (رفع آن را) درخواست کنید حتی بند کفش (تابستانی) چرا که اگر (خداوند) آن را فراهم نسازد، درست نمی‌شود.

سفارش رسول اکرم ﷺ این است که رفع همه نیازهایتان را از خداوند طلب کنید، هرچند که بسیار ناچیز باشد؛ همچون بند کفش که در آن روزگار از لیف خرما و امثال آن نظیر کفش‌های تابستانی زمان ما می‌ساختند. اگر بندی که آن را به انگشتان پا متصل می‌کرد، پاره می‌شد و می‌خواستند آن را درست کنند، شاید عموماً به یاد خدا نمی‌افتادند و برای درست شدن آن بند پاره، دست به دعا بلند نمی‌کردند. پیامبر ﷺ دقیقاً همین مثال را مطرح کرده‌اند و توجه داده‌اند که همین کار پیش پا افتاده اگر خداوند اسباب و شرایطش را فراهم نکند، عملی نخواهد شد (إِنْ لَمْ يُيسِّرْهُ لَمْ يَتيسَّرْ). کسی که برای درست شدن بند پاره کفش خود، دعا می‌کند، در واقع اعتقاد عمیق خویش را در باب توحید اظهار می‌نماید. چنین کسی به خوبی باور کرده است که سر رشته همه امور حتی چیزهایی که از نظر ما پست و بی‌ارزش هستند، فقط و فقط در دست خداست و تا او شرایط تحققش را فراهم نکند، مُحال است که انجام پذیرد. همین عقیده عمق بندگی او را به پیشگاه خداوند

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۵، ح ۲۳، به نقل از مکارم الاخلاق.

آشکار می‌سازد که ارزشمندترین و محبوب‌ترین عمل نزد او محسوب می‌شود.

در بیان مشابهی که به صورت حدیث قدسی خطاب به حضرت موسی علیه السلام آمده، خداوند چنین فرموده است:

يَا مُوسَى سَأَلْنِي كُلَّ مَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ حَتَّى عَلَفَ شَاتِكَ وَ مِلْحَ عَجِينِكَ.<sup>۱</sup>

ای موسی همه‌ی مایحتاج خود را از من طلب کن حتی علف گوسفند و نمک غذایت را.

روشن است که این دستور اختصاص به حضرت موسی علیه السلام ندارد و قاعده‌ی کلی بندگی خدا را بیان می‌کند.

بیان دیگری از همین مطلب شریف در فرمایش حضرت باقر علیه السلام چنین آمده است:

لَا تُحَقِّرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُمْ.<sup>۲</sup>

هیچ‌یک از نیازهای خود را کوچک مشمارید همانا محبوب‌ترین مؤمنان نزد خدای متعال درخواست‌کننده‌ترین آنهاست.

کوچک شمردن نیاز به این است که انسان آن را دست‌کم گرفته، دغدغه‌ای برای رفع آن نداشته باشد. امام باقر علیه السلام توجه داده‌اند که هیچ نیازی را دست‌کم نگیرید و تصور نکنید که چون یک امر به ظاهر ناچیز و کوچک است، پس نیاز به دستگیری و لطف الهی ندارد. ما

۱. بحار الانوار، ص ۳۰۳، ح ۳۹، به نقل از عده‌ی الداعی.

۲. بحار الانوار، ص ۳۴۶، ح ۹، به نقل از مکارم الاخلاق.

انسان‌ها گاهی به دلیل نادانی خود تصوّر می‌کنیم که فقط امور بزرگ و نیازهای قابل توجه است که برای رفع آنها نیاز به لطف و عنایت خداوند داریم، لذا فقط در چنان مواردی دست دعا به درگاه الهی بلند می‌کنیم. این در حالی است که بزرگی و کوچکی یک امر نسبت به ما معنا دارد و گرنه، برای خداوند متعال کوچک و بزرگ تفاوتی ندارند. بنابراین احتیاج به کمک و مساعدت پروردگار در همه موارد یکسان است.

گاهی پیش می‌آید که خداوند برای آنکه بیچارگی و ناتوانی بشر را برایش روشن‌تر کند، در امری که به ظاهر ناچیز و پیش‌پا افتاده به نظر می‌رسد، اسباب و وسائط آن را فراهم نمی‌کند. در این صورت انسان مشاهده می‌کند کار بسیار ساده و کوچکی که همیشه به راحتی انجام می‌شد، اگر خدا نخواهد، به یک معضل و مشکل بزرگ تبدیل می‌شود که گره آن به دست هیچ‌کس باز شدنی نیست. فرد عاقل با ایمان هیچ‌گاه هیچ امری را کوچک نمی‌شمارد؛ چون می‌داند که اگر آن امر در گذشته به راحتی انجام می‌شده، جز به این سبب نبوده که خداوند اسباب آن را همیشه فراهم می‌کرده است. بنابراین اگر در یک مورد چنین اراده‌ای از جانب پروردگار نباشد، کار، سخت و لاینحل می‌شود. پس نباید هیچ‌گاه از سبب‌سازی خدای متعال غفلت نمود و کاری را دست‌کم گرفت. برعکس گاهی هم کارهایی که همیشه سخت و مشکل بوده‌اند، در مواردی به سادگی انجام می‌پذیرند که موجب تعجب انسان می‌گردد.

این حالت هم به صورت دیگری نشانگر دخالت دست عنایت الهی در سبب‌سازی برای امور است. تذکری که بیان آن در این بحث لازم است، این می‌باشد که در همه موارد - چه امور ناچیز و چه مطالب

مهم - به حکم عقل و شرع انسان موظف است که تلاش خود را از هر جهت برای رفع نیازهایش انجام دهد. توجه به خداوند و دعا و سؤال از او به هیچ وجه جای کوشش و سعی انسان را نمی‌گیرد و نباید بگیرد. ما در ادامه مباحث به صورت مستدل و با ذکر ادلّه نقلی اثبات خواهیم نمود که یکی از موانع استجاب دعا این است که دعاکننده تلاش لازم خود را از طرق عادی برای رفع نیازش انجام ندهد.<sup>۱</sup> همین امر می‌تواند مانع اجابت دعایش از جانب خدای متعال گردد. بنابراین درخواست همه حوائج از درگاه ایزد یکتا باید در کنار کوشش و طلب انسان از راه‌های عادی برای رفع آنها باشد و این دو به هیچ وجه با هم تعارض ندارند و جای یکدیگر را نمی‌گیرند.

نتیجه‌ای که از کلّ این بحث گرفته می‌شود، این است که باید فرهنگ دعا کردن و سؤال از پروردگار در همه امور عام و فراگیر شود؛ به طوری که همگان بر خود فرض بدانند که در رفع همه نیازهایشان دست به دامان الهی بزنند و در هیچ موردی از خداوند و سبب‌سازی‌اش غفلت نکنند. البته عمومی شدن فرهنگ دعا در هر فرد بر خاسته از فراگیر شدن اعتقاد او به توحید است. بنابراین راه صحیح رسیدن به آن نتیجه مطلوب، عمق بخشیدن به اعتقاد درباره همه کاره بودن منحصر به فرد خداوند در تمشیت امور عالم می‌باشد و هر عملی که این اعتقاد را قوی‌تر و محکم‌تر سازد، در این مسیر مطلوبیت پیدا می‌کند. به هر حال دعا بهترین میوه و شیرین‌ترین ثمره درخت پربرکت توحید است و جز با تقویت خود درخت، ثمره آن پر بارتر نمی‌شود.

## درس چهارم: دعا، تجلی عبودیت (۲)

دانستیم که دعا، تجلی عبودیت انسان و ثمره اعتقاد به توحید در اوست.

### یکسان بودن حال بلا و عافیت در لزوم دعا

یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین آثار اعتقاد به توحید در امر دعا، این است که حال فرد مؤمن در دعا هنگام بلا در مقایسه با زمان عافیت یکسان است. از حضرت باقر العلوم علیه السلام نقل شده که فرمودند:

يُنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ دُعَاؤُهُ فِي الرَّخَاءِ نَحْوًا مِنْ دُعَائِهِ فِي الشَّدَّةِ.<sup>۱</sup>

سزاوار است که دعای مؤمن در حال آسایش (عافیت) همچون دعای او در حال سختی (بلا) باشد.

در حال سختی و گرفتاری انسان به طور طبیعی به خدا پناه برده، رفع

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أبطأت عليه الإجابة، ح ۱.

گرفتاری را از او طلب می‌نماید. معمولاً بیشترین و با توجه‌ترین و جدی‌ترین دعاها در هنگام بلا و سختی صورت می‌پذیرد. علت این امر آن است که انسان در حال گرفتاری و بلا نوعاً از اسباب و وسائط عادی قطع امید می‌کند و دل به مسبب الاسباب می‌بندد. اما بارف‌گرفتاری و عادی شدن شرایط، بیشتر انسان‌ها از یاد خدا غافل شده، حال انقطاع خود را از دست می‌دهند. تفاوت فرد مؤمن با غیر مؤمن در همین نقطه است. مؤمن عمیقاً باور کرده که خدای در آسایش همان خدای در گرفتاری است و حال عافیت فقط به لطف و خواست او به وجود آمده و آنچه که ما آن را عادی می‌نامیم، خارج از مشیت و تقدیر الهی نیست. بنابراین عقل حکم می‌کند که در شرایط مطبوع و خوشایند، همان اندازه به لطف و عنایت پروردگار توجه داشته باشیم که در حال بلا و گرفتاری نوع مردم چنین هستند. چنین نباشد که بارف‌سختی و بلا، خداوند و تأثیر مشیت او در زندگی انسان‌ها به فراموشی سپرده شود. واقعیت این است که انسان در حال عافیت همان اندازه نیازمند دعا به پیشگاه الهی است که در هنگام بلا و گرفتاری محتاج می‌باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام از این حقیقت با زیباترین بیان، پرده برداشته‌اند:

مَا الْمُبْتَلَى الَّذِي قَدِ اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ بِأَحْوَجَ إِلَى الدُّعَاءِ مِنَ  
الْمُعَافَى الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءَ.<sup>۱</sup>

فرد گرفتاری که سخت به بلا گرفتار شده نیازمندتر نیست به دعا از کسی که در عافیت است، اما از گرفتاری در امان نمی‌باشد.

در این حدیث شریف دو مطلب مهم بیان شده است:

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۸۲، ح ۱۲، به نقل از نهج البلاغه.

اول اینکه انسان در حال عافیت همان اندازه محتاج دعاست که فرد مبتلا به یک گرفتاری سخت.

دوم علت این امر بیان شده که همان تعبیر آخر حدیث است. فرموده‌اند: «الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءَ» یعنی هر چند اکنون در حال عافیت به سر می‌برد، اما هیچ‌گاه از گرفتاری در امان نیست. انسان موجودی است که در هر لحظه در معرض همه خطرات و آفات قرار دارد و در هیچ شرایطی نمی‌تواند نفس راحت بکشد و مطمئن باشد که به گرفتاری مبتلا نخواهد شد. بالاتر از این، ممکن است در همان وقتی که خود را در عافیت و راحتی می‌بیند، مبتلا به یک یا چند بیماری باشد که در آینده برایش روشن شود. اگر در حال حاضر از آن مطلع باشد، هرگز احساس خوشی و راحتی نمی‌کند؛ اما چون از ناراحتی خود خبر ندارد، اظهار خوشحالی می‌نماید. مولا امیر مؤمنان علیه السلام در یکی از سخنان زیبای خویش، انسان را بیچاره خوانده و فرموده‌اند:

مِسْكِينٌ ابْنُ آدَمَ: مَكْتُومٌ الْأَجَلِ مَكْتُونٌ الْعِلَلِ .....<sup>۱</sup>

بیچاره انسان: اجل او پنهان و بیماری‌هایش پوشیده است ....

بسیاری از انسان‌ها هستند که از امراض و بیماری‌های خود بی‌خبرند؛ بعدها که بیماری شدت می‌یابد، آثار و علائمش ظاهر می‌گردد. همچنین اجل انسان بر خودش مخفی است و از زمان پایان عمر خویش آگاه نمی‌باشد. چه بسا در حال خوشی و خوش‌گذرانی اجل خود یا یکی از عزیزانش فرارسد و شادی او را تبدیل به غم و مصیبت نماید. این است که فرموده‌اند انسان در حال عافیت از هیچ بلا و

۱. نهج البلاغه (صبحی صالح)، کلمه قصار ۴۱۹.

مصیبتی در امان نیست و نباید از این واقعیت غافل بماند. این گونه انسان همیشه نیازمند دعاست؛ چه در گرفتاری باشد و چه در عافیت. به طور کلی می توان از آیات و احادیث چنین برداشت کرد که: خداوند دوست دارد همیشه بندگانش را در حال دعا و توجه به پیشگاه خود ببیند. در منطق قرآن، کسی که اهل دعا نیست، اصلاً مورد توجه و عنایت پروردگارش قرار نمی گیرد:

«قُلْ مَا يَعْبُؤْ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»<sup>۱</sup>.

بگو (ای پیامبر): اگر دعای شما نباشد، پروردگارم توجهی به شما نمی فرماید.

ملاحظه می شود که همه عنایات و توجهات الهی موقوف به دعای بندگان شده است. البته این آیه بیانگر قاعده و قانونی است که خداوند آن را وضع فرموده ولی به قدرت و مشیت خود ممکن است گاهی خارج از این ضابطه کسی را مورد لطف و عنایتش قرار دهد، اما به هر حال ضابطه و ملاک عمل انسان ها باید مضمون همین آیه شریفه باشد.

### برتری دعا بر تلاوت قرآن

در احادیث اهل بیت علیهم السلام با استناد به همین آیه کریمه، دعا از تلاوت قرآن برتر و با فضیلت تر دانسته شده است. از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:

الدُّعَاءُ أَفْضَلُ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ لِأَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ يَقُولُ: مَا



يَعْبُوْكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ...<sup>۱</sup>

دعا کردن از خواندن قرآن با فضیلت تر است چون خدای عز و جل می فرماید: ما یعبؤ بکم ربی ...

در حدیث دیگری آمده است که معاویه بن عمار به امام صادق علیه السلام عرض می کند:

دو نفر در یک زمان مشغول نماز می شوند. یکی از آنها در نمازش بیش از دعا، قرآن می خواند و دیگری قرآن خواندش بیشتر از دعا کردنش است. و هر دو با هم نمازشان را به پایان می برند. کدام یک از این دو با فضیلت ترند؟»

حضرت علیه السلام می فرمایند:

هر دو فضیلت دارند، هر دو خوب هستند.

معاویه بن عمار عرض می کند:

می دانم که هر دو خوب و دارای فضیلت هستند.

آنگاه امام علیه السلام می فرمایند:

الدُّعَاءُ أَفْضَلُ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»<sup>۲</sup> هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ، هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ أَلَيْسَتْ هِيَ الْعِبَادَةُ؟ هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ، هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ أَلَيْسَتْ أَشَدُّهُنَّ؟ هِيَ وَاللَّهُ أَشَدُّهُنَّ، هِيَ وَاللَّهُ أَشَدُّهُنَّ.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۲، ح ۱۸، به نقل از فقه الرضا علیه السلام.

۲. مؤمن / ۶۰.

۳. بحار الانوار ج ۹۳ ص ۲۹۸ ح ۲۹ به نقل از فلاح السائل.

دعا بهتر است، آیا فرمایش خدای متعال را نشنیده‌ای که فرمود: «و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت نمایم. همانا کسانی که زیر بار بندگی من نمی‌روند، با خواری داخل جهنم خواهند شد». قسم به خدا، دعا عبادت است، قسم به خدا دعا عبادت است. آیا دعا عبادت نیست؟ قسم به خدا آن (دعا) عبادت است. قسم به خدا آن (دعا) عبادت است. آیا (دعا) سخت‌ترین عبادت‌ها نیست؟ قسم به خدا سخت‌ترین عبادت‌هاست. قسم به خدا سخت‌ترین عبادت‌هاست. قسم به خدا سخت‌ترین عبادت‌هاست.

این همه تأکید امام صادق علیه السلام درباره عبادت بودن دعا و سخت‌ترین عبادت بودن آنکه هفت بار با لفظ جلاله در مورد آن قسم یاد کرده‌اند، جداً مایه حیرت است و نشانگر اوج عظمت این عبادت بی‌نظیر می‌باشد. اگر به لطف الهی گوشه‌ای از عظمت این عمل شریف برای انسان روشن شود، تغییر و تحوّل شگفت در او پدید می‌آید.

### الهام و اعطای دعا

ما در احادیث اهل بیت علیهم السلام تعبیری را می‌بینیم که ثابت می‌کند دعا فضل خاصّ الهی است که آن را به برخی از بندگان خاصّ خود از روی منت و لطف عطا می‌فرماید. یکی از این تعبیر «الهام» است. امام موسی بن جعفر علیه السلام در ضمن یکی از فرمایش‌های خود، چنین فرموده‌اند:

... فَيُلْهِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الدُّعَاءَ ...<sup>۱</sup>

... پس خدای عز و جل دعا را به او الهام می‌فرماید ...

تعبیر دیگری که در این مورد به کار رفته، «اعطاء» است. امام

صادق علیه السلام فرموده‌اند:

مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ ...<sup>۲</sup>

به کسی که دعا عطا شود ...

الهام و اعطای دعا به بنده توسط خداوند نشانه لطف خاص و عنایت ویژه پروردگار به کسی است که می‌خواهد او را مورد رحمت خود قرار دهد. خیلی اوقات انسان از دعا کردن غافل است و با اینکه برای رفع گرفتاری خود به هر راهی روی می‌آورد، اما به یاد دعا نمی‌افتد. اما گاهی هم با اینکه گرفتاری خاصی ندارد، به قلبش الهام می‌شود که دعا کند و خدای خود را بخواند که او را از واقع شدن در بلا یا و گرفتاری‌ها حفظ فرماید. اینکه در مواردی به یاد دعا کردن نیست و در شرایط دیگری به یاد آن می‌افتد، به خاطر شانس و اتفاق نیست؛ بلکه سر رشته امور به دست خداوند است و هر زمان و در هر موردی که بخواهد، بنده‌اش را مورد لطف قرار می‌دهد و یا او را در حال غفلت رها می‌سازد. البته اعمال اختیاری ما انسان‌ها - از جمله اهتمام ورزیدن یا بی‌توجهی به امر دعا - در اینکه خدای متعال چه رفتاری با ما داشته باشد، مؤثر است و کسانی که به فراموشی دعا مبتلا می‌گردند، نوعاً عقوبت برخی اعمال زشت خود را می‌چشند.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الهام الدعاء، ح ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۳، ح ۲، به نقل از الخصال و معانی الاخبار.

### درس پنجم: اهتمام به امر دعا

گفتیم که توفیق دعا کردن، الهام و اعطای الهی است ولی در عین حال، اهتمام ورزیدن به امر دعا یا ترک آن، در اینکه انسان، مشمول این لطف خدای متعال گردد، مؤثر است.

آری، اگر انسان خود را مقید و ملزم کند که در همه شرایط - به خصوص در وقت گرفتاری - پیش از هر چیز و هر کار به درگاه الهی روی آورد و حفظ و صیانت خود را از او طلب نماید، آنگاه خود را بیشتر در معرض لطف خاص پروردگارش قرار می‌دهد که به او دعا را «الهام» و «اعطا» نماید. اما اگر چنین نکند، فراموشی دعا خود، معصیت و گناهی برایش محسوب می‌شود.

### ترک دعا، معصیت و گناه

البته فراموش کردن یک امر، اختیاری نیست، اما مقدمات و زمینه‌های آن اختیاری است. ممکن است انسان بر اثر ارتکاب برخی گناهان از این لطف خاص الهی محروم شود. یکی از همین گناهان

ضعف و سستی در اعتقاد به توحید پروردگار متعال می باشد که آن هم به نوبه خود معلول کوتاهی های دیگر انسان در انجام وظیفه بندگی اش می باشد.

به هر حال کوتاهی کردن انسان از دعا به پیشگاه الهی یا عمدی و اختیاری است و یا از روی فراموشی و غیر اختیاری؛ که این حالت دوم نیز به خاطر کوتاهی کردن در انجام دادن مقدمات اختیاری آن است که نهایتاً به خود انسان بر می گردد. این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

### تَرْكُ الدُّعَاءِ مَعْصِيَةٌ ۱

دعا نکردن گناه است.

نتیجه این همه تأکید و اصرار بر امر دعا این است که انسان متوجه شود باید در همه حالات و شرایط مختلف در زندگی خود از اهتمام و توجه به دعا غافل نگردد و در کنار همه تلاش ها و کوشش هایی که از راه های طبیعی و عادی انجام می دهد، تکیه گاه و نقطه امیدش، تنها اجابت دعاهایی باشد که به پیشگاه خدای خود عرضه می دارد.

### لزوم فراگیر شدن دعا در همه شؤون زندگی

با رجوع به متون حدیثی برای ما روشن می شود که ائمه علیهم السلام شیعیان خود را در همه احوال و به همه مناسبت ها تشویق و ترغیب به دعا می کردند. نقل نمونه هایی از این احادیث در همه موارد موجب تطویل می گردد. به همین جهت به ارائه فهرستی از برخی عناوین آنها

که مرحوم علامه کلینی در کتاب شریف خود، «کافی»، نقل فرموده، اکتفا می‌کنیم.

عناوین برخی از ابوابی که مرحوم کلینی در کتاب الدعاء «کافی» ذکر فرموده، با بیان تعداد احادیث هر باب از این قرار است:

### بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ الْإِصْبَاحِ وَالْإِمْسَاءِ:

دعاهای صبح و شام (۳۸ حدیث)

### بَابُ الدُّعَاءِ عِنْدَ النَّوْمِ وَالْإِثْبَاهِ:

دعاهای هنگام خوابیدن و بیدار شدن (۱۸ حدیث)

### بَابُ الدُّعَاءِ إِذَا خَرَجَ الْإِنْسَانُ مِنْ مَنْزِلِهِ:

دعاهای هنگام بیرون رفتن از منزل (۱۲ حدیث)

بَابُ الدُّعَاءِ قَبْلَ الصَّلَاةِ: دعاهای پیش از نماز (۳ حدیث)

### بَابُ الدُّعَاءِ فِي آدْبَارِ الصَّلَوَاتِ:

دعاهای بعد از نماز (۱۲ حدیث)

بَابُ الدُّعَاءِ لِلرِّزْقِ: دعا برای طلب روزی (۱۳ حدیث)

بَابُ الدُّعَاءِ لِلدَّيْنِ: دعا برای ادای قرض (۴ حدیث)

### بَابُ الدُّعَاءِ لِلْكَرْبِ وَالْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَالْخَوْفِ:

دعا برای رفع گرفتاری و ناراحتی و اندوه و ترس (۲۳ حدیث)

### بَابُ الدُّعَاءِ لِلْعِلَلِ وَالْأَمْرَاضِ:

دعا برای رفع دردها و بیماری‌ها (۱۹ حدیث)

### بَابُ الْحِرْزِ وَالْعَوْدَةِ:

دعا برای در امان ماندن از شرور (۱۴ حدیث)

بَابُ الدُّعَاءِ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ:

دعا هنگام خواندن قرآن (۱ حدیث)

بَابُ الدُّعَاءِ فِي حِفْظِ الْقُرْآنِ:

دعا برای حفظ کردن قرآن (۲ حدیث)

بَابُ دَعَوَاتٍ مُوجَّزَاتٍ لِجَمِيعِ الْحَوَائِجِ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ:

دعاهای مختصر برای برآورده شدن همه حوائج دنیوی و اخروی

(۳۵ حدیث)

اینها عناوین بخشی از دعاهایی است که تنها مرحوم کلینی در کتاب بی نظیر خود، «کافی»، نقل فرموده که مجموعاً ۱۹۴ حدیث را تشکیل می دهد. اگر بخواهیم احادیث دیگری را که در سایر کتب ادعیه در ابواب مختلف ذکر شده، بر اینها بیفزاییم، تعداد احادیث به چندین برابر این تعداد می رسد. غرض از ذکر این عناوین توجه دادن به این حقیقت است که در مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام اهتمام به امر دعا در همه حالات و شؤون مختلف زندگی یکی از محورهای اساسی به شمار می آید و شیعیان ایشان نباید از آن غفلت نمایند.

منافات نداشتن دعا با کار و زندگی

اینجا ممکن است کسی تصور کند که: اگر انسان بخواهد این چنین به امر دعا در زندگی خود اهمیت دهد، باید وقت بسیاری را در عمر خود صرف دعا کردن نماید و در این صورت از پرداختن به امور اصلی و واجب هم باز می ماند. بله، فقط کسی که کار و زندگی درستی ندارد، می تواند چنین زمانی را در زندگی خود به دعا کردن اختصاص دهد!

در پاسخ به این تصوّر باید گفت: چنین نیست و دعا کردن مختصّ آدم‌های بیکار نیست. بلکه دقیقاً آنان که کار و زندگی سخت‌تر و پر مشغله‌تری دارند، نیازشان هم به دعا بیشتر است؛ هرچند که هیچ‌کس از آن بی‌نیاز نمی‌باشد. برای روشن شدن مطلب توجه به چهار نکته لازم است:

۱- ما انسان‌ها، با وجود همه کارها و مشغله‌های شخصی معمولاً اوقات زیادی را در زندگی به بطالت می‌گذرانیم که در آنها هیچ‌گونه غرض عقلایی وجود ندارد. هر کس اگر اوقات تلف شده خود را در شبانه روز یادداشت کند، آنگاه متوجه می‌شود که چه فرصت‌هایی را از دست داده که می‌توانست از آنها بهره برداری بسیاری بکند.

۲- نکته دیگر این است که دعا هیچ‌گاه جای کار و تلاش انسان را نمی‌گیرد. بنابراین مزاحم کار انسان نیست، بلکه دقیقاً در راستای به ثمر رسیدن کار و کوشش انسان است. گاهی انسان تلاش می‌کند و وقت زیادی هم صرف می‌کند، اما نتیجه مطلوبی از آن کار و وقت‌گذاری به دست نمی‌آورد یا اینکه نتیجه عکس می‌گیرد و اقدامی به ضرر خودش انجام می‌دهد. در حقیقت وقت خود را با کارهایش تلف می‌کند و در حالی که تصوّر می‌کند که سود برده، اما در واقع ضرر کرده است. یکی از آثار و برکات دعا می‌تواند این باشد که کار و تلاش انسان در مسیرهای انحرافی نیفتد و از روی نادانی به جریانی گرفتار نشود که نتیجه‌ای جز خسران به بار نمی‌آورد. واقعیت این است که بسیاری از اوقات انسان به خاطر ندانم‌کاری‌های بیهوده به هدر می‌رود؛ غافل از اینکه با توجه به خدای متعال و دعا به درگاه او می‌تواند «توفیق» و



«برکت» در عمر خود را طلب کند و این گونه از ضایع شدن تنها سرمایه گرانبهایش مصون و محفوظ بماند.

۳- نکته سوم در این خصوص، توجه به این حقیقت است که اگر انسان قدر و منزلت چیزی را به خوبی بداند و به اهمیت تأثیر عمیق آن واقف باشد، هیچ گاه وقت برای انجام آن کم نمی آورد. معمولاً انسان برای انجام اموری که اهمیت چندانی برایش ندارد، وقت کافی نمی گذارد. به تعبیر دیگر انسان عاقل همیشه در زندگی اش نظم و ترتیب دارد و در این نظم بندی، اولویت را به کارهایی می دهد که برایش اهمیت بیشتری دارند. لذا برای امور ضروری همچون غذا خوردن یا ادای نمازهای واجب یومیّه همیشه وقت دارد و هیچ گاه آنها را از دست نمی دهد. البته ممکن است گاهی در انجام امور ضروری هم به ضیق وقت گرفتار شود، ولی بالأخره به انجام حداقل لازم از آنها اکتفا می نماید. حال اگر کسی به اهمیت امر دعا چنانکه در تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام آمده، واقف شود و عمق تأثیر آن را در جلب عنایات الهی بداند (به عنوان نمونه آیه کریمه: **قُلْ مَا يَعْבוُّ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ**)<sup>۱</sup>، آنگاه در مستحبات بالاترین اولویت را برای دعا کردن قائل می شود و حتی انجام یک مرتبه حداقلی از آن را بر خود واجب می سازد و راضی به از دست دادن خیر و برکت آن نمی شود. بنابراین متناسب با نیازهای خود برنامه منظمی ترتیب می دهد، تا به حداقلی از این سرمایه عظیم دست یابد. طبق این قاعده عقلانی که «**مَا لَا يُدْرِكُ كُلهُ لَا يُتْرَكُ كُلهُ**» انسان اگر نتواند به کل یک گنج گرانقدر دست یابد، خود را از همه آن

محروم نمی‌کند، بلکه به مصداق «الْمَيْسُورُ لَا يُتْرَكُ بِالْمَعْسُورِ» به هر مقدار که برایش میسر و ممکن باشد، خود را از نعمتِ دعا به پیشگاه الهی برخوردار می‌سازد.

۴- چهارمین نکته‌ای که باید در این بحث مورد توجه قرار گیرد، این است که لازمه اهمیت دادن به دعا در شؤون مختلف زندگی، زیاده‌ای حجم و کثرت عدد آن نمی‌باشد. دعایک عبادت بزرگ الهی است و مهم‌ترین ویژگی در هر عبادت، شرایط قبولی آن می‌باشد. در مورد دعا هم بیشترین دغدغه، مسموع بودن آن در درگاه الهی است که از آن به «اجابت دعا» تعبیر می‌شود. بنابراین اهتمام ورزیدن به دعا به معنای توجه داشتن و اهمیت دادن به شرایط اجابت آن است. ممکن است کسی از جهت تعداد، دعاهای زیادی بخواند، اما شرایط اجابت در آن فراهم نباشد؛ برعکس، فرد دیگری با دعای کمتر شرایط بهتری برای اجابت آن فراهم سازد. در این صورت شخص دوم را باید اهل دعا بشماریم؛ نه اولی را. توضیح و تفصیل این مطلب مهم در ادامه مباحث خواهد آمد.<sup>۱</sup> با در نظر گرفتن این نکته روشن می‌شود که ملاک اهتمام در امر دعا، صرف وقت زیاد در انجام آن نیست.

---

۱. رجوع شود به فصل ۳ از همین حلقه.

## پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۵

- ۱- معنای دقیق عبادت چیست؟ چرا اطاعت مطلق از اهل بیت علیهم‌السلام و تعظیم آنان مصداق عبادت ایشان نیست؟
- ۲- در مورد اینکه دعا برترین عبادت دانسته شده است، چه توضیحی می‌توان داد؟
- ۳- آیا خواندن همراه با اظهار تذلل و خضوع در مقابل یک مخلوق، عبادت او محسوب می‌شود؟ توضیح دهید.
- ۴- در آیه شریفه: «انّ الذین یتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین» چه امری مصداق استکبار و رزیدن از عبادت خدا دانسته شده است؟ وجه مطلب را توضیح دهید.
- ۵- چگونه فرهنگ دعا در زندگی انسان، عمومی و فراگیر می‌شود؟
- ۶- با توجه به اینکه خدا حاجت ما را می‌داند، چه نیازی است که آن را به زبان آوریم؟
- ۷- تعمیم دعا به امور کوچک و بزرگ، برخاسته از چه اعتقادی است؟
- ۸- چرا انسان در حال عافیت به اندازه حال بلا محتاج به دعا است؟
- ۹- منظور از «الهام» و «اعطای» دعا چیست؟
- ۱۰- در پاسخ به کسی که تصور می‌کند اهتمام به امر دعا انسان را از کار و زندگی می‌اندازد، چه باید گفت؟

## فصل ۲

# آثار و نتایج دعا

### درس ششم: آثار دعا (۱)

پس از آنکه دانستیم دعای یکی از عبادات و بلکه افضل آنهاست، اکنون مناسب است که به مهم‌ترین آثار و نتایج این عبادت بزرگ - مطابق آنچه در احادیث ائمه علیهم‌السلام آمده - اشاره‌ای داشته باشیم. این آثار برخی دنیوی است و برخی دیگر اخروی و ما اهم آنها را در هفت عنوان کلی دسته‌بندی می‌کنیم و طی این درس و دروس آینده عرضه می‌داریم:

#### ۱ - وسیله پیروزی و مایه دلگرمی (سلاح)

اولین اثر مهمی که بر دعا مترتب دانسته‌اند، این است که آن را «سلاح» نامیده‌اند. از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که فرمودند:

### الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ.<sup>۱</sup>

دعا سلاح مؤمن است.

سلاح و سیله‌ای است که در نبرد با دشمنان اولاً باعث دلگرمی انسان می‌شود و ثانیاً ابزاری است برای غلبه و پیروزی. انسان برای پیروزی در معرکه‌هایی که در سراسر زندگی خود پیش رو دارد، احتیاج به ابزارهایی دارد که هم مایهٔ قوت قلبش گردد و هم او را بر دشمن پیروز گرداند. کسی که دست خالی می‌جنگد، خود را ناتوان و بدون پشتوانه احساس می‌کند و به همین دلیل توانایی مقابله و رودر رویی شجاعانه با دشمن را ندارد و به سرعت خود را می‌بازد. علاوه بر این در نبرد با دشمن، وجود سلاح، قدرت رویارویی را در انسان بالا می‌برد و او را سریع‌تر و بهتر پیروز میدان می‌گرداند.

البته باید توجه داشت که دعا کردن کار آدم‌های بی‌عرضه نیست؛ یعنی چنین نیست که وقتی کسی کاری از دستش بر نیامد، به دعا متوسل شود، بلکه دعا خود از بهترین وسایل و اسباب برای پیروزی و پیشرفت می‌باشد.

در حدیثی به نقل از امام رضا علیه السلام آمده است که ایشان به اصحاب خود فرمودند:

### عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ.

بر شما باد به سلاح پیامبران.

از ایشان پرسیدند: سلاح پیامبران چیست؟ فرمودند: «الدُّعَاءُ».<sup>۲</sup>

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أَنَّ الدُّعَاءَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ، ح ۱.

۲. همان، ح ۵.

## فصل دوم: آثار و نتایج دعا □ ۵۵

روشن است که پیامبران افراد بی‌عرضه و ناتوانی نبودند، بلکه همگی برگزیدگان خدای متعال بودند و به فرمودهٔ امام هشتم علیه السلام دعا سلاح این برگزیدگان بوده است؛ که اهداف بلند و الهی خود را با آن وسیله - البته همراه با انجام دیگر وظایف خویش - پیش می‌بردند. در حدیث قبلی هم پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دعا را سلاح مؤمنان دانسته بودند. این تأکیدها نشان می‌دهد که افراد با انگیزه‌های عالی و خدایی اگر اهل دعا نباشند، در میدان مبارزه با دشمنان الهی دست خالی خواهند ماند و توان مقابله را از دست می‌دهند.

بزرگترین دشمن اهل ایمان و انبیای الهی شیاطین هستند. شیطان چنان قوی و قدرتمند است که انسان به تنهایی توانایی رودر روی باکند و مکر او را ندارد. خدای متعال به پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرموده که از وساوس شیطان به خدا پناه ببرد:

«وَقُلْ رَبِّ اعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ»<sup>۱</sup>

و (ای پیامبر) بگو: ای پروردگارم از تحریکات شیاطین به تو پناه می‌آورم.

این دستور الهی به این معناست که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تنهایی حریف مبارزه با شیاطین نیست و باید خود را در پناه حمایت خداوند قرار دهد تا بتواند با این دشمنان خود و خدا مقابله کند و بر آنها پیروز گردد. وقتی وضعیّت پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مبارزه با شیطان چنین باشد، حال دیگران به طریق اولی روشن است که آنها هم به خودی خود، توان رویارویی با این دشمن خطرناک را ندارند. اینجاست که ارزش

سلاح انبیاء و سلاح مؤمنان معلوم می‌شود. امیر مؤمنان و مولای متقیان علیه السلام در ضمن سفارش‌های خود فرمودند:

### أَكْثَرُ الدُّعَاءِ تَسْلَمُ مِنْ سَوْرَةِ الشَّيْطَانِ.<sup>۱</sup>

زیاد دعا کن تا از تند و تیزی (حملات) شیطان در امان بمانی. انسان با سلاح دعا می‌تواند به جنگ شیطان برود و خود را از شر او سالم بدارد. در فرمایش دیگری از همان امام عزیز چنین آمده است:

### الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ.<sup>۲</sup>

دعا سپر مؤمن است.

سپر انسان را از شر حملات دشمن مصون و محفوظ می‌دارد و نقش دعا برای اهل ایمان چنین است.

در تعبیر دیگری امام ششم علیه السلام، دعا را از نیزه تیز، کاری‌تر دانسته‌اند:

### الدُّعَاءُ أَنْفَذُ مِنَ السِّنَانِ الْحَدِيدِ.<sup>۳</sup>

دعا از سر نیزه تیز، کاری‌تر و نافذتر است.

در گذشته یکی از سلاح‌های بسیار کاری و مؤثر نیزه بوده است. هر نیزه‌ای که سر آن تیزتر بوده، اثر بر زندگی بیشتر و نافذتری داشته است. دعا - طبق فرمایش امام صادق علیه السلام - از سر نیزه تیز، کاری‌تر و مؤثرتر می‌باشد و باید به طور صحیح به کار گرفته شود تا به جا و به مورد، اثر خودش را بگذارد. به هر حال انسان مؤمن در زندگی‌اش با دشمنان

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۹، ح ۶۴، به نقل از مطالب السؤل.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أَنَّ الدُّعَاءَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ، ح ۴.

۳. همان، ح ۷.

زیادی روبروست و برای اینکه گوهر ایمان خود را از شر دشمنان حفظ کند، باید در میدان‌های نبرد متعددی پیروز و سربلند شود. از شیاطین جنّی گرفته تا انسان‌هایی که خود از ایادی شیطان هستند، نمی‌خواهند هیچ مؤمنی با ایمان بماند و سعی در منحرف ساختن او از مسیر صحیح هدایت الهی دارند. مقابله با انواع این دشمنان جز با سلاح «دعا» ممکن نیست. البته در کنار دعا باید به سفارش‌های دیگری که اهل بیت علیهم‌السلام در این رابطه فرموده‌اند نیز عمل شود.

## ۲ - سرازیر شدن روزی

دومین اثر و برکت دعا به پیشگاه الهی، سرازیر شدن روزی به سوی انسان است. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ؟

آیا به شما سلاحی معرفی نکنم که شما را از شر دشمنانتان نجات بخشد و روزی‌های شما را سرازیر نماید؟

عرض کردند: بفرمایید. فرمودند:

تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ<sup>۱</sup>

پروردگارتان را شب و روز بخوانید.

## روزی مادی و معنوی

اولین نکته‌ای که در تبیین این اثر گرانقدر دعا باید مورد توجه قرار گیرد، این است که مفهوم «رزق» تنها شامل پول و مال و خوراک و

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أَنَّ الدُّعَاءَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ، ح ۳.



پوشاک و مسکن و نظایر اینها نمی‌شود، بلکه در برگیرندهٔ ارزاق معنوی انسان هم هست. به تعبیر دیگر «رزق» هم شامل رزق مادی است و هم معنوی. در کلمات لغویین تصریح به این معنا وجود دارد. به عنوان نمونه طریحی چنین آورده است:

الْأَرْزَاقُ نَوْعَانِ: ظَاهِرَةٌ لِلْأَبْدَانِ كَالْأَقْوَاتِ وَ بَاطِنَةٌ لِلْقُلُوبِ  
كَالْمَعَارِفِ وَ الْعُلُومِ.<sup>۱</sup>

رزق‌ها دو نوع هستند: ظاهری برای ابدان مانند غذاها و باطنی برای قلوب مانند معارف و علوم.

با این ترتیب مفهوم «رزق» عام است و غیر از امور مادی شامل امور معنوی چون علم، عقل، ادب، حج، زیارت و ... می‌شود. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

«... وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»<sup>۲</sup>

فرمودند:

مِمَّا عَلَّمْنَاهُمْ يَبْتُونَ وَ مِمَّا عَلَّمْنَاهُمْ مِنَ الْقُرْآنِ يَتْلُونَ.<sup>۳</sup>

از آنچه به آنها آموخته‌ایم، نشر می‌دهند و از آیات قرآن که به ایشان آموخته‌ایم، تلاوت می‌کنند.

در این حدیث روشن است که رزق را شامل علم و قرآن هم دانسته‌اند. مصادیق دیگری از این رزق معنوی در دعای زیبایی منقول از

۱. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۶۹، مادهٔ رزق.

۲. بقره / ۳.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷، ح ۳۸، به نقل از معانی الاخبار.

امام زین العابدین علیه السلام آمده است که جزء تعقیبات نماز نافله صبح می باشد. قسمتی از آن چنین است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَ عَزْماً ثَابِتاً وَ لُبّاً رَاجِحاً وَ قَلْباً زَكِيّاً  
وَ عِلْماً كَثِيراً وَ آدَباً بَارِعاً.<sup>۱</sup>

خدایا مرا روزی فرما: عقلی کامل و اراده‌ای نافذ و خردی برتر و دلی پاک و علمی فراوان و ادبی نیکو.

در اینجا هم روزی شامل عقل، دل پاک، علم فراوان و ادب نیکو و امثال اینهاست. همچنین در دعای دیگری که از امام صادق علیه السلام در تعقیبات مختصه نماز صبح نقل شده، چنین آمده است:

اللَّهُمَّ ... ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ كُلِّ مَنْ أَحَبَّكَ وَ حُبَّ كُلِّ  
عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ.<sup>۲</sup>

خداوندا ... روزی کن مرا محبت خود و محبت هر کس که تو را دوست دارد و محبت هر کاری که مرا به محبت تو نزدیک می سازد.

با این ترتیب محبت خدا و دوستارانش و محبت همه اعمالی که محبوب خدا هستند، از مصادیق روزی به شمار می آیند. پس آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: دعا باعث سرازیر شدن روزی به شما می شود، باید تمام این مصادیق را در نظر گرفت و آن را منحصر در روزی مادی ندانست.

۱. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۲۵، ح ۱۴، به نقل از جنة الامان.

۲. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۸۲، ح ۴۶، به نقل از مصباح المتهجد.

## دعا به همراه تلاش برای تحصیل روزی

نکتهٔ دیگر اینکه طلب روزی از خدای متعال به دو صورت است: یکی دعا و درخواست از او و دیگر تلاش و سعی از راه‌های متعارف و عادی. برای تحصیل رزق باید هر دو کار انجام شود و هیچ‌یک جای دیگری را نمی‌گیرد. مثلاً برای تحصیل علم و ادب هم باید از خداوند خواست و به پیشگاهش دعا کرد و هم باید سراغ درس و بحث و زانو زدن در محضر عالمانِ مهذب و مؤدب رفت. همچنین است طلب روزی مادی و رزق حلال که هم نیاز به کسب و کار دارد و هم دعا و درخواست از خداوند. در ادامهٔ مباحث به صورت مستدل بیان خواهد شد که به دعا بدون فراهم کردن اسباب و زمینه‌های عادی آن، وعدهٔ اجابت داده نشده و بلکه همین کوتاهی کردن از موانع استجابت دعا شمرده شده است.

اکنون فقط به یک حقیقت مهم توجه می‌دهیم و آن اینکه: گاهی انسان از راه‌های متعارف به تلاش برای کسب روزی - چه مادی و چه معنوی - می‌پردازد و سعی و کوشش زیادی هم به خرج می‌دهد. اما به اندازهٔ زحمتی که متحمل شده، سود نمی‌برد. گاهی حتی تلاشش بی‌نتیجه بوده، دست خالی می‌ماند و از این بدتر آنکه ممکن است ضرر هم بکند. وجود این حالات مختلف نشان می‌دهد که انسان نمی‌داند خداوند متعال رسیدن روزی او را از چه طریقی مقدر فرموده است. اینکه انسان از چه راهی و با مراجعه به چه کسانی می‌تواند رزق خود را به دست آورد، برای خودش روشن نیست. ممکن است به اسباب و

وسائلی دل ببندد که از آنها هیچ چیز نصیبش نشود و برعکس، از طریقی که اصلاً حسابی روی آن باز نکرده، روزی بدست آورد. اینجاست که برای همگان واضح و آشکار می‌گردد که روزی رسان خداوند است و غیر او هر چه هست، اسباب و زمینه‌هایی است که خود او فراهم می‌آورد. اگر خداوند نخواسته باشد که از طریقی رزق انسان را برساند، هیچ سعی و تلاشی در آن مسیر به نتیجه نمی‌رسد. بنابراین یکی از آثار و خیرات دعا این است که خداوند در عمل، انسان را موفق به یافتن مسیری نماید که راه رسیدن روزی اوست. همچنین با عنایت الهی در مسیری قرار نگیرد که با وجود سعی و تلاش، چیزی از آن راه نصیبش نمی‌گردد. همین مطلب لطیف در دعایی که به عنوان یکی از تعقیبات نماز عشا وارد شده، آمده است. راوی می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام بودم که یکی از شیعیان از فقر و تنگدستی خود به حضرتش شکایت می‌نمود و اظهار می‌کرد که برای طلب روزی به سرزمین‌های مختلفی رفته، اما تنها اثرش ازدیاد فقرش بوده است.

حضرت به او فرمودند:

پس از نماز عشا، این دعا را با تائی بخوان:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي وَ إِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ  
تَخْطُرُ عَلَيَّ قَلْبِي فَأَجُولُ فِي طَلْبِهِ الْبُلْدَانَ فَأَنَا فِيهَا أَنَا طَالِبٌ  
كَالْحَيْرَانِ لَا أَدْرِي أ فِي سَهْلٍ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ  
فِي سَمَاءٍ أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ وَ عَلَيَّ يَدَيَّ مَنْ وَ مِنْ قَبْلِ مَنْ  
وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ وَ أَسْبَابُهُ بِيَدِكَ وَ أَنْتَ تَقْسِمُهُ

بِلُطْفِكَ وَ تُسَبِّهُ بِرَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ  
 وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعاً وَ مَطْلَبَهُ سَهْلاً وَ مَأْخِذَهُ  
 قَرِيباً وَ لَا تُعْتِنِي بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقاً فَإِنَّكَ غَنِيٌّ  
 عَنْ عَذَابِي وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ  
 مُحَمَّدٍ وَ جُدْ عَلَي عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.<sup>۱</sup>

بارالها من به جایگاه روزی خود آگاهی ندارم و صرفاً مطابق  
 افکاری که به قلبم خطور می‌کند، به دنبال طلب آن در  
 سرزمین‌های مختلف هستم. بنابراین من همچون افراد سرگردان  
 به دنبال مطلوب خود هستم؛ نمی‌دانم (آنچه طلب می‌کنم) در  
 دشت است یا در کوه، در زمین است یا در آسمان، در خشکی  
 است یا در دریا و به دست چه کسی و از طرف کیست. و در عین  
 حال به‌خوبی آگاهم که علم آن (روزی من) نزد تو و اسبابش به  
 دست توست و تو آن را به لطف خویش تقسیم می‌فرمایی و به  
 سبب رحمت خود زمینه‌هایش را فراهم می‌نمایی.

(حال که چنین است) پس بارالها بر پیامبر ﷺ و آل او درود  
 بفرست و روزی خود را برای من وسیع و راه طلب آن را آسان و  
 محلّ به دست آوردن آن را نزدیک قرار ده و مرا در طلب کردن  
 آنچه روزی‌ام را در آن مقدر فرموده‌ای، به رنج و زحمت نینداز،  
 همانا تو از عذاب کردن من بی‌نیازی و من به رحمت تو محتاجم.  
 پس بر پیامبر ﷺ و خاندان ایشان درود فرست و با فضل خود  
 بر بنده‌ات ببخش، که تو صاحب فضلی عظیم هستی.

۱. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۱۲۴، ح ۵، به نقل از فلاح السائل.

مضامین این دعای زیبا به خوبی نقش بی بدیل فضل و عنایت الهی را در روزی رساندن به بندگانش نشان می دهد. کسی که از عمق دل خویش این نقش را باور کرده باشد، به راحتی تأثیر دعا را در سرازیر شدن روزی به انسان می پذیرد. البته باید توجه داشت که مقصود از اینکه دعا در سرازیر شدن روزی به سوی انسان مؤثر است، تنها این نیست که اگر انسان برای طلب روزی دعا کند، روزی اش بیشتر می شود. دعاهایی نظیر آنچه به عنوان تعقیب نماز عشا ذکر شد، قطعاً در این زمینه مؤثر است، اما به نظر می رسد مطلق دعا - چه برای طلب روزی و چه غیر آن - باعث سرازیر شدن روزی به انسان است. آنچه در همه دعاهای وجود دارد، توجه قلبی عمیق به خدای متعال به عنوان مسبب الاسباب می باشد و همین توجه می تواند مؤثر و کارساز باشد. امام باقر علیه السلام در توضیح آیه شریفه:

«وَ اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»<sup>۱</sup>

و از فضل خداوند طلب کنید.

فرمودند:

لِلَّهِ فَضْلٌ يُقَسَّمُهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ.

خدا دارای فضلی است که آن را بین طلوع فجر تا طلوع خورشید تقسیم می فرماید.

آنگاه اضافه فرمودند:

ذِكْرُ اللَّهِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ

### فِي الْأَرْضِ<sup>۱</sup>

یاد کردن خداوند پس از طلوع فجر از دوندگی در زمین، برای طلب روزی مؤثرتر می‌باشد.

اینجاست تعبیر «ذکر» را به کار برده‌اند که مقصود یاد کردن از خداست. خواندن خداوند - هر چند با سؤال و درخواست از او همراه نباشد - مصداق روشنی از «ذکر» است. بنابراین دعا حتی بدون آنکه همراه با طلب روزی از خدا باشد، در سرازیری رزق انسان، مؤثر و کارساز است.

---

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۱۹.

## درس هفتم: آثار دعا (۲)

### ۲ - شفای همه دردها

یکی دیگر از آثار و نتایج دعا شفابخش بودن آن از هر دردی (اعم از دردهای ظاهری و باطنی) است. این مطلب به صراحت در فرمایش امام صادق علیه السلام آمده است:

عَلَيْكَ بِالْدُّعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ.<sup>۱</sup>

بر تو باد دعا کردن زیرا آن درمان هر دردی است.

شفا دادن در فرهنگ دین مانند روزی دادن است. همان طور که روزی تنها به دست خداست، شفا هم تنها در اختیار اوست. نقش اسباب و وسایط و تأثیر آنها در شفابخشی همچون نقش زمینه‌ها و شرایط عادی در رسیدن روزی به انسان می‌باشد. همان گونه که سررشته امور در امر روزی رساندن به دست خداوند است، در شفابخشی هم تأثیر

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أن الدعاء شفاء من كل داء، ح ۱.



معالجه و دارو و ... به خواست خدا و اذن او بستگی دارد. بنابراین با همان اعتقادی که انسان برای رسیدن روزی اش دعا می‌کند و همزمان دنبال اسباب و وسائط می‌رود، باید در کنار دعا برای شفا خواستن، در پی پیمودن راه‌های متعارف معالجه دردهایش هم باشد. در صورت وجود اعتقاد صحیح در این زمینه، انسان می‌تواند شاهد تأثیر دعا در شفای همه دردهای خود و دیگران باشد، حتی اگر این دعاها صرف خواندن خدا و بدون درخواست شفا از او باشد.

#### ۴ - رسیدن به موفقیت و رستگاری

چهارمین اثر با برکت دعا چیزی است که از آن به کلید نجات و رستگاری تعبیر کرده‌اند. از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمودند:

الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ.<sup>۱</sup>

خواندن خداوند کلید به دست آوردن موفقیت و رستگاری است. «مفاتیح» جمع «مفتاح» به معنای کلید است و «مقالید» هم جمع «مقلاد» می‌باشد. «مقلاد» هم به معنای کلید به کار رفته و هم به معنای گنجینه.<sup>۲</sup> بنابراین تعبیر «مقالید الفلاح» یا به معنای کلیدهای رستگاری و یا گنجینه‌های رستگاری است. پس حاصل فرمایش امام امیرالمؤمنین علیه السلام این است که از طریق دعا می‌توان به کلیدهای موفقیت و گنجینه‌ها (یا کلیدهای) رستگاری دست یافت. موفقیت و رستگاری برای یک مؤمن فقط در سایه رضا و خشنودی خدا از او

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب ان الدعاء سلاح المؤمن، ح ۲.

۲. المقلاد: الخزانة و المفتاح (المعجم الوسيط، ص ۷۵۴).

حاصل می‌گردد. بنابراین بسیاری از آنچه که در دیدگاه اهل دنیا مصداق موفقیت محسوب می‌گردد، با معیارهای دینی عین شکست و ناکامی شمرده می‌شود. به دست آوردن نعمت‌های دنیوی اگر وسیله‌ای برای سعادت اخروی انسان باشد، موفقیت است و گرنه، او را به بدبختی و بیچارگی مبتلا می‌کند.

دعا وسیله‌ای است برای آنکه انسان را از آنچه در دنیا نصیبش شده، به سعادت واقعی که همان رضای خدای او از اوست، برساند. اگر این کلید و این گنجینه در اختیار انسان نباشد، از رسیدن به آن محروم و ناکام خواهد ماند.

در حدیث دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده، چنین می‌خوانیم:

... فَأَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ وَ نَجَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ.<sup>۱</sup>

... پس بسیار دعا کن که آن کلید هر رحمت و (سبب) موفقیت در هر نیازی است.

طبق این فرمایش گرانقدر کلید هر رحمتی دعا به پیشگاه خداست؛ یعنی اگر کسی خواهان رحمت الهی در هر زمینه‌ای باشد، می‌تواند از طریق دعا باب آن رحمت را بر خود بگشاید. بنابراین تحصیل سعادت دنیا و آخرت از راه دعا میسر است، البته به شرط اینکه انسان از انجام سعی و تلاش متعارف هم کوتاهی نکند.

همچنین بر اساس فرمایش امام صادق علیه السلام هیچ حاجتی نیست که به دست آوردن موفقیت در آن از طریق دعا امکان‌پذیر نباشد. موفقیت و

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أن الدعاء يرُدُّ البلاء و القضاء، ح ۷.

پیروزی همیشه در این نیست که انسان به خواسته خود نایل شود؛ گاهی انسان به دنبال چیزی است که به دست آوردنش به صلاح و نفع او نمی‌باشد. بنابراین در صورت وجود یک نیاز، نمی‌توان گفت که موفقیت انسان لزوماً به رفع آن نیاز است. مثلاً کسی که به مال فراوانی از دنیا نیازمند است، چه بسا به دست آوردن آن به ضررش باشد و او را از درگاه خداوند دور سازد. موفقیت (نجاح) در این مورد این است که مال دنیا را به اندازه‌ای که به عاقبت حالش مفید است و برای ایمانش مضر نیست، به دست آورد و دعا وسیله و سببی برای رسیدن به همین موفقیت است. توضیح کامل‌تر این بحث در فصل مربوط به بیان شرایط و موانع اجابت دعا خواهد آمد.<sup>۱</sup>

#### ۵ - رفع بلاهای نازل شده

یکی دیگر از آثار و نتایج دعا رفع بلا یا و مصیبت‌هاست. نوع بلاها در واقع سلب نعمت‌هایی است که مدتی در اختیار انسان بوده است. مثلاً بیماری عبارت است از سلب نعمت سلامت یا زلزله و امثال آن مساوی است با از دست دادن نعمت امنیت و ... یکی از علت‌های اساسی از دست دادن هر نعمت، ناشکری نمودن نسبت به آن به خاطر ارتکاب گناه است؛ چون هر گناهی در واقع مصداق ناشکری نعمت‌های الهی است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

مَا زَالَتْ نِعْمَةٌ وَلَا نَضَارَةٌ عَيْشٍ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوا إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ.<sup>۲</sup>

۱. فصل آینده.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۸۹، ح ۵، به نقل از الخصال.

هیچ نعمتی و هیچ خوشی و خرمی در زندگی زائل نمی‌شود مگر به سبب گناهایی که (انسان‌ها) مرتکب می‌شوند، خداوند به بندگان ظلم نمی‌کند.

وقتی خداوند بعضی از نعمت‌های خود را از کسی می‌گیرد، در واقع مصیبت و بلا را بر او نازل می‌کند. این کار به مقتضای عدل الهی است و ریشه در اعمال زشت خود انسان دارد. به فرمایش مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در همه این بلا یا رد پای تقصیرات انسان‌ها به چشم می‌خورد. ایشان در ادامه فرمایش خود، چنین آورده‌اند:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذَا نَزَلَتْ بِهِمُ النَّقْمُ وَ زَالَتْ عَنْهُمْ النِّعْمُ فَرَعَوْا إِلَى اللَّهِ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَّاتِهِمْ وَلَمْ يَهِنُوا وَ لَمْ يُسْرِفُوا لِأَصْلَحَ اللَّهُ لَهُمْ كُلُّ فَاسِدٍ وَ لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلُّ ضَالِحٍ<sup>۱</sup>

و اگر ایشان (گناهکاران) در هنگام فرود آمدن بلاها و از دست رفتن نعمت‌ها، با صدق نیت به خدا پناه آورده، به او استغاثه می‌کردند و سستی به خرج نمی‌دادند و (در انجام گناه) زیاده‌روی نمی‌نمودند، خداوند هر فساد و تباهی را برای ایشان اصلاح می‌فرمود و هر امر شایسته را به ایشان باز می‌گرداند.

«فَرَعَ إِلَى ...» در عربی به معنای «پناه آوردن و استغاثه کردن به ...» می‌باشد.<sup>۲</sup> مضمون فرمایش مولا این است که اگر انسان‌های گناهکار در وقت فرود آمدن بلا، به درگاه خدا روی آورده، از او کمک می‌خواستند، گرفتاری‌هایشان رفع می‌شد و نعمت‌های از دست رفته به

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۸۹، ح ۵، به نقل از الخصال.

۲. المعجم الوسيط، ص ۶۸۷.

ایشان باز گردانده می‌شد. پس تداوم بلاها و مصیبت‌ها به خاطر کوتاهی کردن خود مردم در روی آوردن به دعا و ثنای الهی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی دیگر از فرمایش‌های خود بر ضرورت دعا هنگام بلا تأکید صریح فرموده‌اند:

إِنَّ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ سَطَوَاتٍ وَ نَقِمَاتٍ فَإِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ فَأَدْفَعُوهَا  
بِالدُّعَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَدْفَعُ الْبَلَاءَ إِلَّا الدُّعَاءُ.<sup>۱</sup>

همانا خدای سبحان قهرها و عقوبت‌ها دارد، پس در هنگام فرود آمدن آنها بر شما، به وسیله دعا آنها را دفع کنید، چرا که بلا را چیزی جز دعا دفع نمی‌نماید.

نقمت ضد نعمت است و وقتی نعمتی سلب می‌شود، معمولاً نقمت جای آن را می‌گیرد که چیزی جز گرفتاری و بلا نیست. در این حدیث شریف تصریح فرموده‌اند که بلا جز با دعا از بین نمی‌رود. بنابراین انسان مؤمن در وقت گرفتاری باید پیش از هر چیز بر روی آوردن به سوی خداوند تأکید و اصرار داشته باشد. روشن است که دعا در این شرایط شامل استغفار و توبه از آنچه سبب نزول بلا بوده نیز خواهد شد. شاید بتوان چنین تعبیر کرد که انسان با اظهار پشیمانی از گناه و طلب مغفرت از خداوند، می‌خواهد علت نزول بلا را محو نماید و یک‌بار دیگر خود را مشمول رحمت او قرار دهد.

در فرمایش دیگری که از امام زین‌العابدین علیه السلام منقول است، چنین فرموده‌اند:

۱. غُزْرُ الْحَكَمِ، ج ۲، ح ۳۵۱۲.

### الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ<sup>۱</sup>

دعا بلائی نازل شده و (بلائی) نازل نشده را دفع می‌کند.

دفع بلائی نازل شده بحث فعلی ماست و درباره دفع بلائی نازل نشده به وسیله دعا در درس بعد سخن خواهیم گفت.

وجود و عدم دعا نشانه کوتاه یا بلند بودن مدت بلا

تأثیر دعا در رفع بلا چنان یقینی و روشن است که می‌بینیم اِنَّهٗ بِالْبَلَاءِ طَوْلَانِي شَدْنَ يَا كَوْتَاهُ بُوْدْنَ مَدَّتْ زَمَانُ بَلَا رَا بَه اَيْنَكه انسان‌ها در زمان گرفتاری به یاد دعا بیفتند یا خیر، منوط دانسته‌اند. هشام بن سالم می‌گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند:

### هَلْ تَعْرِفُونَ طُولَ الْبَلَاءِ مِنْ قِصْرِهِ؟

آیا می‌دانید مدت زمان چه بلایی کوتاه و چه بلایی بلند است؟

عرض کردیم: خیر، فرمودند:

اِذَا اَلِهَمَّ اَحَدٌ [كُم] الدُّعَاءَ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاَعْلَمُوا اَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيْرٌ<sup>۲</sup>

هرگاه در هنگام بلا به کسی (از شما) الهام شد که دعا کند، بدانید که (زمان) آن بلا کوتاه است.

در فصل گذشته بر اینکه دعا به تفضّل الهی به برخی از بندگان الهام می‌شود، تأکید نمودیم. فرمایش منقول از امام صادق عليه السلام روشن می‌کند که الهام شدن دعا به انسان در هنگام نزول بلا، نشانگر این است که

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أنّ الدعاء یردّ البلاء و القضاء، ح ۵.

۲. همان، باب الهام الدعاء، ح ۱.

مدّت آن بلا طولانی نیست. در حقیقت خداوند با الهام نمودن دعا می‌خواهد بلای نازل شده را از گرفتاران رفع نماید. این بیان به خوبی تأثیر قطعی دعا را در رفع بلا می‌رساند. سخن دیگر در این موضوع از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است:

مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُلْهِمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الدُّعَاءَ  
إِلَّا كَانَ كَشَفُ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَشِيكًا وَمَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ  
مُؤْمِنٍ فَيُمْسِكُ عَنِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْبَلَاءُ طَوِيلًا فَإِذَا نَزَلَ  
الْبَلَاءُ فَعَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.<sup>۱</sup>

هیچ بلایی بر بنده‌ای با ایمان نازل نمی‌شود که خدای عز و جل به او دعا را الهام فرماید، مگر آنکه بر طرف شدن آن بلا نزدیک باشد. و هیچ بلایی بر بنده‌ای با ایمان نازل نمی‌شود که از دعا خودداری نماید، مگر اینکه آن بلا طولانی باشد. پس هرگاه بلا نازل شد، بر شماست که به پیشگاه خدای عز و جل دعا و تضرع کنید.

در این حدیث شریف علاوه بر آنچه در فرمایش قبلی مطرح شده بود، تأکید کرده‌اند که در هنگام نزول بلا، اگر انسان دعا نکند، باید بداند که آن بلا به زودی رفع نخواهد شد، بلکه مدّتش طولانی خواهد بود. بنابراین هم دعا کردن نشانه زودگذر بودن بلا و گرفتاری است و هم دعا نکردن علامت ماندنی بودن آن بلاست. پس نه تنها دعا در رفع بلاها و مصیبت‌ها مؤثر است، بلکه عدم آن هم موجب رفع نشدن بلا می‌گردد.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الهام الدعاء، ح ۲.

ایتجا اهمّیت دعا و اینکه انسان در هنگام گرفتاری باید به این سلاح مجهز شود، به خوبی روشن می‌شود.

نکته دیگری که امام هفتم علیه السلام بر آن تصریح فرموده‌اند، این است که الهام کننده دعا به بنده مؤمن در هنگام نزول بلا خود خداوند است. این چیزی جز لطف و تفضل او نمی‌باشد، اما گاهی انسان به این امر توجه ندارد و با آن ساده برخورد می‌کند. بسیاری اوقات در هنگام نزول بلا و مصیبت، انجام خیلی کارها به ذهن و قلب انسان خطور می‌کند، ولی به فکر دعا کردن نمی‌افتد. پس از اینکه مدتی از راه‌های مختلف تلاش کرد و راه به جایی نبرد، آنگاه یادش می‌افتد که در خانه خدا برود و رفع مشکل را از او طلب کند. این در حالی است که اگر از ابتدا دعا می‌کرد و از خدا استمداد می‌طلبید، چه بسا راه‌هایی به ذهنش می‌رسید که گرفتاری‌اش به سادگی رفع می‌شد. از همین جهت است که تأکید می‌کنیم هنگام نزول بلا یا خوب است اولین چیزی که به فکر انسان خطور می‌کند، دعا به پیشگاه خداوند باشد؛ چون همه راه‌های دیگر تنها به لطف و عنایت او می‌توانند در رفع بلا یا مؤثر واقع شوند. البته در کنار دعا باید راه‌های متعارف و عادی حل مشکل نیز طی شوند، اما راه گشا بودن هر کدام از آنها به لطف و عنایت الهی است. بنابراین کمال مطلوب برای بنده مؤمن این است که خداوند از همان ابتدای گرفتاری، دعا کردن را به او الهام فرماید و او به این کار اقدام نماید.



## درس هشتم: آثار دعا (۳)

### ۶- دفع بلای مقدر

یکی از مهم‌ترین آثار دعا، دفع بلای مقدری است که هنوز واقع نشده است. در فرهنگ قرآن و سنت، هیچ امری در روی زمین یا در آسمان بدون تقدیر سابق از جانب خداوند، واقع نمی‌شود.<sup>۱</sup> در واقع هر امری اتفاق می‌افتد، پیش از وقوع، تقدیر آن صورت گرفته است. تقدیر یعنی اندازه‌گیری و مقصود از آن معین کردن زمان و مکان و سایر خصوصیات چیزی است که تحقق پیدا می‌کند. همه اینها پیش از وقوع شیء از جانب خداوند تعیین می‌گردد. بر این اساس هر بلایی بر هر کسی نازل می‌شود، زمان و مکان و شدت و وسعت و سایر خصوصیات آن از قبل تعیین شده است. یکی از آثار و برکات دعا دفع بلایی است که

---

۱. رجوع کنید به کتاب شریف اصول کافی، کتاب التوحید، باب فی آئه لا یكون

شیء فی السماء و الارض الا بسبعة، ح ۱ و ۲.

تقدیر آن صورت گرفته، ولی هنوز واقع نشده است. بلای مقدر خود دو نوع است: یا خداوند حکم به وقوع آن نموده و یا چنین نکرده است. حکم الهی به وقوع چیزی، قضای خدا نامیده می‌شود و مقصود، صدور دستور و حکم از جانب خداوند به ایادی خود مانند فرشتگان است که آن امر مقدر را به وقوع خارجی بیاورند. در این صورت، شیء مقدر یک درجه به وجود خارجی یافتن نزدیک می‌شود. بنابراین بلای مقدر یا متعلق قضای الهی واقع شده یا خیر. در صورت اول آن را مقدر مقضی می‌خوانند و در صورت دوم مقدر غیر مقضی.

مطابق آنچه در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده، دعا به پیشگاه خداوند بلای تقدیر شده را دفع می‌کند، هرچند که به مرحله قضا هم رسیده باشد. تا وقتی بلا واقع نشده، امکان دفع آن به وسیله دعا وجود دارد. امام هفتم علیه‌السلام فرمودند:

عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ لِلَّهِ وَالطَّلْبَ إِلَى اللَّهِ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ  
قُدِّرَ وَقُضِيَ وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا امْتِصَاؤُهُ.<sup>۱</sup>

بر شماست دعا کردن زیرا دعا برای خدا و خواستن از خدا بلا را بر می‌گرداند در حالی که مقدر شده و متعلق قضا هم واقع شده و فقط امضای آن باقی مانده است.

امضا به مرحله وقوع خارجی اطلاق می‌شود و هر چیز تا وقتی در خارج محقق نشده، به امضا نرسیده است. طبق این حدیث شریف انسان می‌تواند به وسیله دعا کردن و درخواست عاقبت از خدای متعال،

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أن الدعاء يردّ البلاء و القضاء، ح ۸.

بلاهایی را که مورد تقدیر و قضای الهی واقع شده‌اند، دفع نماید. «دفع» در اینجا به معنای جلوگیری کردن و ایجاد مانع در راه نزول بلاست. بنابراین از طریق دعا می‌توان جلوی نزول بلا یا را گرفت. اصولاً نزول بلا رابطه معکوس با دعا به پیشگاه خداوند دارد؛ به این معنا که هرگاه دعا کم شود، بلا یا فزونی می‌یابند. فرمایش زیبای رسول خدا ﷺ در این باره چنین است:

إِذَا قَلَّ الدُّعَاءُ نَزَلَ الْبَلَاءُ.<sup>۱</sup>

هرگاه دعا کم شود، بلا فرود می‌آید.

به همین جهت در ادامه سخن خود تأکید فرموده‌اند که برای مقابله با بلاها خود را به دعا مجهز کنید:

أَعِدُّوا لِلْبَلَاءِ الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ لَا يَرُدُّ الْقَضَاءَ إِلَّا الدُّعَاءُ.<sup>۲</sup>

برای (مقابله و جلوگیری از) بلا، دعا را آماده کنید زیرا قضا را چیزی جز دعا بر نمی‌گرداند.

اینجاست که می‌توان فهمید هیچ مانعی در راه نزول بلا یا به اندازه دعا مؤثر و کاری نمی‌باشد.

نکته دیگری که در احادیث ائمه علیهم‌السلام مورد تأکید قرار گرفته، این است که گاهی قضای الهی نسبت به امری تحکیم و تأکید می‌گردد؛ یعنی حکم به اجرا و وقوع آن به صورت مؤکد یا مکرر صورت می‌پذیرد. تأکید و تکرار کردن از مصادیق «ابرام» قضا محسوب می‌گردد. طبق فرموده امامان علیهم‌السلام دعا قضای مبرم را هم بر می‌گرداند. زراره از امام

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰، ح ۳۷، به نقل از الدعوات راوندی.

۲. همان.

محمد باقر علیه السلام نقل کرده که به او فرمودند:

أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ لَمْ يَسْتَنْ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؟

آیا تو را راهنمایی نکنم به چیزی که رسول خدا ﷺ در مورد آن استثنایی قائل نشده‌اند؟

زراره عرض می‌کند: بفرمایید. حضرت فرمودند:

الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَاهِيمَ. (و ضَمَّ أَصَابِعَهُ).<sup>۱</sup>

دعا قضا را بر می‌گرداند در حالی که محکم و سخت شده باشد. (و انگشتان خویش را به هم چسبانند).

به هم چسباندن انگشتان برای نشان دادن ابرام و تحکیم در قضای الهی است. دعا می‌تواند چنین حکم مبرمی را برگرداند و در حقیقت مانع وقوع خارجی آن شود.

نتیجه‌ای که از مجموع بحث به دست می‌آید، این است که دعا می‌تواند مانع نزول بلا گردد؛ چه آن بلا متعلق قضای الهی واقع شده باشد یا خیر و در صورت اول چه مورد ابرام و تأکید هم بوده باشد یا خیر.

## ۷ - دفع بلای غیر مقدر

تا اینجا تأثیر دعا را در رفع بلای نازل شده و دفع بلای مقدر نازل نشده مورد بحث قرار دادیم. اکنون بجاست که از تأثیر خاص این عبادت بی‌نظیر (دعا) در دفع بلای غیر مقدر سخن بگوییم. گاهی بلایی هنوز به مرحله تقدیر الهی نرسیده است و با دعا می‌توان جلوی این تقدیر را گرفت. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أن الدعاء يردّ البلاء و القضاء، ح ۶.

منقول است که فرمودند:

إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ مَا قَدَّ قُدِّرَ وَ مَا لَمْ يُقَدَّرْ.

همانا دعا (بلائی) مقدر و غیر مقدر را بر می‌گرداند.

راوی می‌گوید:

مقدر را فهمیدم، اما غیر مقدر را چگونه بر می‌گرداند؟

فرمودند:

حَتَّى لَا يَكُونَ<sup>۱</sup>.

تا اینکه تقدیر نشود.

گاهی انسان به خاطر گناهی که مرتکب شده یا برای اینکه خدا می‌خواهد او را بیازماید و یا به هر جهت دیگری مستحق نزول بلا و مصیبتی شده و خدای حکیم به مقتضای عدل، مشیت و اراده‌اش به فرو فرستادن بلائی بر او تعلق گرفته است، اما هنوز نسبت به زمان و مکان نزول آن و چه بسا نوع و شدت آن، تقدیری نفرموده است. یکی از آثار و برکات دعا به پیشگاه الهی این است که مانع از تقدیر بلا از جانب خداوند می‌گردد و به بیان ساده‌تر جلوی «مشیت» و «اراده» پروردگار را می‌گیرد تا تقدیری نسبت به بلا صورت نپذیرد. به این ترتیب مراحل بعدی (قضا و امضا) نیز به طریق اولی منتفی شده، بلا به کلی دفع می‌گردد.

به طور کلی می‌توان گفت که دعا به پیشگاه خداوند می‌تواند، بلا و گرفتاری را در هر مرحله‌ای که باشد، دفع نماید، مطابق احادیث

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب ان الدعاء يرذ البلاء و القضاء، ح ۲.

اهل بیت علیهم السلام هر چیزی که در آسمان یا زمین رُخ می‌دهد، ابتدا متعلق «مشیت» و «اراده» حق متعال واقع می‌شود و سپس مرحله «تقدیر» و «قضا» نسبت به وقوع آن صورت می‌پذیرد.<sup>۱</sup> بنابراین هر بلایی که بر انسان نازل می‌گردد، وقوع آن مسبوق به این مراحل می‌باشد. دعا می‌تواند در هر مرحله‌ای مانع تحقق مرحله بعد گردد. اگر خواست (مشیت و اراده) خداوند به نزول بلا تعلق گرفته باشد، دعا می‌تواند مانع تقدیر آن گردد و اگر به مرحله تقدیر رسیده باشد، دعا می‌تواند مانع قضای آن بشود و اگر قضای آن هم صورت گرفته باشد، دعا می‌تواند جلوی امضاء (وقوع) آن را بگیرد. به همین جهت است که امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از سفارش‌های خود فرمودند:

ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالْدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ فَوَ الَّذِي  
فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لِلْبَلَاءِ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ مِنْ انْحِدَارِ  
السَّيْلِ مِنْ أَعْلَى التَّلْعَةِ إِلَى أَسْفَلِهَا.<sup>۲</sup>

امواج بلا را به وسیله دعا پیش از فرود آمدن بلا از خود دور کنید. قسم به آن کس که دانه را شکافت و انسان را آفرید، هرآینه سرعت فرود آمدن بلا بر مؤمن از سرازیر شدن سیل از بالای بلندی به پایین آن بیشتر است.

براساس معارف قرآن و عترت علیهم السلام اهل ایمان بیش از سایرین در معرض نزول بلا یا هستند. این امر حکمت‌هایی دارد که بحث تفصیلی

---

۱. رجوع کنید به اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فی آتیه لا یكون شیء فی السماء و الارض إلا بسببه.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۸۹، ح ۵، به نقل از الخصال.

درباره آنها در این مقال نمی‌گنجد.<sup>۱</sup> در اینجا به تناسب بحث دعایکی از این حکمت‌ها را در حدّ اشاره مطرح می‌کنیم. امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ وَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا  
ابْتَلَاهُمْ.<sup>۲</sup>

همانا اجر بزرگ با گرفتاری و بلای بزرگ همراه است و خدا هیچ گروهی را دوست نداشته مگر آنکه گرفتارشان ساخته است.

گرفتاری بزرگ موجبات اجر بزرگ را برای انسان فراهم می‌کند و چون مؤمن محبوب خداست، خداوند زمینه‌های نیل به اجر عظیم را برایش فراهم می‌سازد و به همین دلیل است که او را گرفتار می‌کند. مؤمن در هنگام گرفتاری به عجز و فقر خود بیشتر و بهتر پی می‌برد و با همه وجود به خدا پناه می‌برد و دست به دعا بلند می‌کند. خواندن خدا و سؤال و درخواست از او در حال مسکنت و بیچارگی، خود از بزرگ‌ترین عبادات - بلکه طبق فرمایش امام باقر علیه السلام بالاترین عبادت - محسوب می‌شود. بر این اساس بلایا باعث می‌شود که اهل ایمان بیشتر به دعا روی آورند، اما این یک طرف مطلب است؛ طرف دیگر مطلب این است که دعا مانع فرود آمدن بلا می‌گردد. در واقع انسان‌ها - و به ویژه اهل ایمان - اگر پیش از نزول بلایا دعا کنند، می‌توانند جلوی آن را بگیرند. امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه فرمایش خود که امر به دفع امواج بلا به وسیله دعا فرموده بودند، به این حقیقت اشاره

۱. علاقمندان می‌توانند به کتاب شریف اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب ما أخذَهُ اللهُ عَلَى الْمُؤْمِنِ ... و باب شِدَّةِ ابْتِلَاءِ الْمُؤْمِنِ مراجعه فرمایند.

۲. اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب شِدَّةِ ابْتِلَاءِ الْمُؤْمِنِ، ح ۳.

کرده‌اند که:

هیچ نعمتی و هیچ خوشی و خرمی در زندگی زائل نمی‌شود مگر به سبب گناهایی که (انسان‌ها) مرتکب می‌شوند.<sup>۱</sup>

اما ایشان بلا فاصله اضافه فرمودند:

وَلَوْ أَنَّهُمْ اسْتَقْبَلُوا ذَلِكَ بِالْدُّعَاءِ وَالْإِنَابَةِ لَمْ تَنْزِلْ<sup>۲</sup>.

و اگر آنان قبل از نزول بلا، دعا و انابه می‌کردند، (این بلاها بر ایشان) نازل نمی‌شد.

از این تأکیدات استفاده می‌شود که اصل این است که انسان - و به خصوص مؤمنان - اهل دعا باشند. اگر پیش از نزول بلا یا دعا کنند، همین کار جلوی نزول بلا را می‌گیرد و گرنه، باید پس از فرود آمدن بلا برای رفع آن دست به دعا بلند کنند. با این ترتیب انسان عاقل ترجیح می‌دهد که پیش از گرفتار شدن به انواع مصیبت‌ها، خود را از اینکه در معرض آنها قرار بگیرد، نجات بخشد. امام صادق علیه السلام وعده فرموده‌اند که:

مَنْ تَخَوَّفَ بَلَاءَ يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ لَمْ يُرِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ  
ذَلِكَ الْبَلَاءَ أَبَدًا.<sup>۳</sup>

هر کس از اینکه بلایی بر سرش آید بترسد، پس پیش از وارد شدن آن، دعا کند، خدای عز و جل هیچ‌گاه آن بلا را به او نمی‌نمایاند.

۱. در درس گذشته متن فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل کردیم.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۸۹، ح ۵، به نقل از الخصال.

۳. همان، ص ۲۹۷، ح ۲۳، به نقل از مکارم الاخلاق.



### درس نهم: آثار دعا (۴)

در درس‌های گذشته آثار دعا را در هفت عنوان بررسی کردیم. سه عنوان از این عناوین مربوط به رفع یا دفع بلا یا بود. در این درس در مورد «بلا» و نیز نقطهٔ مقابل آن یعنی «عافیت» سخن می‌گوییم.

#### گناه: منشأ بلا و مصیبت

مؤمنان همواره خود را مستحقّ بلا و گرفتاری در دنیا می‌بینند. علت این امر ارتکاب گناهانی است که از انسان سر می‌زند و همین گناهان موجب نزول بلا و مصیبت بر مؤمنان می‌گردد. خدای متعال می‌فرماید:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ

كثِيرٍ»<sup>۱</sup>

و هر مصیبتی که به شما می‌رسد به سبب اعمال خودتان است و (در عین حال خداوند) از بسیاری (گناهان) در می‌گذرد. طبق این آیه کریمه هر مصیبتی که به مؤمنان می‌رسد، به خاطر گناهی است که خود مرتکب شده‌اند و خدای متعال با فرستادن بلا بر ایشان، آنان را از آلودگی گناه پاک می‌فرماید تا هنگام مرگ یا در عالم برزخ و آخرت مورد عذاب الهی واقع نشوند.<sup>۱</sup> عبارت آخر آیه فوق بشارتی بزرگ به اهل ایمان است؛ چون بیانگر این حقیقت است که خداوند از بسیاری گناهان در می‌گذرد و مؤمنان را از عواقب آن مصون و محفوظ نگه می‌دارد. امام صادق علیه السلام در توضیح قسمت اخیر آیه شریفه می‌فرمایند:

وَمَا يَعْفوُ اللهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُؤَاخِذُ بِهِ.<sup>۲</sup>

و آن (گناهی) که خداوند می‌بخشاید بیشتر از آن (گناهی) است که به خاطر آن مؤاخذه می‌فرماید.

بنابراین همه بلاها و گرفتاری‌هایی که مؤمنان می‌چشند، نتیجه بخش کمتری از گناهانشان است. بیشتر گناهان، مورد عفو خدا قرار گرفته، بلایی به خاطر آنها نازل نمی‌گردد.

ناگفته نماند که آیه شریفه مورد بحث شامل حال ائمه معصومین علیهم السلام که از ارتکاب هر گناهی مبرا هستند، نمی‌شود. وقتی حضرت زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام بر یزید - لعنه الله - وارد شدند، آن ملعون خطاب به امام سجاد علیه السلام همین آیه را به زبان جاری

---

۱. تفصیل این بحث را همراه با ذکر ادله آن می‌توانید در فصل اول از حلقه سوم مطالعه فرمایید.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸۱، ح ۹۶، به نقل از کافی.

کرد، کنایه از اینکه مصیبت‌های وارد بر شما به خاطر گناهان خودتان بوده است (!! حضرت در پاسخ به او فرمودند:

كَلَّا مَا هَذِهِ فَيُنَا نَزَلَتْ.<sup>۱</sup>

چنین نیست، این آیه در شأن ما نازل نشده است.

همچنین از امام صادق علیه السلام پرسیدند: مصیبت‌هایی که بر امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت ایشان علیهم السلام وارد می‌شود، با توجه به اینکه همگی پاک و معصوم هستند، چگونه با آیه شریفه مورد بحث قابل توجیه است؟ حضرت در پاسخ فرمودند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُتَوَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَغْفِرُ فِي كُلِّ يَوْمٍ  
وَ لَيْلَةٍ مِائَةَ مَرَّةٍ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ إِنَّ اللَّهَ يَخُصُّ أَوْلِيَاءَهُ بِالْمَصَائِبِ  
لِيَأْجِرَهُمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ.<sup>۲</sup>

همانا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در هر شبانه روز صد مرتبه به پیشگاه خداوند توبه و طلب مغفرت می‌کرد بدون آنکه گناهی مرتکب شده باشد، همانا خداوند مصیبت‌ها را به اولیای خود اختصاص داده تا به آنها - بدون آنکه گناهکار باشند - اجر و پاداش عنایت فرماید.

با این ترتیب اهل بیت عصمت و طهارت مشمول آیه مورد بحث نیستند، اما دیگر مؤمنان طبق همین آیه نتیجه بخشی از گناهانشان را در همین دنیا از طریق بلاها و گرفتاری‌ها می‌بینند، مگر آنکه مشمول عفو و رحمت الهی واقع گردند.

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸۰، ح ۹۵.

۲. همان، ص ۵۸۱، ح ۹۸.

### طلب مغفرت و عافیت

یکی از بهترین اسباب و وسائط جلب رحمت و مغفرت الهی، دعاهایی است که مؤمنان در حقّ خود و دیگران می‌کنند. پیامبر خدا ﷺ با اینکه هیچ گناهی مرتکب نمی‌شدند، در شبانه روز هفتاد بار طلب مغفرت می‌کردند. در این صورت دیگران به طریق اولی باید از استغفار و طلب عافیت از خدای بزرگ کوتاهی نورزند. اگر انسان باور کرده باشد که مصائب و گرفتاری‌هایش معلول گناهان خودش می‌باشد، همواره از نزول بلا خوف دارد. در این صورت پیش از آنکه بلایی بر سرش آید، دعا را سپر خود قرار داده، از خدای رحیم مغفرتش را طلب می‌نماید. اینجاست که عظمت «استغفار» و تأثیر عمیق آن در رفع بلا روشن می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ در بیان فضیلت این دعا فرموده‌اند:

#### خَيْرُ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ<sup>۱</sup>

بهترین دعا استغفار است.

طلب مغفرت از خدای متعال سپر بلاهایی است که به خاطر ارتکاب گناهان، استحقاق فرود آمدن آنها به وجود آمده است. البته «استغفار» به صرف بیان لفظ محقق نمی‌شود، بلکه شرایطی دارد که در مجال مناسب خود بیان شده است.<sup>۲</sup> یکی از لوازم استغفار این است که انسان در عمل، قصد تکرار گناه را نداشته باشد و گرنه، مشمول این فرمایش حضرت رضا علیه السلام می‌گردد که فرمودند:

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاستغفار، ح ۱.

۲. به عنوان نمونه می‌توانید به درس پانزدهم از حلقه چهارم مراجعه نمایید.

### الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ.<sup>۱</sup>

کسی که از گناهی استغفار کند ولی در عمل آن را کنار نگذارد مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کند.

علاوه بر استغفار دعا‌های دیگری هم هست که در آنها طلب عافیت از خدای متعال می‌کنیم و همین دعاها می‌تواند پیش از نزول بلا یا مانع از آنها گردد. اینها مصادیق «تقدم در دعا» هستند که باید به دیده اهمیت نگریسته شوند.<sup>۲</sup> یکی از این ادعیه دعای بیست و سوم صحیفه سجّادیه است که در آن به تعبیر مختلف از خداوند عافیت را طلب می‌کنیم. در قسمتی از این دعای مبارک چنین آمده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً

نَامِيَةً عَافِيَةً تُؤَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ.<sup>۳</sup>

بارالها بر محمد و خاندان او درود فرست و به من عافیتی عطا فرما بی‌نیازکننده، شفابخش. والا و رشد کننده؛ عافیتی که در بدنم عافیت بیاورد، عافیت دنیا و آخرت.

عافیت به معنای سلامت و امنیت از گرفتاری‌ها و بلاهای گوناگون - چه در دنیا و چه در آخرت - است. عافیت شامل سلامت در امور مادی و معنوی، دنیوی و دینی و ... می‌شود و درخواست عافیت از بهترین دعا‌های انسان به پیشگاه خدای متعال است. دعای دیگری که در همین زمینه بسیار زیبا و خواندنی است، دعای مختصر و جامعی است

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاستغفار، ح ۳.

۲. روایات بحث «تقدم در دعا» در درس پانزدهم خواهد آمد.

۳. صحیفه سجّادیه دعای ۲۳ ص ۱۵۴.

که مرحوم محدث قمی - اعلی الله مقامه الشریف - در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» در ضمن بیان یکی از آداب مخصوصه زیارت امام حسین علیه السلام نقل فرموده است. ایشان بیست ادب برای حرم مطهر آن حضرت بیان فرموده که ادب سیزدهم آن، دعاست. می فرماید:

بدان که عمده اعمال در روضه مطهره امام حسین علیه السلام دعا است، زیرا که اجابت دعا در تحت آن قبه سامیه یکی از چیزهایی است که در عوض شهادت، حق تعالی به آن حضرت لطف فرموده و زائر باید آن را غنیمت دانسته، در تضرع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند ... به جهت آنکه این محل را خالی نگذاریم، این دعای مختصر را که در ضمن یکی از زیارات نقل شده ذکر می کنیم و آن دعا این است که می گویی در آن حرم شریف در حالی که دستها را به سوی آسمان بلند کرده باشی:

اللَّهُمَّ قَدْ تَرَى مَكَانِي ...

خداوندا جایگاه مرا می بینی ...

انتهای این دعای شریف چنین است:

وَاجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الَّذِينَ صَرَفْتَ عَنْهُمْ الْبَلَايَا وَالْأَمْرَاضَ وَالْفِتْنَ وَالْأَعْرَاضَ مِنَ الَّذِينَ تُحِبُّهُمْ فِي عَافِيَةٍ وَ تُمِيتُهُمْ فِي عَافِيَةٍ وَ تُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ فِي عَافِيَةٍ وَ تُجِيرُهُمْ مِنَ النَّارِ فِي عَافِيَةٍ ...<sup>۱</sup>

و مرا از آن دسته از بندگان قرار ده که بلاها و بیماریها و فتنهها و حوادث (بد) را از آنان دور داشته‌ای. در زمره کسانی که

با عافیت زنده‌شان می‌داری و با عافیت می‌میرانی و با عافیت وارد بهشتشان می‌نمایی و با عافیت از آتش پناهمشان می‌بخشی. با این دعاها انسان مؤمن از خدا می‌خواهد که همه زندگی او را قرین عافیت قرار دهد و نه تنها در دنیا بلکه در آخرت هم بلا و مصیبت نبیند. اگر کسی اهل این‌گونه دعا کردن‌ها باشد، می‌تواند امیدوار باشد که خداوند بلاهای بسیاری را که مستحق آنهاست، در آینده از او دور گرداند.

### دفع بلا از اهل دعا

به این حدیث بسیار زیبا از امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُدْفَعُ بِالدُّعَاءِ الْأَمْرَ الَّذِي عَلِمَهُ أَنْ يُدْعَى لَهُ  
فَيَسْتَجِيبُ وَلَوْلَا مَا وَفَّقَ الْعَبْدُ مِنْ ذَلِكَ الدُّعَاءِ لَأَصَابَهُ مِنْهُ مَا  
يَجُتُّهُ مِنَ جَدِيدِ الْأَرْضِ.<sup>۱</sup>

خداوند به وسیله دعا دفع می‌فرماید آن چیزی را که می‌داند به خاطر (رفع) آن دعا می‌شود و او آن را اجابت می‌کند و اگر بنده موفق به آن دعا نمی‌شد، قطعاً بلایی به او می‌رسید که او را از روی زمین بر می‌داشت.

در معنای این حدیث دو احتمال به نظر می‌رسد:

احتمال اول این است: خداوند پیش از آنکه بلایی به بنده‌اش برسد، می‌داند که آن بنده در صورت نزول بلا، برای رفع آن دعا خواهد کرد. بر این اساس روی لطف و کرمش به سبب دعایی که بنده در آینده خواهد

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أن الدعاء يرد البلاء و القضاء، ح ۹.

کرد، از پیش بلا را از او بر می‌گرداند. در این فرض سخن از دعایی که بنده از پیش می‌کند، نیست.

احتمال دوم: خداوند می‌داند که بنده‌اش پس از نزول بلا برای رفع آن دعا خواهد کرد، اما این بنده اهل دعاست و به خاطر دعاهای قبلی‌اش، خداوند بلایی را که مستحق آن شده از او بر می‌گرداند. مثلاً بنده اهل استغفار و طلب عافیت و دعاهایی از این‌گونه است که سبب رفع بلا می‌گردند. به خاطر این دعاها بلا را نازل نمی‌فرماید.

تفاوت معنای اوّل و دوم این است که در معنای اوّل منظور از دعا در تعبیر «بالدُّعَاءِ» دعایی است که بنده در فرض نزول بلا خواهد کرد، ولی چون هنوز بلایی نازل نشده، او هم فعلاً دعایی نکرده است. اما در معنای دوم منظور دعاهایی است که تا کنون می‌کرده و پیش از نزول بلای خاص می‌باشد. در این فرض علت نازل نشدن بلا، دعاهای گذشته بنده است در حالی که در فرض قبلی علت، آن دعایی است که در صورت نزول بلا خواهد نمود.

حدّ مشترکی که در این دو احتمال وجود دارد، این است که اگر کسی «اهل دعا» باشد، خداوند به لطف و کرمش بلاهای خانمان سوز را از او بر می‌گرداند. اهل دعا بودن مهمّ است. چنین کسی همیشه دعا می‌کند و صبر نمی‌کند که اگر بلایی بر سرش آمد، آنگاه دست به دعا بلند نماید. به همین دلیل خدای متعال بسیاری از مصیبت‌ها را اصلاً بر او فرود نمی‌فرستد. این مصیبت‌ها ممکن است مقدر یا غیر مقدر باشند و در فرض اوّل ممکن است متعلّق قضای الهی هم واقع شده باشند یا خیر. در هر صورت خدای رحیم به برکت دعاهای مؤمن یک سری از بلاها را از او دفع می‌گرداند.



### پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۶ تا ۹

- ۱- از اینکه دعا را «سلاح» مؤمن دانسته‌اند، چه نکاتی فهمیده می‌شود؟
- ۲- نحوه‌های مختلف افزایش روزی بر اثر دعا را بیان کنید.
- ۳- نقش دعا را در رسیدن به موفقیت و رستگاری تبیین کنید.
- ۴- نشانه کوتاه یا بلند کردن مدت بلا را چه دانسته‌اند؟
- ۵- بلاى مقدر و اقسام آن و نیز بلاى غير مقدر و تأثير دعا را در هر يك توضیح دهید.
- ۶- آیه شریفه: «ما اصابکم من مصیبهٍ فیما کسبت ایدیکم» شامل چه کسانی می‌شود؟
- ۷- این فرمایش امام صادق علیه السلام را توضیح دهید: «ان الله عزوجل لیدفع بالدعاء الامر الذى علمه ان یدعی له فیستجیب».

## فصل ۳

# اجابت دعا

### درس دهم: انواع اجابت (۱)

در دو فصل گذشته جایگاه اعتقادی دعا و نیز آثار و نتایج آن را تا حدی شرح و بسط دادیم. در این فصل به بیان مهم‌ترین جهت در مورد هر دعا می‌پردازیم. آنچه از خود دعا مهم‌تر است، اجابت آن توسط خدای متعال می‌باشد.

#### معنای عامّ اجابت

دعا به معنای خواندن خداوند است که معمولاً همراه با سؤال و درخواست از درگاه اوست. پاسخی که خداوند به دعای دعاکننده می‌دهد، «اجابت» آن نامیده می‌شود. اما آیا هر دعایی اجابت می‌شود؟ به تعبیر دیگر آیا خداوند به هر دعایی پاسخ می‌دهد؟ از بعضی احادیث ائمه علیهم‌السلام چنین برداشت می‌شود که: هر دعایی

اجابتی دارد. این معنا از امام صادق علیه السلام به دو تعبیر نقل شده است:

مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ أُعْطِيَ الْإِجَابَةَ.<sup>۱</sup>

به هرکس دعا داده شود، اجابت هم داده می‌شود.

و

مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةَ.<sup>۲</sup>

به هرکس دعا داده شود، از اجابت محروم نمی‌گردد.

هر دو بیان عام است و ظاهر آنها شامل هر دعایی از هرکس می‌شود. اگر همین معنای عام مقصود امام علیه السلام باشد، باید بگوییم: آری، هر دعایی اجابتی دارد؛ به این معنا که هر دعایی از جانب خداوند پاسخ داده می‌شود، اما البته پاسخ‌ها با هم متفاوت و گاهی متضاد هستند. با بیان دو مثال، مطلب را توضیح می‌دهیم.

مثال اول: امام باقر علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا وَثَجَّهُ  
بِالْبَلَاءِ ثَجًّا فَإِذَا دَعَا قَالَ: لِيَيْكَ عَبْدِي ...<sup>۳</sup>

هرگاه خدای متعال بنده‌ای را دوست بدارد، او را در بلا غوطه‌ور می‌سازد و بلا را همچون سیل بر او سرازیر می‌کند. پس وقتی خدا را بخواند، می‌فرماید: لیبیک ای بنده من.

ادامه حدیث را در همین فصل نقل خواهیم کرد، ولی با همین

۱. بخارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۲، ح ۱، به نقل از الخصال.

۲. همان، ص ۳۶۳، ح ۲، به نقل از معانی الاخبار.

۳. اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب شدّة ابتلاء المؤمن، ح ۷.

مقداری که نقل گردید، معلوم می‌شود که خداوند در این حالت پاسخ مثبت به بنده‌اش می‌دهد. این پاسخ مثبت به پنج صورت ممکن است باشد که در ادامه تفصیل آنها را بیان خواهیم کرد. پس لبیک گفتن خدا به بنده در این فرض، در واقع ترتیب اثر مثبت دادن به خواسته اوست. این‌گونه اجابت را «اجابت مثبت» می‌نامیم.

اما گاهی عکس این حالت است؛ یعنی خداوند پاسخ می‌دهد، اما پاسخی که به ضرر دعا کننده می‌باشد. در واقع به دعای شخص ترتیب اثر منفی می‌دهد. مثال دوم همین حالت را بیان می‌کند. ائمه اطهار علیهم‌السلام نقل کرده‌اند که خدای متعال پیامبر بزرگ خود عیسی علیه‌السلام را چنین موعظه فرمود:

يا عيسى قُلْ لِيُظْلَمَ بَنِي إِسْرَائِيلَ: لَا تَدْعُونِي وَالسُّحْتُ  
تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَالْأَصْنَامُ فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنِّي آلَيْتُ أَنْ أُجِيبَ  
مَنْ دَعَانِي وَإِنْ أَجَابَتِي إِيَّاهُمْ لَعْنٌ لَهُمْ حَتَّى يَتَفَرَّقُوا.<sup>۱</sup>

ای عیسی به ستمکاران از بنی اسرائیل بگو: در حالی که زیر پاهایتان مال حرام و داخل خانه‌هایتان بت‌ها هستند، مرا نخوانید، چون من قسم یاد کرده‌ام که: به هر که مرا می‌خواند پاسخ دهم و پاسخ من به آنها نفرین آنهاست تا وقتی که از گرد یکدیگر پراکنده شوند.

«لعن» در زبان عربی به معنای «دور کردن و طرد نمودن از خیر» است.<sup>۲</sup> در این حدیث قدسی خداوند به بنی اسرائیل خطاب فرموده که

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۳، ح ۱۶، به نقل از عدّة الداعی.

۲. اللّعن: الإبعاد و الطرد من الخیر (لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۰۸).

تا وقتی زیر پاهایشان فرش‌های حرام گسترده‌اند و در خانه‌هایشان بت‌ها را نگه می‌دارند، پاسخ دعاهايشان از جانب خداوند چیزی جز دور شدن از خیر و رحمت نیست. این هم نوعی ترتیب اثر دادن به دعاهاست که می‌توانیم آن را «اجابت منفی» بنامیم.

در این مباحث هر جا تعبیر «اجابت» یا «استجابت» را به کار می‌بریم، مقصودمان معنای مثبت آن است مگر اینکه بر خلافش تصریحی داشته باشیم. اما اجابت مثبت نیز انواعی دارد که در این درس و درس آینده به بیان آن می‌پردازیم.

### انواع اجابت مثبت

لتیک گفتن خداوند به دعای بنده و پاسخ مثبت دادن به درخواست او به یکی از این پنج صورت می‌تواند باشد:

#### ۱ - برآوردن حاجت در دنیا

اولین پاسخ مثبت خداوند به دعای بنده این است که خواسته‌اش را در دنیا برآورده سازد. وعده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد چنین است:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِثْمٌ وَلَا قَطِيعَةٌ رَحِمَ إِلَّا  
أَعْطَاهُ اللَّهُ بِهَا إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ دَعْوَتُهُ وَإِمَّا أَنْ  
يُدْخِرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ وَ ...<sup>۱</sup>

هر مسلمانی که دعا بکند و گناهی یا قطع رابطه با خویشان نزدیک نسبی در آن نباشد، خداوند در پاسخ دعای او یکی از سه

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۶، ح ۱۶، به نقل از الدعوات راوندی.

چیز را عطایش فرماید: یا زود خواسته‌اش را برآورده کند و یا آن را ذخیره آخرتش قرار دهد و ...

طبق وعده رسول گرامی اسلام ﷺ پاسخ مثبت به دعای مسلمان یکی از سه چیز است که دو تای آن را بیان کردیم و سومی را در ادامه نقل خواهیم نمود. در این حدیث شقّ اوّل (تعجیل در برآوردن حاجت) را به قرینه حالت دوم (ذخیره در آخرت)، برآوردن حاجت در دنیا معنا کردیم.<sup>۱</sup>

همین مطلب در فرمایش دیگری از پیامبر ﷺ و نیز در یکی از مواعظ حضرت زین العابدین علیه السلام آمده است که در عناوین بعدی به آنها اشاره می‌گردد.

## ۲ - عطای بهتر

دومین پاسخ مثبت خدای متعال به دعای بنده مؤمن خود ممکن است به این صورت باشد که چیزی بهتر از آنچه او در خواست نموده، عطایش کند. این عطای بهتر ممکن است زود یا دیر (حتی در آخرت) نصیبش گردد. این مطلب در وصیّتی که امیر المؤمنین علیه السلام به فرزند گرامی خود فرموده‌اند، به این تعبیر آمده است:

رُبَمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاهُ وَ أُوْتَيْتَ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ  
أَجَلًا.<sup>۲</sup>

۱. معنای دیگر تعجیل در اجابت، زود برآوردن حاجت در مقابل تأخیر اجابت در دنیا است که در ادامه مباحث به بیان آن خواهیم پرداخت.

۲. نهج البلاغه (صبحی صالح)، نامه ۳۱، ص ۳۹۹.

چه بسا چیزی را درخواست کنی اما به تو داده نشود و بهتر از آن را زود یا دیر (هرچند در آخرت) عطایت کنند.

گاهی انسان خواسته‌ای مادی یا معنوی را به درگاه الهی عرضه می‌کند، اما پروردگار مَنان به جای آن، بهترش را به او می‌بخشد. در این صورت چه بسا خود شخص متوجّه لطف بزرگ خداوند نشود و حتی در طلب درخواست خود اصرار هم بکند، اما این تذکر امیرالمؤمنین علیه السلام انسان را هشیار می‌کند که فقط به آنچه خود طلبیده، فکر نکند. چه بسا خداوند عطای بهتری به او داده یا خواهد داد که اگر متوجّه باشد، ممنون او خواهد شد. مثلاً ممکن است انسان بر یک حاجت دنیوی و مادی اصرار کند، اما خدای مهربان به جای آن، یک خیر اخروی و معنوی را به او عنایت فرماید؛ در این صورت باید سپاسگزار این لطف الهی باشد.

### ۳- رفع بلا یا دفع شر

سومین پاسخ مثبت خداوند به دعای بندهٔ مسلمان این است که بلا و شری را از او باز دارد. این مطلب در ادامهٔ حدیثی که در عنوان اول (بر آوردن حاجت در دنیا) قسمتی از آن را نقل کردیم، آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سومین عطای خداوند را جلوگیری از گرفتار شدن بنده‌اش به شر دانسته و فرموده‌اند:

وَإِمَّا أَنْ يَكُفَّ عَنْهُ مِنَ الشَّرِّ مِثْلَهَا.<sup>۱</sup>

و یا اینکه امر ناپسندی نظیر آنچه خواسته است را از او باز دارد.

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۶، ح ۱۶، به نقل از الدعوات راوندی.

به عنوان مثال مؤمنی از خدا درخواست مقداری مال می‌کند. خداوند در پاسخ ممکن است آنچه او خواسته را عطايش نکند، اما به خاطر دعایش از یک ضرر مالی که براساس مقدرات الهی قرار بوده به او برسد، جلوگیری نماید. اگر آن ضرر و بلا به او می‌رسید، به اندازه همان مالی که درخواست نموده بود، باید می‌پرداخت. حال بر اثر اجابت دعایش به همان مقدار از ضرر ایمن مانده و در حقیقت همان سود نصیبش شده است. با این مثال منظور از تعبیر «مثلاً» در بیان پیامبر ﷺ روشن می‌گردد. حدیث دیگر در این زمینه به نقل از امام زین العابدین علیه السلام است:

الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ يُدْخِرَ لَهُ وَإِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ وَإِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ.<sup>۱</sup>

مؤمن یکی از سه بهره را از دعای خود می‌برد: یا (در آخرت) برایش ذخیره می‌شود و یا به زودی (در دنیا) خواسته‌اش برآورده می‌گردد و یا بلایی که می‌خواست به او برسد، از او دفع می‌شود. فرض اول را در درس بعد توضیح خواهیم داد. فرض دوم همان قسم اول است که بیان آن گذشت و فرض سوم اکنون محل بحث می‌باشد. چه بسا انسان خواهته‌ای را از خداوند طلب نماید، اما به جای رسیدن به آن، بلا و مصیبتی از او دفع شود که مستحق آن بوده و طبق اراده خداوند قرار بوده بر او نازل می‌شود.



#### ۴ - کفاره گناهان

یکی دیگر از پاسخ‌های مثبت خداوند به دعای بنده مؤمن این است که آن دعا را کفاره گناهانش قرار دهد و به جای برآوردن خواسته او، از آلودگی همه گناهان یا برخی از آنها پاکش کند. این مطلب در یکی از فرمایش‌های رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به این صورت نقل شده است.

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو اللَّهَ بِدُعَاءٍ إِلَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ فَإِمَّا أَنْ يُعَجِّلَ فِي الدُّنْيَا وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَ لِلْآخِرَةِ وَإِمَّا أَنْ يُكَفِّرَ مِنْ ذُنُوبِهِ.<sup>۱</sup>

هر مسلمانی که خداوند را بخواند، (خدا) مستجابش می‌کند: یا آن را به زودی در دنیا برآورده می‌سازد و یا برای آخرت ذخیره می‌کند و یا کفاره گناهان شخص قرار می‌دهد.

آمرزش گناهان از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که هیچ نعمت مادی با آن برابری نمی‌کند. گناه، انسان را از نوع خیرات و برکات مادی و معنوی محروم می‌کند. بنابراین لطف بزرگی است که خداوند پاسخ دعای انسان را امرزش گناهانش قرار دهد.

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۸، ح ۲۲، به نقل از جامع الاخبار.

## درس یازدهم: انواع اجابت (۲)

در درس گذشته به چهار نوع اجابت مثبت دعا اشاره کردیم. در این درس ابتدا پنجمین نوع اجابت مثبت را مطرح می‌کنیم و سپس در مورد اجابت نشدن دعا و نیز تعجیل منفی در اجابت سخن می‌گوییم.

### ۵ - ذخیره آخرت

آخرین صورت پاسخ مثبت دادن خداوند به دعای بنده - تا آنجا که نگارنده از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام استفاده نموده - این است که آن را ذخیره آخرتش قرار دهد. این مطلب شواهد متعددی در روایات دارد که علاوه بر آنچه در گذشته بیان شد، به برخی دیگر اشاره می‌کنیم. در حدیثی منقول از امام باقر علیه‌السلام که ابتدای آن را در اول همین فصل ذکر نمودیم، خداوند پس از آنکه به دعای بنده گرفتارش لبیک می‌گوید، به او می‌فرماید:

لَا اِنْ عَجَلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ اِنِّي عَلَىٰ ذَلِكِ لَقَادِرٌ وَا لَ اِنْ اِدَّخَرْتُ

لَكَ فَمَا ادَّخَرْتُ لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ.<sup>۱</sup>

اگر آنچه را درخواست نموده‌ای زود (در دنیا) برآورده سازم، قطعاً بر این کار توانا هستم ولی اگر برای تو (در آخرت) ذخیره سازم، آنچه برایت ذخیره می‌کنم، برای تو بهتر است.

بنده با ایمان خدا خوب می‌داند که نعمت‌های اخروی قابل مقایسه با نعمت‌های دنیا نیستند و بنابراین اگر پاسخ دعایش در آخرت داده شود، قطعاً برای او بهتر از این است که در دنیا خواسته‌اش برآورده گردد.

همین مطلب اساسی و مهم در فرمایش امام هشتم علیه السلام به این صورت آمده است:

وَاللَّهِ مَا آخَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُمْ مِمَّا عَجَّلَ لَهُمْ فِيهَا وَ أَى شَيْءٍ الدُّنْيَا؟<sup>۲</sup>

قسم به خدا آنچه از درخواست‌های دنیوی مؤمنان که خدای عز و جل اجابتش را به تأخیر می‌اندازد، برای آنها، بهتر از آن چیزهایی است که (در همین دنیا) به ایشان عطا می‌فرماید و دنیا چه ارزشی دارد؟!

ممکن است برخی از خواسته‌های دنیوی انسان در دنیا برآورده شود و برخی هم برای آخرت ذخیره گردد. امام رضا علیه السلام قسم یاد کرده‌اند که آنچه اجابتش به تأخیر می‌افتد، قطعاً از آنچه در دنیا برآورده می‌شود، بهتر است. اما همین مطلب - که آنچه ذخیره آخرت می‌گردد از آنچه

۱. اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب شدة ابتلاء المؤمن، ح ۷.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أبطأ عليه الإجابة، ح ۱.

در دنیا داده می‌شود، بهتر است - خود در آخرت برای بسیاری ملموس و مشهود می‌گردد. اسحاق بن عمار در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَخْرُوا إِجَابَتَهُ شَوْقًا إِلَى صَوْتِهِ وَدُعَائِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: عَبْدِي دَعَوْتَنِي فَأَخَّرْتُ إِجَابَتَكَ وَثَوَابَكَ كَذَا وَكَذَا وَدَعَوْتَنِي فِي كَذَا وَكَذَا فَأَخَّرْتُ إِجَابَتَكَ وَثَوَابَكَ كَذَا وَكَذَا. قَالَ عليه السلام: فَيَتَمَنَّي الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حُسْنِ الثَّوَابِ.<sup>۱</sup>

همانا مؤمنی برای رفع حاجتش خدای عز و جل را می‌خواند، پس خدای عز و جل می‌فرماید: اجابتش را (تا قیامت) به تأخیر بیندازید، چون به شنیدن صدا و دعای او اشتیاق دارم! پس چون روز قیامت شود، خدای عز و جل می‌فرماید: ای بنده من، تو مرا خواندی و من اجابت تو را به تأخیر انداختم، اکنون پاداش (دعای) تو چنین و چنان است و همچنین به خاطر (به دست آوردن) فلان چیز و فلان چیز مرا خواندی و من اجابت تو را به تأخیر انداختم، اکنون پاداش (دعای) تو چنین و چنان است. امام فرمودند:

مؤمن وقتی چنین پاداش نیکو را می‌بیند، آرزو می‌کند که‌ای کاش هیچ‌کدام از دعاهايش در دنیا مستجاب نمی‌شد!

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أبطأت عليه الإجابة، ح ۹.

آری، تا وقتی انسان در دنیا است، عظمت و ارزش پادشاه‌های اخروی برایش - چنانکه باید - روشن نمی‌شود. وقتی در دنیا نیازی دارد و خدا را به خاطر آن می‌خواند، شاید همه هم و غمش رسیدن به خواسته دنیوی‌اش باشد و چه بسا از اینکه دعایش به نتیجه‌ای که می‌خواهد نمی‌رسد، ناراحت و دلسرد شود. اما وقتی پادشاه اخروی دعایش را - که در حقیقت پاسخ خداوند به دعای او در دنیا است - دید، آنگاه می‌فهمد که خداوند چه لطفی در حق او فرموده و آنجا آرزو می‌کند که: ای کاش سایر دعاها هم در دنیا مستجاب نمی‌شد! دنیا هرچه قدر هم که سخت بگذرد، بالأخره تمام شدنی است و خوشی‌هایش هم قابل مقایسه با لذات اخروی نیست. بنابراین اگر به جای راحتی‌ها و خوشی‌های دنیوی، پادشاه‌های اخروی نصیب شخص گردد، برای او بسیار مسرت‌بخش‌تر خواهد بود. آنچه در همین موضوع موجبات خوشحالی بیشتر مؤمن را در آخرت فراهم می‌سازد، این است که او پیش از حسابرسی خدای متعال نمی‌داند که بابت دعاهایی که در دنیا مستجاب نشده، مشمول چه پادشاه‌هایی شده است.

راوی همان حدیث قبل (اسحاق بن عمار) فرمایش دیگری را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

إِنَّ الرَّبَّ لَيَلِي حِسَابَ الْمُؤْمِنِ فَيَقُولُ: تَعْرِفُ هَذَا الْحِسَابَ؟  
 فَيَقُولُ: لَا يَا رَبِّ فَيَقُولُ: دَعَوْتَنِي فِي لَيْلَةٍ كَذَا وَ كَذَا فِي كَذَا وَ  
 كَذَا، فَذَخَرْتُهَا لَكَ. قَالَ عليه السلام: فَمِمَّا يَرَى مِنْ عَظْمَةِ ثَوَابِ اللَّهِ  
 يَقُولُ: يَا رَبِّ لَيْتَ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ عَجَلْتَ لِي شَيْئاً وَ ادَّخَرْتَهُ لِي.<sup>۱</sup>

۱. بخارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۱، ح ۱۲، به نقل از التمهیص.

همانا پروردگار به حساب مؤمن رسیدگی می‌فرماید. پس به او خطاب می‌کند: آیا این حساب برایت روشن است؟ می‌گوید: خیر، ای پروردگار من. پس (خداوند) می‌فرماید: در فلان شب به خاطر (به دست آوردن) فلان چیز مرا خواندی، پس من آن را برایت ذخیره ساختم. امام علیه السلام فرمودند: پس به خاطر بزرگی و عظمتی که از پاداش خداوند می‌بیند، می‌گوید: ای پروردگار من، ای کاش هیچ چیز را برایم در دنیا برآورده نکرده، برایم ذخیره می‌کردی!

با این ترتیب روشن می‌شود که در میان همه انواع اجابت دعای مؤمن همین پاسخ پنجم برایش ارزشمندتر و شیرین‌تر است، اما به شرطی که از آن باخبر باشد و تصور نکند که دعایش در پیشگاه الهی گم شده است. بسیاری از اهل ایمان هستند که به خاطر جهل و نادانی خود از انواع اجابت دعا، وقتی به حاجت خود نمی‌رسند، به خدای مهربان خود بدگمان شده، وعده‌هایی نظیر «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»<sup>۱</sup> را به دیده تردید می‌نگرند. اینها به انواع استجابت دعا - به خصوص ذخیره شدن آن در آخرت - آگاهی ندارند و فقط حاجت دنیوی خود را می‌بینند و چون زود به خواسته خود نمی‌رسند، نسبت به صحت وعده اجابت دعا توسط پروردگار به شک می‌افتند. اهل ایمان باید همه انواع اجابت دعا را بدانند و اجابت اخروی را از برآورده شدن حاجات دنیوی مهم‌تر بدانند.

## اجابت نکردن مثبت دعا

نکته مهمی که در مورد اجابت دعا باید در نظر داشت، این است که گاهی انسان خواسته‌ای را به پیشگاه خداوند عرضه می‌کند و چه بسا روی آن پافشاری هم بکند، اما خدای حکیم به خاطر مصلحت خود فرد، خواسته‌اش را برآورده نمی‌سازد. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای که برای فرزند گرامی خویش مرقوم فرموده‌اند، پس از اشاره به اینکه گاهی خواسته انسان برآورده نمی‌شود، ولی عطای بهتری به او می‌دهند، فرض دیگر را چنین مطرح می‌فرمایند:

أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ  
دِينِكَ لَوْ أَوْتَيْتَهُ، فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ وَ يُنْفَى  
عَنْكَ وَبَالُهُ فَالْمَالُ لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ.<sup>۱</sup>

یا (خواسته‌ات) از تو بازداشته می‌شود به خاطر آنچه خیر تو در آن است. چه بسیارند اموری که تو آنها را طلب می‌کنی اما اگر به تو بدهند، تباهی دین تو در آن است. (حال که چنین است) پس چیزی را (از خدا) بخواه که زیبایی‌اش برایت بماند و ضرر و زیانی برای تو نداشته باشد. اما مال (دنیا) برایت باقی نمی‌ماند و تو نیز برای آن باقی نخواهی ماند.

در این عبارات امیرالمؤمنین علیه السلام به نکته بسیار مهمی اشاره فرموده‌اند: گاهی انسان چیزی را از خدا طلب می‌کند که به دست آوردنش باعث تباهی دین او می‌شود. البته خودش به این امر توجه ندارد و برای رسیدن به خواسته‌اش بی‌تابی می‌کند. به همین جهت است

۱. نهج البلاغه (صبحی صالح)، نامه ۳۱، ص ۳۹۹ و ۴۰۰.

که توصیه فرموده‌اند باید انسان چیزی را از خدا طلب کند که وزر و وبال آن گردنش را نگیرد، بلکه زینت او باشد و مایهٔ سعادتش گردد. اما مال دنیا چنین نیست؛ چون نه مال برای انسان باقی می‌ماند و نه انسان برای مال. بلکه هم مال از دست انسان می‌رود و هم انسان از مال جدا می‌شود.

به هر حال اگر دعایی به ظاهر مستجاب نشد و دعاکننده به خواستهٔ خود نرسید، باید احتمال دهد که شاید خدای متعال مصلحت دین او را در نظر گرفته و به همین جهت خواسته‌اش را برآورده نکرده است. البته بر خداوند لازم نیست که برای همگان این‌گونه مصلحت خواهی کند؛ این از باب لطف اوست که در حق کسانی چنین رفتار می‌کند. همچنین ممکن است برای همان افراد نیز در بعضی موارد چنین اراده کند؛ نه همیشه. پس باید از خدا خواست که اگر انسان خودش مصلحتش را نمی‌داند و بر داشتن چیزی که به ضرر دینش است، اصرار می‌ورزد، خدا او را به حال خود وانگذارد و بر خلاف میلش خواسته‌اش را برآورده نسازد. این مایهٔ کمال آدمی است که خداوند چنین رفتاری با او داشته باشد.

اما اگر چنین لطفی از جانب خداوند در حق بنده‌ای اعمال نشود، ظلمی در حق او صورت نگیرد، بلکه از یک فضل و لطف محروم شده است. بنابراین ممکن است انسان چیزی را از خداوند طلب کند که به صلاح دینش نباشد و خدا هم در اجابت آن تعجیل فرماید. این تعجیل در اجابت از طرف خداوند قبیح نیست، هر چند که به ضرر دعاکننده باشد. بنابراین برآورده شدن حاجت شخص نشانهٔ این نیست که این کار به صلاح اوست.



### تعمیل منفی در اجابت دعا

نتیجه مهم دیگری که از این بحث حاصل می‌شود، این است که تعجیل در اجابت دعای یک بنده علامت محبوب بودن او نزد خداوند نمی‌باشد؛ بلکه برعکس، گاهی چون خدا بنده‌اش را دوست دارد، دعایش را زود مستجاب نمی‌فرماید و پاسخ او را به صورت‌های دیگری که بیان شد، می‌دهد. از آن طرف، گاهی چون دعاکننده دشمن خداست، حاجتش زود برآورده می‌شود. به این فرمایش امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:

إِنَّ الْعَبْدَ الْعَدُوَّ لِلَّهِ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَمْرِ يُتَوَبُّهُ فَيَقَالُ  
لِلْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ: اقْضِ [لِعَبْدِي] حَاجَتَهُ وَعَجِّلْهَا فَإِنِّي أَكْرَهُ  
أَنْ أَسْمَعَ نِدَائَهُ وَصَوْتَهُ قَالَ عليه السلام: فَيَقُولُ النَّاسُ: مَا أُعْطِيَ هَذَا  
إِلَّا لِكِرَامَتِهِ<sup>۱</sup>

همانا بنده دشمن خدا، خدای عز و جل را در مورد پیشامدی که  
برایش رخ داده است، می‌خواند. پس به فرشته موکل بر آن کار  
خطاب می‌شود: حاجت بنده مرا برآورده کن و در این امر تعجیل  
نما، زیرا من از شنیدن فریاد و صدای او کراهت دارم.  
حضرت علیه السلام فرمودند:

در این حال مردم (چون از سر کار خبر ندارند) می‌گویند: حاجت او  
برآورده نشده است جز به دلیل گرامی بودنش (نزد خداوند)!

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أبطأت عليه الاجابة، ح ۷.

فصل سوم: اجابت دعا □ ۱۰۷

مردم از اسرار پشت پرده خبر ندارند، به همین جهت تصوّر می‌کنند که هر کس حاجت‌هایش زود برآورده می‌شود، محبوب خداوند است. این تصوّر یک گمان باطل می‌باشد و ملاک محبوبیت نزد خدا این امر نیست.

## درس دوازدهم: تحقق وعده اجابت

### تأخیر در اجابت دعا

خدای متعال که وعده اجابت دعا را داده است، این وعده را محقق خواهد فرمود، اما گاهی خداوند خواسته انسان را روی حکمت‌هایی با مدتی تأخیر عطا می‌فرماید. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلَائِكَةِ: قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ  
وَلَكِنْ أَحْبَبْتُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ  
لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: عَجَّلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أَبْغِضُ  
صَوْتَهُ.<sup>۱</sup>

همانا بنده‌ای دعا می‌کند، خدای عز و جل به آن دو فرشته می‌فرماید: من او را اجابت کردم ولی حاجت او را نگه دارید چون من شنیدن صدایش را دوست می‌دارم و بنده‌ای دعا می‌کند،

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أبطأت عليه الاجابة، ح ۳.

خدای متعال می‌فرماید: زود حاجتش را بدهید چون صدایش مبعوض من است.

با این ترتیب تعجیل نشدن در اجابت دعا نشانهٔ مبعوض بودن دعا کننده و صدایش نزد خداوند نیست؛ اما چه بسا مردم چنین پندارند و برآورده نشدن حاجت کسی را به حساب بی‌آبرو بودنش در درگاه الهی بگذارند. امام صادق علیه السلام در پایان حدیث دیگری که در آن، مطلب فوق را با تعبیر دیگری بیان فرموده‌اند، به همین نکته اشاره نموده‌اند:

فَيَقُولُ النَّاسُ: ... لَأَمْنَعُ هَذَا إِلَّا لِهَوَانِهِ<sup>۱</sup>

پس مردم می‌گویند: ... او (از رسیدن به حاجتش) باز داشته نشده است مگر به علت پستی و خواری‌اش (!)

اما مردم از روی نادانی چنین قضاوت می‌کنند و واقعیت مسأله غیر از این است.

### انواع تأخیر در اجابت

به هر حال، تأخیر در اجابت دعا به دو صورت ممکن است: یا این تأخیر در دنیا است و یا زمانش به آخرت کشیده می‌شود. فرض دوم همان است که در بحث از انواع اجابت گفته شد که گاهی خداوند دعای شخص را ذخیرهٔ آخرتش می‌گرداند و در حقیقت به جای آنکه در دنیا حاجت او را برآورد، ثواب و پاداش آن را در آخرت عطايش می‌فرماید؛ که این کار برای بنده خوشحال‌کننده‌تر از این است که در دنیا به خواسته‌اش برسد. در بسیاری از احادیث مقصود از تأخیر

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أبطأت عليه الاجابة، انتهای ح ۷.

انداختن اجابت دعا، همین معناست که اثر آن را نه در دنیا بلکه در آخرت دریافت نماید. نمونه‌هایی از این احادیث را در درس گذشته بیان نمودیم.<sup>۱</sup>

اما فرض اول یعنی تأخیر اجابت دعا در دنیا نیز به صورت‌های مختلفی مطرح شده است. به عنوان نمونه اسحاق بن عمار از حضرت صادق علیه السلام می‌پرسد:

آیا امکان دارد دعای شخص مستجاب گردد اما برآورده شدن حاجتش به تأخیر افتد؟

حضرت در پاسخ فرمودند:

نَعَمْ عِشْرِينَ سَنَةً.<sup>۲</sup>

بله بیست سال.

همچنین مطابق احادیث ائمه علیهم السلام از زمانی که دعای حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام مستجاب شد تا وقتی فرعون به جزای اعمالش رسید، چهل سال فاصله افتاد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

كَانَ بَيْنَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا»<sup>۳</sup> وَ بَيْنَ أَخْذِ فِرْعَوْنَ أَرْبَعِينَ عَامًا.<sup>۴</sup>

از زمانی که خدای عز و جل فرمود: دعای شما دو نفر (موسی و هارون) مستجاب شد تا نابودی فرعون چهل سال فاصله بود.

۱. به عنوان نمونه دیگر به حدیث امام صادق علیه السلام در اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أبطأت عليه الإجابة، ح ۹ رجوع فرمایید.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أبطأت عليه الإجابة، ح ۴.

۳. یونس / ۸۹.

۴. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أبطأت عليه الإجابة، ح ۵.

مورد دیگری که در احادیث به آن اشاره شده، اجابت دعای حضرت نوح علیه السلام است. این پیامبر عظیم الشان خدا وقتی پس از نُهصد سال تحمل رنج و تلاش در دعوت کردن قوم خود، از آنان ناامید شد، دست به دعا بلند کرد و فرج شیعیان خود را از خداوند درخواست نمود. جبرئیل بر ایشان نازل شد و گفت:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اجَابَ دَعْوَتَكَ.

همانا خدای متعال دعایت را مستجاب فرمود.

اما فرجی به شیعیان نرسید مگر پس از آنکه به امر خداوند هسته‌های خرما را کاشتند تا درخت خرما روید، سپس از آن خرماها خوردند و هسته‌هایش را کاشتند تا درختان دیگری روید و برای بار سوم خرما خوردند و هسته‌هایش را کاشتند و این کار را شش بار تکرار کردند و هر بار منتظر دیدن آثار اجابت دعای حضرت نوح بودند. در این مدت به خاطر طول کشیدن انتظار فرج از آن جمع مختصر، دو سومشان لغزیدند و از گروه مؤمنان خارج شدند. تا اینکه بالآخره پس از پنجاه سال واقعه طوفان و سیل اتفاق افتاد. به فرمایش امام صادق علیه السلام:

كَانَ بَيْنَ اجَابَةِ الدُّعَاءِ وَبَيْنَ الطُّوفَانِ خَمْسُونَ سَنَةً.<sup>۱</sup>

فاصله میان اجابت دعا و وقوع طوفان (نوح) پنجاه سال بود.

با این ترتیب همیشه استجابات دعا به این نیست که به فاصله اندکی خواسته دعا کننده برآورده شود، بلکه گاهی تا پنجاه سال بین اجابت

دعا و تحقق مراد انسان فاصله می افتد. اما همه این موارد از آن جهت که خواسته شخص در دنیا برآورده می شود، مصادیق تعجیل در اجابت هستند.

### نهی از استعجال در اجابت دعا

با توجه به اینکه وعده اجابت الهی محقق خواهد شد و تأخیر در اجابت دعا معلول حکمت‌هایی در افعال خداست، انسان مؤمن نباید خود را از آفت «استعجال» در امر اجابت دعا به دور نگه دارد. یکی از حربه‌های شیطان برای اینکه بنده خدا را از درگاه او براند، این است که وقتی پس از مدتی دعایش مستجاب نشد، او را از اجابت دعایش ناامید می‌سازد. این همان «استعجال» مذمومی است که در احادیث از آن تحذیر داده شده است. از مولا جعفر بن محمد علیه السلام نقل است که فرمودند:

لا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ بِخَيْرٍ وَ رَخَاءٍ وَ رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ  
فَيَقْنَطَ فَيَتْرُكَ الدُّعَاءَ.

مؤمن همواره در خیر و آسایش و رحمت از جانب خداوند است مادامیکه به استعجال مبتلا نشود و در نتیجه ناامید شده، دست از دعا کردن بکشد.

راوی خدمت حضرت عرض می‌کند:

كَيْفَ يَسْتَعْجِلُ؟

استعجال چگونه است؟

امام علیه السلام فرمودند:

يَقُولُ: قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا وَ لَا أَرَى اجَابَةً.<sup>۱</sup>

بگویند: از فلان زمان دعا کرده‌ام و اجابتی ندیده‌ام.

این حدیث درباره فرد مؤمن است که اگر دست از دعا بردارد و از اجابت آن ناامید نشود، همیشه در خیر و خوبی است و هر وضعیتی پیدا کند، زیر چتر رحمت الهی خواهد بود. مؤمن باید یقین داشته باشد که از وقتی دست به دعا بلند می‌کند، خداوند کار اجابت دعای او را به جریان می‌اندازد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ.<sup>۲</sup>

همانا هرگاه بنده‌ای دعا کند، خدای متعال - تا وقتی او به استعجال نیفتاده - مشغول به کار اجابت خواسته‌اش می‌باشد.

مقصود این است که از هنگام شروع به دعا، خدای متعال از بنده‌اش غافل نیست و کار اجابت دعای او را به جریان می‌اندازد، اما اینکه چه وقت پاسخ دهد و چه پاسخی دهد، برای دعاکننده روشن نیست؛ ولی باید بداند که خدای او به یکی از انواع اجابت دعا، پاسخش را خواهد داد. پس نباید به هیچ وجه از پروردگار ناامید شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

يُسْتَجَابُ لِلْعَبْدِ مَا لَمْ يُعَجِّلْ يَقُولُ: قَدْ دَعَوْتُ فَلَمْ يَسْتَجِبْ لِي.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۴، ح ۱۶، به نقل از عده الداعی.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالجاج فی الدعاء و التلث، ح ۱.

۳. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۱، ح ۹، به نقل از مکارم الاخلاق.



بنده - تا وقتی عجله نکند - دعایش مستجاب است، (عجله کردن به این است که) بگوید: من دعا کردم اما مستجاب نشد.  
طبق این فرمایش هر دعایی پاسخی دارد که اگر بنده خدا به عجله و شتاب نیفتد، آن را (در دنیا یا آخرت) دریافت خواهد کرد، اما در صورت ناامیدی از اجابت دعا، تضمینی برای گرفتن پاسخ وجود ندارد. به تعبیر دیگر ناامید شدن از اجابت دعا خود، علت عدم اجابت است و اگر دعاکننده به این حالت مبتلا نشود، دست خالی نخواهد ماند. چه زیبا فرموده‌اند امام صادق علیه السلام:

مَا أَبْرَزَ عَبْدٌ يَدَهُ إِلَى اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ إِلَّا اسْتَحْيَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرُدَّهَا صِفْرًا حَتَّى يَجْعَلَ فِيهَا مِنْ فَضْلِ رَحْمَتِهِ مَا يَشَاءُ فَإِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلَا يَرُدُّ يَدَهُ حَتَّى يَمْسَحَ عَلَى وَجْهِهِ وَرَأْسِهِ.<sup>۱</sup>

هیچ بنده‌ای دست خود را به سوی خداوند عزیز و قاهر بلند نمی‌کند مگر آنکه خدای عز و جل حیا می‌کند از اینکه آن (دست) را تهی باز گرداند تا اینکه آنچه را بخواهد از زیادی رحمت خویش در آن می‌گذارد. پس هرگاه یکی از شما دعا کرد، دست خود را بر نگرداند مگر آنکه به سر و صورت خود بکشد.

با توجه به بحثی که درباره انواع اجابت مثبت دعا گذشت، طبق این وعده امام صادق علیه السلام می‌توانیم مطمئن باشیم که خداوند بنده دعاکننده را دست خالی بر نمی‌گرداند. البته اجابت دعا شرایط و موانعی دارد که

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أن من دعا استجیب له، ح ۲.

در همین فصل به بیان مهم‌ترین آنها خواهیم پرداخت. اگر دعایی حائز شرایط و فاقد موانع اجابت باشد، قطعاً مستجاب است و دعاکننده یقیناً یکی از پاسخ‌های مطرح شده در احادیث را از خدای خود دریافت خواهد نمود.

تعبیر «استحیا» به معنای «حیا کردن» که در حدیث به خدای متعال نسبت داده شده، نشانگر کمال لطف و منت الهی بر بندگان است. مطابق قاعده‌ای که اهل بیت علیهم‌السلام تعلیم فرموده‌اند،<sup>۱</sup> اگر یکی از صفات مخلوقات - مانند حیا در انسان - به خداوند نسبت داده شود، ما باید آثار مترتب بر آن صفت را به خدای متعال نسبت دهیم و گرنه خود آن صفت قابل اسناد به ذات مقدس ربوبی نیست. در اینجا هم نمی‌توانیم حیا را به معنای واقعی آن در انسان به خداوند منسوب بدانیم و تنها معنای مقبول آن این است: از فضل و کرم الهی بسیار دور است که بنده‌اش او را بخواند - البته با حفظ شرایط و بدون وجود موانع - و دست خالی بماند. همان‌طور که انسان با حیا هیچ‌گاه دست کسی را که با امید و آرزو به سویش دراز شده، خالی نمی‌گذارد.

### باز بودن باب اجابت دعا

یکی از نتایج و لوازم این دیدگاه آن است که انسان مؤمن همیشه باب اجابت خداوند را به روی خود و دعایش باز می‌بیند. این مقتضای وعده‌ای است که پیشوایان معصوم ما فرموده‌اند.

---

۱. اصول کافی، کتاب التوحید، باب النوادر، ح ۶، ترجمه و توضیح این حدیث

شریف در درس بیستم از حلقه دوم آمده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

مَا كَانَ اللَّهُ ... لِيَفْتَحَ عَلَيَّ عَبْدِي بَابَ الدُّعَاءِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ  
الْإِجَابَةِ.<sup>۱</sup>

چنین نیست که خداوند ... باب دعا را بر بنده‌ای بگشاید اما باب  
اجابت را بر او ببندد.

در فصل گذشته گشودن باب دعا را توسط خداوند بر بنده، فضل  
بزرگی از جانب خالق مهربان دانستیم و اکنون طبق فرمایش  
امیرمؤمنان علیه السلام کمال این فضل را در بازنگه داشتن باب اجابت از  
جانب خداوند به روی بنده می‌دانیم. اگر پروردگار رحیم اجازه  
فرموده که او را بخوانیم، قطعاً باب اجابت را بر ما نبسته است.

همین معنا در عبارتی منقول از امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است:

مَا فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيَّ أَحَدٍ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَخَزَنَ عَنْهُ بَابَ  
الْإِجَابَةِ.<sup>۲</sup>

خدای عز و جل بر هیچ کس باب درخواست کردن را نگشوده که  
باب اجابت را بر او مسدود نموده باشد.

در اینجا تعبیر «مسأله» و در حدیث گذشته کلمه «دعا» آمده که هر  
دو تعبیر در کنار هم و به جای یکدیگر به کار می‌روند. از رسول گرامی  
اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز همین معنا نقل شده با این تفاوت که به دنبال آن  
سفارش فرموده‌اند:

۱. نهج البلاغه (صبحی صالح)، حکمت ۴۳۵، ص ۵۵۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۳، ح ۷، به نقل از العدد.

... فَإِذَا فَتَحَ لِأَحَدِكُمْ بَابَ دُعَاءٍ فَلْيَجْهَدْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَمَلُّ حَتَّى تَمَلُّوا.<sup>۱</sup>

... پس هرگاه (خداوند) برای یکی از شما باب دعایی را گشود، پس باید (در دعا) جدّ و جهد کند، زیرا خدای عزّ و جلّ خسته و ملول نمی‌شود، تا اینکه شما خود چنین شوید.

مقصود رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این است که با گشودن باب دعا، باب اجابت نیز بر شما گشوده شده است؛ بنابراین با جدّیت تلاش کنید و از فرصتی که خداوند برایتان قرار داده، استفاده کنید. از دعا و اصرار بر درخواست خود خسته و ملول نشوید؛ چون خدای متعال از دعای شما ملول نمی‌گردد، مگر اینکه خودتان چنین شوید؛ یعنی تنها وقتی باب اجابت بر شما بسته می‌شود که خودتان از دعا کردن دست بردارید یا چنانکه در ادامه همین فصل خواهیم گفت، با ایجاد موانع اجابت یا فراهم نکردن شرایط آن، خودتان باب اجابت را بر خود ببندید. تعبیر دیگری که برای رساندن همین مفهوم در بعضی احادیث به کار رفته، شنیدنی است. این فرمایش از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشد:

الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطَرِ.<sup>۲</sup>

دعا مخزن و گنجینه اجابت است همان طور که ابر مخزن باران است.

تشبیه بسیار گویایی در این حدیث به کار رفته است. رابطه میان ابر و باران چنین است که همیشه باران از ابر به وجود می‌آید و هیچ‌گاه

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۴، ح ۸، به نقل از امالی طوسی.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أنّ من دعا استجیب له، ح ۱.

بدون وجود ابر، بارانی نمی‌بارد. از طرفی وجود ابر در آسمان نوید باران را می‌دهد و امید به بارش را در انسان به وجود می‌آورد، اما در عین حال چنین نیست که همیشه از هر ابری باران بیارد. رابطه میان دعا و اجابت نیز عیناً همین طور است. سرچشمه اجابت، دعاهای انسان به پیشگاه خداوند است و الهام شدن دعا به انسان نوید اجابت می‌دهد، اما البته هر دعایی از هر کس و در هر شرایط لزوماً اجابت نمی‌شود.

### مخفی بودن اجابت در دعاها

موضوع دیگری که در مورد تحقق وعده اجابت دعا باید مورد توجه باشد، این واقعیت است که خداوند حکیم اجابتش را در میان دعاها مخفی نموده است. هیچکس به طور قطع نمی‌داند کدام دعایش در چه وقت به اجابت می‌رسد. این امر موجب می‌شود که انسان هیچ دعایی را ناچیز نشمرد و به همه دعاهای خود یادگیران امید اجابت داشته باشد. حضرت باقر العلوم علیه السلام از پدران خویش از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرموده‌اند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ... أَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَضْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ دُعَائِهِ قُرْبَمَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ. ۱  
همانا خدای متعال ... اجابت خود را در دعایی که به درگاه او می‌شود، مخفی نموده است. پس هیچ یک از دعاهایی که به سوی او می‌شود را کوچک نشمار، چه بسا همان دعا - بدون آنکه بدانی - مورد اجابت واقع شود.

درست است که به مؤمن وعده اجابت همه دعاهایش داده شده است، اما این امر مشروط به بودن شرایط اجابت و نبودن موانع آن است. البته اگر خدای منان بخواهد با لطف و کرم خویش دعایی را که فاقد شرایط اجابت است به هدف اجابت برساند، هیچ یک از وعده‌هایش نقض نمی‌گردد و هیچ محذوری در بین نمی‌باشد. بنابراین حتی به دعاهای فاقد شرایط هم می‌توان امید اجابت داشت. از طرف دیگر چون نمی‌دانیم که خداوند کجا و در چه موردی ممکن است با کرم خویش برخورد نماید، لذا هیچ اطمینانی به اجابت هیچ دعای خاصی نداریم و به همین سبب است که فرموده‌اند: اجابت در دعا مخفی گردیده، پس هیچ دعایی را ناچیز مشمرید. ممکن است انسان روی اجابت برخی دعاهایش حساب بیشتری باز کند، اما همان‌ها مستجاب نشوند و بالعکس، دعایی که اهمیتی به آن نداده، به هدف اجابت برسد. خداوند با پنهان کردن اجابت دعا انسان را به همه دعاهای خیر خود و دیگران امیدوار ساخته و در مورد نفرین‌ها و دعاهای شرّ هم باب خوف و نگرانی را باز نگه داشته است. پس از همه دعاهایی که دیگران علیه انسان می‌کنند، باید ترسید و از اجابت آنها به خدای بخشاینده پناه برد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در همین زمینه می‌فرمایند:

لَا تَسْتَحِقُّرُوا دَعْوَةَ أَحَدٍ فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لِيَهُودِيٍّ فَيَكُمُّ وَلَا  
يُسْتَجَابُ لَهُ فِي نَفْسِهِ.<sup>۱</sup>

دعای هیچکس را خوار و کوچک مشمرید زیرا دعای یک فرد  
یهودی در مورد شما (مؤمنان) مستجاب می‌شود در حالی که در  
حق خودش مستجاب نمی‌گردد.

در بحث از شرایط اجابت دعا خواهیم گفت که یکی از آنها  
«معرفت» دعا کننده است که شامل معرفت او نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و  
امام علیه السلام نیز می‌شود. بر این اساس دعای یک فرد یهودی فاقد شرایط  
لازم برای اجابت است و اگر خداوند بخواهد طبق ضوابطی که معین  
فرموده عمل نماید، دعای او مستجاب نمی‌گردد. اما همین فرد اگر برای  
یک مؤمن دعای خیر یا نفرین کند، خداوند چه بسا دعای او را  
مستجاب فرماید. بنابراین به اجابت همه دعاهای خیر دیگران - حتی  
افراد ناصالح - باید امید بست و از اجابت همه دعاهایی که علیه انسان  
- هر چند از جانب کافر - می‌شود، باید نگران و خائف بود.

### پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۰ تا ۱۲

- ۱- منظور از اجابت منفی چیست؟
- ۲- انواع اجابت را بیان کنید.
- ۳- منظور از اجابت نکردن مثبت دعا چیست؟
- ۴- آیا می‌توان تعجیل در اجابت دعای یک بنده را علامت محبوب بودن او نزد خدا دانست؟ چرا؟
- ۵- انواع تأخیر در اجابت دعا را بیان کنید.
- ۶- استعجال در اجابت دعا چگونه محقق می‌شود؟
- ۷- از اینکه فرموده‌اند: «اخفی اجابته فی دعوته» چه نتایج می‌توان گرفت؟



## درس سیزدهم: شرایط اجابت (۱)

خداوند متعال که وعده اجابت دعا را به بندگانش داده، شروطی را برای آن قرار داده است که بعضی از آنها به شخص دعا کننده و برخی دیگر به خود دعا مربوط می شود.

### معنای مشروط بودن اجابت

شرط بودن این عوامل به این معناست که وعده الهی برای اجابت دعا منوط به فراهم بودن آنهاست. هرچند بسیاری از وعده ها به صورت ظاهراً مطلق و بی قید و شرط مطرح شده اند (مانند: اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ<sup>۱</sup>) اما قیود و شروط آنها به صورت منفصل از خودشان بیان گردیده اند. بسیاری از مُخَصَّصَات و مُقَيَّدَات آیات کریمه قرآن در احادیث اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است. شرایط اجابت دعا را نیز باید در فرمایش های ائمه علیهم السلام جستجو نمود. تا آنجا که نگارنده بررسی نموده،

تعداد مهم‌ترین این شروط به شش عدد می‌رسد. می‌توان گفت که اگر دعایی واجد این شش شرط باشد، اجابتش طبق وعده‌های الهی لازم است و اگر یکی از این شروط فراهم نباشد، نمی‌توان اجابت آن را - براساس وعده خداوند - واجب دانست.

اما هم‌چنین نمی‌توان ادعا کرد که چنان دعایی قطعاً مستجاب نمی‌شود؛ زیرا چه بسا خدا به لطف و کرم خود اجابت فرماید؛ نه بر اساس وعده و حق. بله، اگر دعایی واجد شرایط مطرح شده باشد، این حق بنده دعاکننده است که خداوند اجابتش کند. این حق را خود خدا با وعده‌هایی که فرموده، برای چنان بنده‌ای ایجاد کرده است. بنابراین اجابت او - در فرض فراهم بودن شرایط - براساس عدل الهی واجب می‌شود. ولی در صورت نبودن یکی از این شروط، اجابت دعای خیر منوط به اعمال فضل خدا به بنده‌اش است؛ کما اینکه عدم اجابت دعا علیه شخص (نفرین) نیز متوقف بر اعمال لطف و فضل الهی در حق او است. اکنون با توجه به این مقدمه به بیان این شش شرط می‌پردازیم. ابتدا شروطی را بیان می‌کنیم که مربوط به دعاکننده به طور کلی می‌شود و سپس شرط‌هایی که به نحوه دعا کردن شخص برمی‌گردد. دسته اول را شرایط دعاکننده و دومی را شرایط دعا می‌نامیم.

### شرط اول دعاکننده: معرفت خداوند

اولین و مهم‌ترین شرطی که برای اجابت دعا در مورد دعاکننده بیان شده، معرفت خدای متعال است. انسانی که دست دعا به درگاه پروردگارش بلند می‌کند، پیش از هر چیز باید بداند در خانه چه کسی رفته و از که طلب می‌نماید. البته معرفت خداوند درجات مختلف

دارد و هر قدر عمیق‌تر باشد، امید به استجاب دعا بیشتر می‌شود. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ عليه السلام: نَدْعُو فَلَإِ يَسْتَجَابُ لَنَا. قَالَ عليه السلام:  
لَأَنْتُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ.<sup>۱</sup>

گروهی به حضرت صادق علیه السلام عرض کردند: ما دعا می‌کنیم اما مستجاب نمی‌شود. ایشان فرمودند: چون شما کسی را می‌خوانید که معرفتی نسبت به او ندارید.

روشن است که مقصود امام صادق علیه السلام از معرفت خداوند، معرفت صحیح نسبت به ذات باری تعالی است؛ معرفتی که منطبق بر واقع باشد. بنابراین اعتقاد نادرست درباره خداوند، مصداق عدم معرفت نسبت به او محسوب می‌گردد. به عنوان مثال کسی که به درگاه الهی دعا می‌کند، باید اعتقادش این باشد که خداوند قدرت بر آوردن خواسته او را داراست. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ».<sup>۲</sup>

و هرگاه بندگانم از تو درباره من پرسیدند، پس (بگو) من (به آنها) نزدیک هستم و اگر دعا کننده‌ای مرا بخواند، به او پاسخ می‌دهم. بنابراین آنها هم مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند، شاید به راه درست درآیند.

حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر قسمت آخر آیه شریفه

۱. التوحید، ص ۲۸۹، باب ۴۱، ح ۷.

۲. بقره / ۱۸۶.

فَلْيَسْتَجِيبُوا ... - فرموده‌اند:

يَعْلَمُونَ أَنِّي أَقْدِرُ عَلَىٰ أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَا يَسْأَلُونَ.<sup>۱</sup>

بدانند (و معتقد باشند) که من نسبت به برآوردن خواسته‌های ایشان، قادر و توانا هستم.

این اعتقاد یکی از لوازم معرفت خداوند است. با توجه به توضیح امام صادق علیه السلام در مورد آیه ۱۸۶ سوره بقره می‌توان گفت که اگر کسی می‌خواهد خدای متعال را «قریب» و «مجیب الدعوات» بیابد، باید به قدرت مطلقه او در رفع همه نیازها و برآوردن همه خواسته‌هایش، ایمان بیاورد و قلباً به آن معتقد باشد. به همین دلیل است که طبق وعده الهی هر کس خداوند را مالک نفع و ضرر بداند، دعایش مستجاب می‌گردد. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند:

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ سَأَلَنِي وَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي أَضُرُّ وَانْفَعُ  
اسْتَجِبْتُ لَهُ.<sup>۲</sup>

خدای عز و جل می‌فرماید: هر کس از من درخواستی بکند در حالی که مرا مالک و صاحب اختیار نفع و ضرر (خود و دیگران) بداند، من خواسته‌اش را اجابت می‌نمایم.

مالک دانستن خداوند در نفع و ضرر به این است که انسان معتقد باشد که هیچ چیز بدون اذن خدا به حال کسی نفع یا ضرر ندارد. البته مراد از «اذن» در اینجا «اذن تکوینی» است؛ یعنی مانع نشدن از تأثیر. به عنوان مثال وقتی بیماری از دارویی خاص استفاده می‌کند، تأثیر آن دارو

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۵، ح ۱ به نقل از عده الداعی.

به اذن خداوند بستگی دارد؛ اینکه این دارو در بهبودی حال بیمار مفید باشد، به خواست پروردگار مربوط است. همچنین است وقتی غذای مسمومی به حال انسان مضر می‌باشد، تأثیر آن غذا در ضرر زدن به شخص منوط به خواست تکوینی خداوند است. وقتی می‌گوییم این اذن تکوینی است، به این معناست که مانع نشدن خداوند از تأثیر صرفاً جنبه‌ایجاد در عالم تکوین دارد و از آن رضا یا ناخشنودی خداوند استنباط نمی‌شود. ممکن است خدا به وقوع چیزی اذن تکوینی بدهد، ولی به انجام آن راضی و خشنود نباشد. تمام گناهایی که انسان‌ها به سوء اختیارشان مرتکب می‌شوند، به اذن تکوینی خداوند واقع می‌شود، اما او به انجام هیچ یک از آنها راضی نیست. این رضا، رضای تشریحی است و از امر خدا به انجام چیزی استنباط می‌گردد. اما نسبت به گناهان، عدم رضای تشریحی وجود دارد؛ چون خداوند از ارتکاب آنها نهی فرموده است؛ با این وجود در عمل مانع تحقق بسیاری از آنها نمی‌شود و این همان اذن تکوینی اوست. پس هر چند گناهان به اذن تکوینی (مانع نشدن) خداوند واقع می‌شوند، ولی وجود این اذن به معنای رضای پروردگار نسبت به انجام آن نیست.

با این توضیحات معنای مالک نفع و ضرر دانستن خداوند، روشن می‌شود. کسی که چنین اعتقادی دارد، می‌داند که تا ذات مقدس پروردگار اذن تکوینی ندهد، هیچ چیز و هیچ کس نه به او نفع می‌رساند و نه ضرر. حال اگر با چنین عقیده‌ای خداوند را بخواند و از او درخواستی بکند، مشمول وعده استجاب است او قرار می‌گیرد.

نکته دیگر درباره‌ی معرفت صحیح خداوند این است که قلمرو آن به

شناخت و اعتقاد به خود خدا محدود نمی‌شود. در فرهنگ شیعی لازمه لاینفک خداشناسی، پیغمبرشناسی و امام‌شناسی است و معرفت خداوند فقط با قبول ولایت و امامت ائمه علیهم‌السلام حاصل می‌گردد. این مطلب با صراحت تمام در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام مطرح شده است. به عنوان نمونه وقتی ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر علیه‌السلام پرسید که معرفت خدا چیست، ایشان چنین پاسخ فرمودند:

باور داشتنی خدای عزّ و جلّ، و باور داشتن پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دوستی و همراهی با علی علیه‌السلام و پذیرفتن امامت او و ائمه هدی علیهم‌السلام و بیزاری جستن از دشمنان ایشان به سوی خدای عزّ و جلّ؛ این است معرفت خدای عزّ و جلّ.<sup>۱</sup>

با این ترتیب پذیرفتن نبوت نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و قبول ولایت و امامت ائمه علیهم‌السلام جزء لوازم معرفت خداوند است؛ به طوری که اگر کسی منکر امامت یک امام علیه‌السلام باشد یا حتی در آن شک و تردید داشته باشد، اهل معرفت خدا نخواهد بود.<sup>۲</sup>

به همین جهت می‌توان گفت که وعده اجابت خداوند شامل دعای چنین کسی نمی‌شود، به این حدیث شریف توجه فرمایید:

در بنی اسرائیل خانواده‌ای بودند که اگر هر یک از آنها چهل شب به درگاه خداوند دعا می‌کرد و حاجتی را طلب می‌نمود، هرگز دست خالی بر نمی‌گشت تا آنکه یکی از ایشان برای رسیدن به خواسته‌اش، چهل شب تهجد کرد و دعا نمود ولی حاجتش روا

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۹۳، کتاب الحجّة، باب معرفة الامام و الردّ الیه، ح ۱.

۲. تفصیل این بحث در حلقه دوم این سلسله درس‌ها گذشت.

نشد. خدمت حضرت عیسیٰ علیه السلام رسید و نزد ایشان از حال خود گله کرد و از او درخواست دعا نمود. حضرت عیسیٰ علیه السلام هم کسب طهارت کرد و به نماز ایستاد، آنگاه به درگاه خداوند دعا کرد. خدا در پاسخ پیامبرش فرمود:

يا عيسى إنَّ عَبْدِي أَتَانِي مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي أُوتِي مِنْهُ، إِنَّهُ دَعَانِي وَ فِي قَلْبِهِ شَكٌّ مِنْكَ فَلَوْ دَعَانِي حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ وَ تَتَثَّرَ أَنَامِلُهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ.<sup>۱</sup>

ای عیسی، بنده من از غیر آن دری که می توان نزد من آمد، آمده است. او در حالی مرا خوانده که در قلبش نسبت به تو شک دارد. بنابراین اگر آن قدر مرا بخواند، تا گردنش قطع شود و انگشتانش بیفتد، من جواب او را نخواهم داد.

از این حدیث روشن می شود که اگر کسی می خواهد خدا را بخواند، باید از آن دری که خداوند معین فرموده، وارد شود و گرنه، اصلاً در درگاه او پذیرفته نمی شود تا اینکه دعایش مستجاب گردد. آن باب برای بنی اسرائیل در زمان حضرت عیسی علیه السلام، خود آن حضرت بودند و برای ما مسلمانان، وجود مقدس ائمه علیهم السلام که اوصیاء رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هستند.<sup>۲</sup> با این تفصیل روشن می شود که شرط اول استجاب دعا، معرفت خداوند به معنای کامل و صحیح آن است که شامل پذیرفتن ولایت و امامت ائمه اطهار علیهم السلام و عدم تردید در آن هم می شود.

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۰۰، کتاب الایمان و الکفر، باب الشک، ح ۹.

۲. رجوع شود به درس پنجم از حلقه دوم.

## درس چهاردهم: شرایط اجابت (۲)

در درس گذشته اولین شرط اجابت دعا که به دعا کننده مربوط می شود، بیان شد که عبارت بود از معرفت خداوند. در این درس شرط دوم دعا کننده را بیان می کنیم.

شرط دوم دعا کننده: تقوا - وفا به عهد الهی

دومین شرطی که برای استجابت دعا در مورد دعا کننده مطرح شده، تقوای الهی و وفا به عهد بندگی اوست. این عامل تأثیر بسیار مهمی در اجابت دعا دارد که در احادیث ائمه علیهم السلام با تعبیر مختلف به آن اشاره شده است. یک بار شخصی از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید:

ما از شما درباره فرمایش خدای متعال: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ

لَكُمْ»<sup>۱</sup> می پرسیم: چرا دعا می کنیم، اما اجابت نمی شود؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:



إِنَّ قُلُوبَكُمْ خَانَتْ بِثَمَانِ خِصَالٍ.

برای اینکه دلهای شما هشت نوع خیانت کرده است.

سپس یک یک آنها را به شرح ذیل توضیح فرمودند:

۱- **أَوَّلُهَا أَنْكُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ**

**فَمَا أَغْنَتْ عَنْكُمْ مَعْرِفَتَكُمْ شَيْئًا.**

اول اینکه شما به خداوند معرفت پیدا کردید، اما حق او را

-مطابق آنچه بر شما واجب فرموده- ادا ننمودید. به همین دلیل

معرفت شما (به خداوند) سودی به حال شما نداشته است.

اگر انسان خدا را بشناسد، به حکم عقل باید حق بندگی او را- مطابق

آنچه خود او معین فرموده است- ادا نماید. تنها در این صورت است که

می توان او را خداشناس واقعی دانست. کسی که در ادای این حق کوتاهی

کرده باشد، در حفظ بزرگترین نعمت خداوند به او خیانت نموده

است.

۲- **وَالثَّانِيَةُ أَنْكُمْ آمَنْتُمْ بِرَسُولِهِ ثُمَّ خَالَفْتُمْ سُنَّتَهُ وَآمَنْتُمْ شَرِيْعَتَهُ**

**فَأَيْنَ ثَمَرَةُ إِيمَانِكُمْ؟**

دوم اینکه شما به رسول او (خدا) ایمان آوردید، اما با سنت او

مخالفت نمودید و شریعت او را میرانید، پس نتیجه ایمان شما

(به رسول خدا) کجاست؟

کسی که به رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آورده است، باید با عمل

به سنت و شریعت آن حضرت، دین او را زنده نگاه دارد و گرنه، ایمانش

بی فایده و بدون ثمر است. بنابراین عمل نکردن به سیره و سنت

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مصداق خیانت به آن حضرت می باشد.

۳- وَ الثَّالِثَةُ: أَنْكُمْ قَرَأْتُمْ كِتَابَهُ الْمُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ وَ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا ثُمَّ خَالَفْتُمْ.

سوم اینکه شما کتاب او (خدا) را که بر شما نازل شده، قرائت کردید اما به آن عمل ننمودید و گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم، سپس مخالفت کردید!

یکی دیگر از حقوق خداوند بر مؤمنان این است که چون با کتاب او - که توسط پیامبر ﷺ بر آنان نازل شده - آشنا شدند، به قرائت آن اکتفا نکنند، بلکه آن را مبنای عمل و زندگی خویش قرار دهند. کسانی که در این امر عملاً کوتاهی کنند، به کتاب خداوند (قرآن) خیانت نموده‌اند.

۴- وَ الرَّابِعَةُ أَنْكُمْ قُلْتُمْ أَنْكُمْ تَخَافُونَ مِنَ النَّارِ وَ أَنْتُمْ فِي كُلِّ وَ قْتٍ تَقْدِمُونَ إِلَيْهَا بِمَعْاصِيكُمْ فَأَيْنَ خَوْفُكُمْ؟

چهارم اینکه شما ادعا کردید که از آتش (غضب الهی) می‌ترسید اما در هر زمانی با ارتکاب گناهانتان به سوی آن (آتش) قدم بر می‌دارید، پس ترس شما (از آتش غضب الهی) کجاست؟

وجود هر چیز به نشانه‌اش شناخته می‌شود. نشانه ترس از یک چیز، فرار از آن است. انسانی که از آتش غضب الهی در قیامت می‌ترسد، به انجام معصیتی اقدام نمی‌کند که عملاً او را به آن آتش نزدیک کند. پس کسی که عملاً از آتش جهنم ترسی ندارد، حق وعید (تهدید) الهی را در این خصوص ادا نکرده و به نوعی مرتکب خیانت در حق پروردگارش شده است.

۵- وَ الْخَامِسَةُ: أَنْكُمْ قُلْتُمْ أَنْكُمْ تَرْغَبُونَ فِي الْجَنَّةِ وَ أَنْتُمْ فِي

كُلِّ وَقْتٍ تَفْعَلُونَ مَا يُبَاعِدُكُمْ مِنْهَا فَأَيْنَ رَغْبَتِكُمْ فِيهَا؟

پنجم اینکه شما گفتید که به بهشت شوق و رغبت دارید در حالی که همواره مرتکب کارهایی می‌شوید که شما را از آن دور می‌سازد، پس شوق و رغبت شما (به بهشت) کجاست؟

اگر انسان حقیقتاً راغب و شائق به چیزی باشد، به دنبالش می‌رود و آن را - از راه‌های معمولش - طلب می‌کند؛ پس اگر کسی حقیقتاً شوق و رغبت به بهشت داشته باشد، کاری نمی‌کند که عملاً از آن دور شود. از این رو ارتکاب گناهان با وجود شوق به بهشت سازگار نیست و نوعی خیانت به خداوند در خصوص وعده‌هایش به شمار می‌آید.

۶ - وَالسَّادِسَةُ أَنْكُمْ أَكَلْتُمْ نِعْمَةَ الْمَوْلَىٰ وَ لَمْ تَشْكُرُوا عَلَيْهَا.

ششم اینکه شما نعمت مولی (خداوند) را خوردید ولی شکر آن را بجا نیاوردید.

اعطای هر نعمتی از سوی خداوند به بنده، حقوقی را بر عهده فرد واجب می‌کند که تنها با شکر آن نعمت ادا می‌گردد. شکر هر نعمتی هم مراتب مختلف دارد: قلبی، زبانی و عملی.<sup>۱</sup> کوتاهی در ادای شکر نعمت‌های پروردگار، خیانت در آنها محسوب می‌گردد.

۷ - وَالسَّابِعَةُ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَكُمْ بِعَدَاوَةِ الشَّيْطَانِ وَقَالَ: «إِنَّ

الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»<sup>۲</sup> فَعَادَيْتُمُوهُ بِالْقَوْلِ وَالْيَتْمُوهُ بِالْمُخَالَفَةِ.<sup>۳</sup>

۱. توضیح این مراتب همراه با ذکر ادله هر کدام در حلقه پنجم آمده است.

۲. فاطر / ۶.

۳. در نسخه چاپی بحارالانوار در متن چنین آمده است: «فَعَادَيْتُمُوهُ بِالْقَوْلِ»

هفتم اینکه خداوند به شما دستور دشمنی با شیطان را داد و گفت: «همانا شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بگیرید» اما شما در حرف و سخن با او دشمنی کردید و به سبب مخالفت (با امر الهی) با او (شیطان) دوستی نمودید.

دشمن دانستن شیطان با حرف و سخن محقق نمی‌شود. انسان باید در عمل خود نشان دهد که با شیطان دوستی نمی‌کند. کوتاهی کردن در این خصوص نیز نوعی خیانت به خداوند می‌باشد.

۸ - وَ الثَّامِنَةُ أَنَّكُمْ جَعَلْتُمْ عُيُوبَ النَّاسِ نَصَبَ عُيُوبِكُمْ وَ عُيُوبِكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ تَلْمُؤُونَ مَنْ أَنْتُمْ أَحَقُّ بِاللُّؤْمِ مِنْهُ.

هشتم اینکه شما عیب‌های مردم را جلوی چشمانتان و عیب‌های خودتان را پشت سرتان قرار دادید. کسانی را سرزنش می‌کنید که خودتان از آنها برای سرزنش شدن، سزاوارترید.

یکی از بزرگ‌ترین عیوب انسان این است که عیب‌های دیگران را بزرگ ببیند و از عیب‌های خودش غافل شود. آن وقت بی‌جهت کسانی را به خاطر عیب‌هایشان سرزنش می‌کند که خود به مراتب بیش از آنها شایسته سرزنش است. این هم خیانت در حق دیگران به حساب می‌آید. امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان این هشت نوع خیانت، در مورد استجاب دعا فرمودند:

فَأَيُّ دُعَاءٍ يُسْتَجَابُ لَكُمْ مَعَ هَذَا وَ قَدْ سَدَدْتُمْ أَبْوَابَهُ وَ طُرُقَهُ؟  
فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا أَعْمَالَكُمْ وَ أَخْلِصُوا سَرَائِرَكُمْ وَ أَمْرُوا

۱۴ و واليتموه بلا مخالفة» ولی چنانکه در پاورقی کتاب از دست‌خط مؤلف گرانقدر نقل کرده‌اند، ظاهراً عبارت صحیح همان چیزی است که نقل شد.

بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ لَكُمْ دُعَاءَكُمْ.<sup>۱</sup>

پس با وجود این (خیانت‌ها) کدام دعایتان مستجاب می‌شود، در حالی که خودتان ابواب و راه‌های اجابت را مسدود نمودید؟ پس از خداوند پروا کنید و اعمال خود را نیکو گردانید و باطن‌های خود را خالص کنید و امر به معروف و نهی از منکر نمایید. در این صورت است که خداوند دعایتان را مستجاب می‌فرماید.

آری، کسی که توقع اجابت دعا دارد، باید راه‌های آن را با انجام آنچه امیرالمؤمنین علیه السلام خیانت خوانده‌اند، مسدود نکند و با رعایت تقوا و نیکو گرداندن اعمال و پاک و خالص نمودن قلب خود، امید واقعی به استجاب دعا را در خود به وجود آورد. در غیر این صورت نمی‌تواند خود را مشمول وعده اجابت الهی در مورد دعاهايش بدانند. همین مطلب را امام صادق علیه السلام به تعبیر دیگری بیان فرموده‌اند. وقتی کسی از ایشان پرسید:

فدايت كردم، خداوند می‌فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»<sup>۲</sup> ما دعا می‌کنیم، اما مستجاب نمی‌شود.

حضرت فرمودند:

لَأَنْتُمْ لَا تَفُونَ اللَّهَ بِعَهْدِهِ وَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»<sup>۳</sup> وَاللَّهُ لَوْ وَفَيْتُمْ اللَّهَ لَوْفَى اللَّهُ لَكُمْ.<sup>۴</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۶، ح ۱۷، به نقل از دعائم الدین.

۲. غافر / ۶۰.

۳. بقره / ۴۰.

۴. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۸، ح ۳، به نقل از تفسیر قمی.

چون شما به عهد خداوند وفا نمی‌کنید و خداوند می‌فرماید: «به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا کنم». قسم به خدا اگر به (عهد) خدا وفا می‌کردید، خدا هم به (عهد) شما وفا می‌کرد.

عهد الهی چیزی جز آنچه به بیان رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه طاهرين عليهم السلام بر ما تکلیف فرموده، نیست و عمل به آنها به معنای شکر نعمت‌های خداوند است که به حکم عقل بر ما واجب می‌باشد. کسی که می‌خواهد دعایش به هدف اجابت برسد، نباید در انجام وظایف بندگی اش کوتاهی کند. تقصیر در این زمینه نقض عهد الهی است. وعده خداوند در مورد اجابت دعا تنها شامل کسانی می‌شود که عهد او را نقض نکرده‌اند. بنابراین کسی که با ارتکاب گناهان به عهد و پیمان الهی عمل نمی‌کند، چگونه خود را مستحق وعده استجابت دعا به وسیله خداوند می‌داند؟!

### درس پانزدهم: شرایط اجابت (۳)

علاوه بر دو شرط «معرفت خداوند» و «تقوا» و فایده عهد الهی» که برای اجابت دعا در دروس گذشته بیان شد، دو شرط دیگر هم برای دعا کننده وجود دارد که در این درس به ذکر آنها می پردازیم.

#### شرط سوم دعا کننده: کسب حلال

از مهم ترین شرایطی که برای استجابت دعا ذکر شده، این است که درآمد دعا کننده از طریق حلال باشد و کسب حرام نداشته باشد. حضرت امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ فَلْيُطَبِّ مَكْسَبَهُ.<sup>۱</sup>

هر کس دوست دارد دعایش مستجاب گردد، باید درآمد خود را از راه حلال قرار دهد.

داشتن کسب حلال یکی از لوازم عمل به عهد و پیمان الهی است که

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الثناء قبل الدعاء، ح ۹.

رغایت آن بر بندگان واجب می‌باشد. خدای متعال این امر را یکی از شروط اجابت دعای بندگان قرار داده است. برای تأمین این شرط باید اولاً شغل انسان از مشاغل حرام نباشد. شغل حرام به کاری اطلاق می‌شود که انجام آن به خودی خود شرعاً جایز نیست و در نتیجه کسب درآمد از طریق آن نیز مشروع نمی‌باشد. پول‌هایی که از طریق قمار بازی یا استفاده از آلات حرام همچون آلات موسیقی به دست می‌آید، از این قبیل به شمار می‌آید.

ثانیاً ممکن است شغل انسان حرام نباشد اما مال حرام به شکلی در درآمد انسان راه پیدا کند. مثلاً کسی که برای انجام یک کار اداری یا تدریس یا تألیف و ... به استخدام مؤسسه‌ای درآمد، در حقیقت برای انجام آن کار اجیر شده است و حقوقی که بابت کارش می‌گیرد، اجرت اوست. حال اگر در ساعاتی که موظف به انجام آن کار شده، به امور دیگری مشغول شود یا در کیفیت انجام دادن آن - چنانکه می‌تواند و در قرار داد ملحوظ شده است - کوتاهی کند، حقوقی که دریافت می‌کند، حلال مخلوط به حرام است. مثلاً اگر طبق قرار داد، ماهانه دویست هزار تومان می‌گیرد و ده درصد از کم و کیف کار گم گذاشته، مستحق صد و هشتاد هزار تومان می‌باشد و بیست هزار تومان از حقوق او مال حرام است. به این صورت ناخودآگاه مال حرام در زندگی اش راه پیدا می‌کند. همچنین است اگر کسی اهل خمس دادن نباشد. خمس حقیقی شرعی در اموال انسان است که متعلق به امام معصوم علیه السلام و سادات فقیر می‌باشد. کسی که از پرداخت آن کوتاهی می‌کند یا مسائل شرعی آن را به طور صحیح نمی‌داند و در عمل آن را درست ادا نمی‌کند، اموالش مخلوط به مال حرام می‌گردد. در این‌گونه موارد گاهی انسان مدیون



عده زیادی از مردم می‌شود که ممکن است بسیاری از آنها را اصولاً نشناسد (مثلاً بسیاری از سادات فقیر) و بنابراین پرداخت دیون برای او بسیار دشوار - و حتی گاهی ناممکن - می‌شود. لذاست که انسان باید مراقب باشد که به خاطر سهل انگاری در انجام وظیفه، مال حرام در زندگی‌اش راه پیدا نکند.

در همین خصوص هشدار امام بزرگوار حضرت صادق علیه السلام را به گوش جان می‌شنویم:

إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيُطَيِّبْ كَسْبَهُ وَلْيَخْرُجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُرْفَعُ إِلَيْهِ دُعَاءُ عَبْدٍ وَفِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ.<sup>۱</sup>

هرگاه یکی از شما (مؤمنان) بخواهد دعایش مستجاب شود، باید درآمد خود را از طریق حلال قرار دهد و چیزی از حقوق مردم بر عهده‌اش نباشد. و دعای بنده به سوی خداوند بالا نمی‌رود اگر در شکم او مال حرامی باشد، یا حقی از دیگری بر عهده او وجود داشته باشد.

در این حدیث، دو فرض مطرح شده، که هر کدام مانع استجابیت دعا هستند. ابتدا فرض دوم را توضیح می‌دهیم: در این حالت چه شغل انسان حرام باشد و چه حقی از حقوق دیگران بر عهده انسان باشد، به هر حال دعا به سوی خداوند بالا نمی‌رود؛ یعنی از جانب خداوند پاسخی به آن داده نمی‌شود. «مظلّمه» به حق دیگران گفته می‌شود که - هر چند به صورت ناخودآگاه - از جانب انسان پایمال شده است. کسی که این حق

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۱، ح ۳۱، به نقل از فلاح السائل.

زا پایمال نموده، شرعاً مدیون صاحبان حق به شمار می آید و باید آنها را از خود راضی نماید. تا وقتی رضای صاحبان حق جلب نشده، دعای انسان مستجاب نمی گردد. این در صورتی است که انسان حق دیگران را ضایع کرده، اما چیزی از آن غذای بدنش نشده باشد؛ یعنی فرض دومی که امام صادق علیه السلام در فرمایش خود به آن اشاره فرموده اند: (أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ). اما اگر از آن مال غصبی لقمه حرامی به دست آورده باشد، فرض دیگری می شود که آن را در ابتدا فرموده اند.

فرض اول ایشان این بود که لقمه حرامی در شکم انسان باشد (و فی بطنه حرام)؛ مثلاً مالی از طریق ساختن موسیقی حرام یا از مال مردم کسب کرده و با آن غذایی تهیه نموده و خورده باشد. در اینجا ممکن است حتی حق مردم را هم ضایع نکرده باشد، اما چون مالش حرام بوده، غذایی هم که با آن به دست آورده، حلال نمی باشد. در این صورت تا وقتی اثر این لقمه حرام در او باقی باشد، دعایش مستجاب نمی گردد. طبق بعضی احادیث اثر لقمه حرام تا چهل روز در انسان باقی است و دعای او در این مدت مستجاب نمی شود. پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه فرموده اند:

أَطْبُ كَسْبِكَ تُسْتَجَابُ دَعْوَتُكَ فَإِنَّ الرَّجُلَ يَرْفَعُ اللَّقْمَةَ إِلَى  
فِيهِ حَرَاماً فَمَا تُسْتَجَابُ لَهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً.<sup>۱</sup>

درآمد خود را از راه حلال قرار بده تا اینکه دعایت مستجاب شود. زیرا انسان لقمه‌ای را که خوردنش جایز نیست به دهانش می گذارد، در نتیجه تا چهل روز دعایش مستجاب نمی گردد.

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۸، ح ۱۶، به نقل از مکارم الاخلاق.

طبق این حدیث اگر گذاشتن لقمه‌ای به دهان جایز نباشد، خوردن آن تا چهل روز مانع اجابت دعاست. دقت شود که گذاشتن لقمه به دهان در دو صورت حرام می‌شود: یکی اینکه خود آن لقمه از راه حرام (مثلاً پول حرام) به دست آمده باشد. دوم اینکه چه بسا لقمه با پول حلال حاصل شده باشد، اما خوردن آن شرعاً جایز نباشد؛ مثلاً شخص روزه‌دار بدون هیچ عذر شرعی آن را بخورد یا متعلق به دیگری باشد و بدون اجازه مالک، آن را مصرف نماید.

### شرط چهارم دعا کننده : دعا در حال عافیت

از دیگر شرایط لازم برای اجابت دعا این است که انسان در حال عافیت و قبل از آنکه مبتلا به مصیبت و گرفتاری شود، اهل دعا باشد. اگر چنین نباشد، وعده‌ای به استجاب دعا شخص داده نشده است. به اینکه انسان قبل از نزول بلا، اهل دعا باشد، «تَقَدَّمْ - پیش افتادن» در دعا گفته می‌شود. منظور این است که دعایش به وقتی که مبتلا به بلایی می‌شود، اختصاص نداشته بلکه همیشه اهل دعا باشد. حضرت امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند:

مَنْ تَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ اسْتَجِيبَ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: صَوْتُ مَعْرُوفٍ وَ لَمْ يُحْجَبْ عَنِ السَّمَاءِ وَ مَنْ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الدُّعَاءِ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: إِنَّ ذَا الصَّوْتِ لَا نَعْرِفُهُ. ۱

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب التَّقدُّم فی الدعاء، ح ۱.

هرکس در دعا کردن پیش افتد، در هنگام گرفتاری، دعایش مستجاب می‌شود و (در آن وقت) فرشتگان می‌گویند: صدای آشنایی است و از بالا رفتن به آسمان باز داشته نمی‌شود. و هر کس در دعا پیشی نگیرد، هنگام گرفتاری دعایش مستجاب نمی‌شود و فرشتگان می‌گویند: ما این صدا را نمی‌شناسیم!

آری، فرشتگانی که مأمورند صدای دعاکنندگان را بشنوند و به آنان پاسخ دهند، از جانب پروردگارشان اجازه ندارند که صداهای ناآشنا را اجابت کنند و تنها به کسانی پاسخ می‌دهند که در حال عاقبت و عدم گرفتاری هم اهل دعا به پیشگاه الهی هستند. در فرمایش دیگری از همان امام گرامی علیه السلام چنین آمده است:

كَانَ جَدِّي يَقُولُ: تَقَدَّمُوا فِي الدُّعَاءِ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ دَعَاءً  
فَنَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ فَدَعَا، قِيلَ: صَوْتُ مَعْرُوفٍ وَإِذَا لَمْ يَكُنْ دَعَاءً  
فَنَزَلَ بِهِ بَلَاءٌ فَدَعَا، قِيلَ: أَيْنَ كُنْتَ قَبْلَ الْيَوْمِ؟!<sup>۱</sup>

جدّم می‌فرمود: در دعا کردن پیشی بگیرید زیرا اگر بنده‌ای زیاد اهل دعا باشد، وقتی بلایی به او می‌رسد و دعا می‌کند، گفته می‌شود: صدای آشنایی است. اما اگر زیاد اهل دعا نباشد، وقتی در هنگام نزول بلا دعا می‌کند، می‌گویند: پیش از امروز کجا بودی؟!<sup>۱</sup>

خداوند هیچ نیازی به دعاهاى بندگانش ندارد. این ما هستیم که نیازمند دعا به درگاه بی‌نیاز او - در هر روز و هر زمان - می‌باشیم. همان‌گونه که در نخستین فصل این حلقه گذشت، کسی که مبتلا به بلایی

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب التّقدّم فی الدعاء، ح ۵.

شده احتیاجش به دعا از آنکه در حال عافیت به سر می‌برد، بیشتر نیست. اگر انسان این حقیقت را باور کرده باشد، خود را مقید می‌کند که همیشه اهل دعا باشد و بسیار دعا کند و به تعبیر امام علیؑ، «دَعَاءٌ» باشد. وجود این حال سبب می‌شود که در هنگام گرفتاری، دعای انسان مستجاب می‌گردد.

اما کسی که فقط در هنگام مصیبت و بلا به درگاه خداوند روی می‌آورد و دست به دعا بر می‌دارد، باید منتظر باشد که در آن حال به او گفته شود: تا امروز کجا بودی؟ آیا صحیح است که انسان فقط در حال گرفتاری و مصیبت در خانه خدا را بزند و در غیر آن حال از او غافل باشد؟ آیا شکر نعمت‌های بیکران الهی اقتضا نمی‌کند که انسان همیشه خدا خدا کند و هیچ‌گاه از خواندن او غافل نباشد؟!

ما انسان‌ها اگر با کسی مواجه شویم که فقط در هنگامی که به کمک ما نیاز دارد، سراغمان می‌آید و هیچ وقت دیگری اصلاً احوالی از ما نمی‌پرسد، با او چگونه برخورد می‌کنیم؟ آیا با او مانند کسی که همیشه از ما سراغ می‌گیرد و وقتی هم که به ما نیازی ندارد، با ما تماس دارد، رفتار می‌کنیم؟ اگر انتظار ما از دیگران این است که فقط در هنگام نیازشان سراغ ما نیایند، آیا از خودمان هم در برابر خدای مهربان و منان چنین انتظاری داریم؟!

البته نمی‌خواهیم خداوند را - العیاذ بالله - با انسان مقایسه کنیم، ولی سخن در این است که چرا چیزی را که در مورد خودمان نمی‌پسندیم، در حق پروردگار متعال روا می‌داریم؟!

از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نقل شده که فرمودند:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ: الدُّعَاءُ بَعْدَ مَا يَنْزِلُ الْبَلَاءُ لَا يُتَّفَعُ [بِهِ].<sup>۱</sup>

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام مکرر می فرمودند: دعا پس از رسیدن بلا فایده ندارد.

آری، اگر خدای متعال بخواهد طبق وعیدهایش با انسان‌ها رفتار کند، دعای کسی را که اهل دعا نیست و پیش از نزول بلا دعا نمی‌کند، مستجاب نمی‌فرماید. البته این حدیث شریف هیچ منافاتی با احادیثی که فایده دعا را در رفع بلا - پس از نزول آن - بیان می‌کنند (و در فصل دوم نقل شد) ندارد. در واقع اگر خدای متعال بخواهد طبق وعید خود - مبنی بر اینکه اگر کسی اهل دعا نباشد، دعایش در هنگام نزول بلا مستجاب نمی‌شود - عمل کند، نباید پاسخی به غیر اهل دعا بدهد، اما از باب فضل و منت و لطفی که به بندگانش دارد، اگر هم اهل دعای زیاد نباشند، باز هم ممکن است آنان را اجابت فرماید. این چیزی جز گرم و جود خدای متعال نیست و اگر از روی عدل، خلاف آن عمل نماید، حقی از کسی ضایع نکرده است.

باز هم توصیه دیگری از امام صادق علیه السلام بشنویم که فرمودند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فِي الشَّدَّةِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ.<sup>۲</sup>

هر کس خوشحال می‌شود از اینکه دعایش در حال سختی مستجاب شود، باید در حال آسایش و راحتی زیاد دعا کند.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب التَّقَدُّمِ فِي الدُّعَاءِ، ح ۶.

۲. همان، ح ۴.

راه متعارف و معمول برای آنکه انسان در سختی‌ها دعایش مستجاب شود، این است که در حال راحتی و آسایش زیاد دعا کند. البته همین وعده شیرین و گوارا نیز چیزی جز فضل و منت خدای مهربان نیست. اگر چنین وعده‌ای نبود، برای اهل دعا هم چنین انتظاری وجود نداشت.

### درس شانزدهم: شرایط اجابت (۴)

در دروس گذشته چهار شرط مهم برای اجابت دعا که فرد دعا کننده، باید آنها را دارا باشد، بیان شد. این شرایط اوصافی هستند که اگر کسی به طور کلی - نه تنها در هنگام دعا کردن - متصف به آنها باشد، مشمول وعده اجابت دعا از جانب پروردگارش قرار می‌گیرد. در کنار این چهار شرط، دو شرط مهم دیگر وجود دارد که مربوط به حال دعا کردن شخص می‌شود. در واقع اینها اوصافی هستند که دعای انسان باید به آنها متصف باشد تا مشمول وعده استجابت خداوند قرار بگیرد. ما برای تکمیل بحث این دو شرط را نیز تحت عنوان شرایط دعا در این درس توضیح می‌دهیم.

#### شرط اول دعا: اقبال قلبی

اولین شرط دعایی که وعده اجابت آن داده شده، این است که دعا کننده در هنگام دعا کردن قلباً متوجه خداوند و دعا به درگاه او باشد. در این صورت است که می‌تواند یقین به اجابت دعای خود پیدا کند.



حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بِظَهْرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ  
فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَقِنْ بِالْإِجَابَةِ.<sup>۱</sup>

همانا خدای عز و جل دعایی را که برخاسته از دل غافل و بی توجه باشد، مستجاب نمی کند. بنابراین در وقت دعا کردن، با دل خود رو بیاور، آنگاه یقین به اجابت (دعا) داشته باش.

روح دعا - چنانکه در ابتدای فصل گذشته بیان شد - چیزی نیست جز اظهار کوچکی و خضوع در برابر عظمت پیکران الهی و گدایی کردن از بی نیاز مطلق. حقیقت این خضوع و گدایی یک امر قلبی است و آنچه به زبان دعا کننده جاری می شود، چیزی جز اعلام و اظهار آن حقیقت به زبان نمی باشد. بنابراین اگر برای دعا، جسمی و روحی قائل شویم، جسم آن الفاظی است که به زبان می آوریم و روح آن هم عبارت است از توجه قلبی به ساحت قدس ربوبی.

کلمه «توجه» از «وجه» به معنای روی و صورت گرفته شده و به معنای روی کردن به یک چیز است. این رو نمودن گاهی به ظاهر و لفظ است و گاهی هم به باطن و قلب. به تعبیر دیگر گاهی روی صورت و لفظ انسان با کسی است و گاهی روی دل و باطن انسان به او می باشد. ممکن است انسان کسی را با الفاظ و کلماتی بخواند و با بدن و صورت خود هم به او رو نماید، اما دلش متوجه او نباشد و با قلب خود به او روی نکرده باشد. در اینجا می توان گفت که حقیقتاً به شخصی که او را می خواند، توجه ندارد و صرفاً الفاظی را لقلقهٔ زبانش قرار داده است.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاقبال علی الدعاء، ح ۱.

اصل و واقعیت توجّه، توجّه قلبی است و وقتی قلب به چیزی رو کند، همه وجود انسان به آن رو کرده است. این همان حقیقتی است که از آن به اقبال قلبی تعبیر می‌کنیم.

با این توضیحات روشن می‌شود که اگر در دعا خواندن، اقبال قلبی وجود نداشته باشد، دعا فاقد روح و معنای خود است و به یک معنا می‌توانیم بگوییم که شخص در حقیقت دعا نکرده است. آری، «دعا خواندن» - به معنای جاری کردن الفاظ دعا به زبان - غیر از «دعا کردن» - یعنی خواندن خدا با توجّه و اقبال قلبی - می‌باشد. آنچه عبادت و افضل عبادات دانسته شده دومی است نه اولی.

بنابراین کسی که صرفاً با لفظ و به زبان خداوند را می‌خواند و قلبش متوجّه دعایش نیست، مانند کسی است که دیگری را صدا می‌زند و از او به زبان کمک می‌طلبد، اما دلش متوجّه او نیست و قلبش زبان او را همراهی نمی‌کند.

از طرفی خدای متعال تنها به ظاهر و لفظ نظر نمی‌فرماید، بلکه به دل‌های انسان‌ها توجّه می‌فرماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ ... وَ أَقْوَالِكُمْ  
وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ ....<sup>۱</sup>

خدای متعال به ظواهر شما و سخنانتان نگاه نمی‌کند بلکه به دل‌های شما نگاه می‌فرماید.

بر این اساس کسی که در هنگام دعا قلبش متوجّه خدایش نیست، مورد عنایت او قرار نمی‌گیرد و لذا نمی‌تواند امید به اجابت دعایش

داشته باشد. اما اگر اقبال قلبی دارد، باید یقین به اجابت داشته باشد،  
**(اسْتَيْقِنُ بِالْإِجَابَةِ).**

امید به اجابت و ناامیدی از آن در کیفیت دعا کردن انسان کاملاً مؤثر است. کسی که امید چندانی به اجابت دعایش ندارد، شور و حال و توجه لازم را هم در حال دعا از دست می‌دهد. بر عکس، هرچه امید انسان به اجابت بیشتر شود، با حال بهتری دست به دعا بر می‌دارد. با اعتماد به فرمایش امام صادق علیه السلام - که بودن اقبال قلبی را مقدمه یقین کردن به اجابت دعا دانسته‌اند - می‌توان با توجه قلبی داشتن به درگاه الهی امید به استجاب دعا را تا مرز یقین به آن بالا برد. آن حضرت در کلام دیگری چنین فرموده‌اند:

**إِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ وَ ظَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ.<sup>۱</sup>**

هرگاه دعا می‌کنی، با دل خود (به خداوند) رو کن و یقین کن که نیازت دم در است.

«ظن» به معنای گمان به کار می‌رود و گاهی هم به معنای یقین است.<sup>۲</sup> در اینجا به قرینه حدیث قبلی که فرموده بودند: «اسْتَيْقِنُ بِالْإِجَابَةِ» می‌توان فهمید که ظن به معنای یقین به کار رفته است. لذا در ترجمه چنین آوردیم که: یقین کن نیازت دم در است. دم در بودن

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاقبال علی الدعاء، ح ۳.

۲. ظَنَّ الشَّيْءَ ظَنًّا؛ عَلِمَهُ بِغَيْرِ يَقِينٍ وَ قَدْ تَأْتِي بِمَعْنَى الْيَقِينِ وَ فِي التَّنْزِيلِ الْعَزِيزِ: قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ. (المعجم الوسيط، ص ۵۷۸)

در آیه شریفه روشن است که مقصود کسانی هستند که یقین به لقای الهی و مبعوث شدن در پیشگاه او دارند و نه صرفاً ظن و گمان.

حاجت کنایه از بسیار نزدیک بودن زمان برآورده شدن آن است. با اقبال قلبی در حال دعا امید به اجابت بسیار بسیار بالا می‌رود. امام صادق علیه السلام تعبیر دیگری را در همین خصوص از جدّ شریف خویش حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل فرموده‌اند:

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ<sup>۱</sup>

خدای عزّ و جلّ دعای دل غافل را نمی‌پذیرد.

«لهو» به معنای مشغولیت و سرگرمی قلبی است. کسی که خداوند را می‌خواند، اما دلش مشغول و قلبش سرگرم چیزی غیر خدا و آنچه به زبان می‌آورد باشد، دعایش فاقد روح عبادت - حضور قلب - است و بنابراین عملش در درگاه الهی پذیرفته نیست. چنین عملی از طرف خداوند پاسخ ندارد و لذا دعای بدون حضور قلب، مشمول وعده اجابت قرار نمی‌گیرد.

شرط دوم دعا: رقت قلب

دومین شرطی که برای اجابت دعا ذکر شده، این است که شخص در حال دعا دارای دلی نرم باشد و به عبارت دیگر با حال قساوت قلب دعا نکند. به فرمایش امام صادق علیه السلام دعا از روی قساوت قلب مستجاب نمی‌گردد:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بِظَهْرِ قَلْبٍ قَاسٍ<sup>۲</sup>

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاقبال علی الدعاء، ح ۲.

۲. همان، ح ۴.

همانا خدای عزّ و جلّ دعایی را که برخاسته از دل سخت باشد، مستجاب نمی‌فرماید.

قساوت به معنای سختی و عدم انعطاف است. قسّ القلب به کسی گفته می‌شود که دلسوزی و شفقت در وجودش نیست و دلش به رحم نمی‌آید. نقطهٔ مقابل این حالت، رقت قلب می‌باشد که به معنای دل‌رحمی و دل‌نرمی است. قلب هر انسانی می‌تواند حالات مختلف داشته باشد، گاهی سخت و گاهی هم نرم باشد. قساوت و رقت قلب دو حالت ضدّ یکدیگرند که هر کدام ممکن است عارض قلب انسان شوند. نشانهٔ قساوت قلب، بی‌رحمی و سنگدلی است و علامت رقت قلب، دل‌نازکی و دلسوزی می‌باشد.

هر کدام از این دو حالت که غلبهٔ بیشتری بر دل و جان انسان داشته باشد، شخصیت روحی و روانی او را به همان صورت در می‌آورد. اگر قساوت قلب بر کسی غالب باشد، از او یک فرد سنگدل و بی‌رحم می‌سازد و اگر رقت قلب بر او حاکم و مسلط گردد، یک شخص دلسوز و دل‌رحم ساخته می‌شود. اما در هر دو حالت، قلب آدمی می‌تواند تحت تأثیر ضدّ آن حال قرار گیرد. هم انسان سنگدل ممکن است در موردی دلش به رحم آید و رقت قلب پیدا کند و هم فرد دل‌نازک می‌تواند در شرایط خاصی قسّ القلب شود. به همین جهت است که می‌توان گفت قلب انسان همواره در حال انقلاب و زیر و رو شدن است و هیچگاه حالت ثابت و پایداری ندارد.

یک بار یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام بنام «حُمران ابن اعین» وقتی می‌خواست از خدمت ایشان مرخص شود، عرض کرد:

مطلبی را به عرض شما برسانم - خداوند وجود شما را مدت‌های طولانی برای ما نگه دارد و ما را به وجودتان بهره‌مند سازد - ما هرگاه خدمتتان می‌رسیم، از نزد شما بیرون نمی‌رویم مگر اینکه دل‌هایمان نرم شده، از دنیا کنده می‌شود و ... اما وقتی نزد مردم و تجار می‌رویم، به دنیا علاقمند می‌شویم.

حضرت در پاسخ فرمودند:

إِنَّمَا هِيَ الْقُلُوبُ مَرَّةً تَصْعَبُ وَ مَرَّةً تَسْهَلُ.<sup>۱</sup>

این چیزی جز دل‌ها نیست که گاهی سخت و گاهی نرم می‌شود. آری، قلب هرکس، گاهی سخت و گاهی نرم می‌شود و طبق سفارش رسول گرامی اسلام ﷺ در هنگام رقت قلب باید فرصت را برای دعا کردن مغتنم شمرد. فرمودند:

اِغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ الرَّقَّةِ فَإِنَّهَا رَحْمَةٌ.<sup>۲</sup>

در هنگام رقت (قلب) دعا کردن را مغتنم شمارید چون حالت رقت رحمتی (از جانب خدا) است.

وقتی قلب انسان حالت رقت و نرمی دارد، مشمول رحمت الهی قرار گرفته و به همین جهت دعا در آن حال مستجاب است. برعکس، قسّی القلب از رحمت الهی دور است. به همین جهت دعایش اجابت نمی‌شود. در حدیث قدسی خدای متعال به حضرت موسی عليه السلام خطاب فرموده است:

۱. اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب فی تنقل احوال القلب، ح ۱.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۳، ح ۱۷، به نقل از الدعوات راوندی.

يَا مُوسَى ... الْقَاسِي الْقَلْبِ مِنِّي بَعِيدٌ.<sup>۱</sup>

ای موسی ... فرد سنگدل از (رحمت) من دور است.

با این بیان سرّ عدم استجابت دعا در حال قساوت قلب روشن می‌شود. سفارش امام صادق علیه السلام نیز در این خصوص شنیدنی است. فرمودند:

إِذَا رَقَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَدْعُ فَإِنَّ الْقَلْبَ لَا يَرِقُّ حَتَّى يَخْلُصَ.<sup>۲</sup>

هرگاه (دل) یکی از شما نرم شد، دعا کند زیرا دل تا خالص نگردد، نرم نمی‌شود.

نرم شدن دل نشانه خلوص آن است. مراد از خلوص، صفای دل و پاک شدن آن از اموری همچون نیرنگ، حسد، حرص و هر گناه دیگر می‌باشد. وقتی قلب انسان از این آلودگی‌ها پاک شود، بیشتر در معرض نزول رحمت الهی قرار می‌گیرد و به همین جهت است که فرموده‌اند در آن حال دعا کند. پس در مجموع از احادیث ائمه علیهم السلام می‌توان نتیجه گرفت که وعده اجابت دعا از ناحیه خداوند فقط به کسانی که بارقت قلب دعا می‌کنند، داده شده است و دعا با حالت قساوت قلب مشمول این وعده نمی‌باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۹۸، ح ۳، به نقل از کافی.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاوقات و الحالات ...، ح ۵.

### پرسش‌های مفهومی از درس ۱۳ تا ۱۶

- ۱- معنای مشروط بودن اجابت دعا چیست؟
- ۲- مالک دانستن خداوند در نفع و ضرر به چه معناست؟
- ۳- چگونه ممکن است مال حرام در زندگی انسان راه پیدا کند؟
- ۴- منظور از تقدّم در دعا چیست؟
- ۵- اقسام شرایط دعا را همراه با موارد آن ذکر کنید.



## درس هفدهم: موانع اجابت (۱)

تا اینجا مهم‌ترین شرایط اجابت دعا را برشمردیم. اکنون باید به مهم‌ترین موانع آن هم اشاره‌ای داشته باشیم.

### اولین مانع اجابت: پاک نبودن دل

اولین مانعی که بر سر راه اجابت دعا وجود دارد، پاک نبودن دل انسان از آلودگی‌های روحی و معنوی است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: یکی از بنی اسرائیل سه سال از خدا می‌خواست که به او فرزند پسری عطا فرماید. وقتی دید که خداوند او را اجابت نمی‌کند، عرض کرد: ای پروردگار من! آیا من از تو دور هستم که صدایم را نمی‌شنوی؟ یا تو به من نزدیک هستی، پس چرا جوابم نمی‌دهی؟

حضرت فرمودند:

کسی را در خواب دید که به او گفت:

إِنَّكَ تَدْعُو اللَّهَ مِنْدُ ثَلَاثِ سِنِينَ بِلِسَانِ بَدِيٍّ وَ قَلْبِ غَائِبٍ غَيْرِ

نَقِيٍّ وَ نِيَّةٍ غَيْرِ صَادِقَةٍ فَاقْلَعْ عَنْ بَدَائِكَ وَلِيَتَّقِ اللهُ قَلْبَكَ  
وَلتَحْسُنْ نِيَّتَكَ.

تو سه سال است که خداوند را می‌خوانی با زبان بدگو و دل  
بی‌رحم و ناپاک و نیت نادرست. پس (اگر می‌خواهی دعایت  
مستجاب شود) بد زبانت را کنار بگذار و قلبت تقوای الهی پیشه  
سازد و نیتت نیکو گردد.

امام علی علیه السلام اضافه فرمودند:

آن مرد به این سفارش‌ها عمل نمود، سپس به درگاه خداوند دعا  
کرد و پسری برای او به دنیا آمد.

خواندن خداوند با زبان آلوده به سخنان زشت و قلب ناپاک و با  
نیت نادرست از بزرگ‌ترین موانع استجاب دعا به شمار می‌آید. بد  
زبانی امری ظاهری و ناپاکی دل امری باطنی است و این دو به یکدیگر  
مربوط هستند. دل انسان وقتی به افکار باطل و خیالات حرام گرفتار  
باشد، آلوده و ناپاک می‌گردد. پاکی دل مشروط و منوط به پاکی چشم و  
گوش و زبان و دست و پا است، بدون تطهیر این اعضا، دل پاک نمی‌شود.  
همچنین نیت درست شرط استجاب دعا است.

ممکن است کسی دعای خوبی بکند (مثلاً از خدا فرزند پسر  
بخواهد) اما در دعایش نیت صحیح نداشته باشد. مثلاً فرزند پسر را  
بخواهد برای اینکه او را در مسیر باطلی تربیت کند. همه اینها موانع  
استجاب دعا به شمار می‌آیند.

برای اینکه دعای انسان مشمول وعده اجابت قرار گیرد، باید همه

این موانع بر طرف گردد و قلب پاک شود. پاکی دل منشأ همه خیرات و برکات معنوی است و آنچه بیش از هر عامل دیگری ناپاکی‌ها را از دل می‌زداید، «خوف» از خداوند متعال است. مطابق احادیث ائمه علیهم‌السلام چیزی جز خوف، انسان مؤمن را به صلاح و نیکی در نمی‌آورد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

الْمُؤْمِنُ ... لَا يُضْلِحُهُ إِلَّا الْخَوْفُ.<sup>۱</sup>

چیزی به جز خوف (ترس) مؤمن را به صلاح نمی‌آورد.

اثری که «خوف» بر قلب انسان با ایمان می‌گذارد، از هر امر دیگری عمیق‌تر و سازنده‌تر است.<sup>۲</sup> البته نشانه خوف تنها گریستن و جاری شدن اشک انسان نیست، بلکه اصل آن «ورع» و تقوایی است که او را از ارتکاب گناهان باز دارد. آقا و سرور عبادت‌کنندگان حضرت علی بن الحسین علیهما‌السلام فرمودند:

لَيْسَ الْخَوْفُ خَوْفَ مَنْ بَكَى وَ جَرَتْ دُمُوعُهُ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ  
وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَ إِنَّمَا ذَلِكَ خَوْفٌ كَاذِبٌ.<sup>۳</sup>

مقصود از «خوف» ترس آنکه می‌گرید و اشک‌هایش جاری می‌شود، نیست؛ اگر ورعی نداشته باشد که او را از ارتکاب گناهان باز دارد. و این حالت (گریه و اشک بدون ورع) ترس دروغین است.

نشانه خوف از عدل خداوند این است که انسان از آنچه موجبات

۱. اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الخوف و الرجاء، ح ۱۲.

۲. در مورد اثر سازنده خوف در درس چهارم از حلقه یازدهم سخن گفتیم.

۳. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۳۵، ح ۲۵، به نقل از عده الذاعی.

عقوبت او را فراهم می‌آورد، پرهیزد. بنابراین اهل خوف کسانی هستند که نسبت به گناهان حالت ورع و پرهیز دارند. اگر ورع در انسان باشد، اصل و ریشه خوف وجود دارد. البته این حالت معمولاً انسان را به گریه و اشک می‌آورد، اما صرف گریه نشانه وجود خوف راستین نیست. ممکن است کسی اهل گریه باشد، اما اهل ورع نباشد. امام سجّاد علیه السلام گریه بدون ورع را «خوف کاذب» نامیده‌اند.

در توضیح این نامگذاری امام علیه السلام می‌توان گفت که اگر فرد ناصالحی اهل گریه نباشد، خود را اهل خوف هم نمی‌داند. اما همین شخص اگر در هنگام دعای نمازش اهل گریه باشد، با اینکه ورع ندارد، خود را اهل خوف می‌پندارد؛ یعنی همین گریه و اشک او را فریب می‌دهد و تصویر باطلی از او به خودش ارائه می‌دهد!

بلی، اهل خوف واقعی، اهل گریه و اشک هم هستند، اما عکس آن صحیح نیست؛ یعنی هر کس اهل گریه باشد، لزوماً اهل خوف واقعی نیست. خوف کاذب به حالتی از انسان گفته می‌شود که فقط یکی از نشانه‌های خوف واقعی - یعنی گریه و اشک - را دارد، اما به دلیل نبودن ورع، حقیقت خوف و سایر نشانه‌های آن را ندارد.

نتیجه اینکه گریه و اشک ناشی از خوف خوب است، به شرط آنکه همراه با ورع و تقوای الهی باشد و گرنه، موجب فریب انسان می‌گردد. پس با حفظ خوف قلبی و گریه و اشکی که از آن ناشی می‌شود، باید کوشید بیش از هر چیز ورع را محقق نمود. در این صورت است که موجبات پاکی دل فراهم می‌آید و مهم‌ترین مانع اجابت دعا از بین می‌رود.

## دومین مانع اجابت: حقّ الناس

یکی دیگر از موانع اجابت دعا، بودن حقّ الناس بر عهده دعا کننده است. این حق ممکن است مالی یا غیر مالی باشد؛ مثلاً اگر با کار یا سخن خود آبروی مؤمنی را برده باشد، حقّی از او ضایع نموده است. هر کس از دیگران تضییع حقّی کرده باشد، به آنان مدیون است. این حق ضایع شده «مَظْلَمَه» نامیده می شود که یکی از موانع استجابت دعا شمرده شده است. امیر المؤمنین علیه السلام از قول حضرت عیسی بن مریم علیها السلام نقل فرموده اند که خداوند متعال به ایشان چنین وحی فرمود:

إِنِّي غَيْرُ مُسْتَجِيبٍ لِأَحَدٍ مِنْكُمْ دَعْوَةً وَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي قَبْلَهُ  
مَظْلَمَةً.<sup>۱</sup>

من دعای هیچ یک از شما را اگر حقّی از دیگران بر عهده اش باشد، مستجاب نمی کنم.

گاهی انسان بر اجابت دعایی به پیشگاه الهی اصرار زیاد می کند و به گمان خود تمام شرایط اجابت را هم فراهم نموده است، اما اثری از اجابت دعا نمی بیند. یکی از موانع جدّی در این امر، حق یا حقوقی است که از دیگران بر عهده او می باشد و چه بسا سال های سال از آن گذشته و او آن را فراموش کرده باشد. در این صورت باید به جبران و ادای آن حق و «مظلّمه» اقدام کند تا مانع اجابت رفع گردد.

تأثیر این مانع در مسیر اجابت دعا چنان است که می تواند حتّی مانع استجابت دعای مظلوم شود، در حالی که دعای مظلوم از دعاهایی است

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۹، ح ۲۷، به نقل از فلاح السائل.

که خداوند وعده اجابت آن را عطا فرموده است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أُجِيبُ دَعْوَةَ  
مَظْلُومٍ ظَلَمَهَا وَ لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِثْلُ تِلْكَ الْمَظْلَمَةِ.<sup>۱</sup>

خدای متعال می فرماید: قسم به عزت و جلالم، دعای مظلوم را در مورد ظلمی که به او رفته است - اگر خود همان ظلم را به دیگری کرده باشد - مستجاب نمی کنم.

اگر کسی مورد ظلم و ستم دیگری واقع شود، مثلاً به اموال و دارایی اش تجاوز شده یا آبروی او را به ناحق برده باشند، در این صورت خداوند دعای آن مظلوم را در مورد ظلمی که به او شده، مستجاب می فرماید. این دعا ممکن است نفرینی در حق ظالم باشد یا درخواست رفع ظلم از خود مظلوم. اما اگر این مظلوم، ظلمی نظیر آنچه در حقیقتش روا شده، به دیگری کرده باشد، همین امر مانع استجابت دعایش در مورد ظلم به خود می شود. مثلاً کسی که آبرویش به ناحق توسط دیگری رفته است، اگر خود، آبروی دیگران را به ناحق برده باشد، هیچ یک از دعاهايش در خصوص حقی که از او ضایع شده، مستجاب نمی شود.

این امر نتیجه عدل الهی است که گریبان ظالم را می گیرد و در واقع یکی از عقوبت های ظلمی می باشد که به دیگری روا داشته است.

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۰، ح ۳۰، به نقل از فلاح السائل.

## سومین مانع اجابت: گناه

از مهم‌ترین موانع استجابت دعا گناه است که تأثیر بسزایی در این خصوص دارد. از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمودند:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِ اللَّهِ تَعَالَى قَضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ بَطِيئٍ فَيُذْنِبُ الْعَبْدُ عِنْدَ ذَلِكَ الْوَقْتِ ذَنْبًا فَيَقُولُ لِلْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِحَاجَتِهِ لَا تُنْجِزْهَا لَهُ فَإِنَّهُ قَدْ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي اسْتَوْجَبَ الْحِرْمَانَ مِنِّي.<sup>۱</sup>

همانا بنده رفع یکی از نیازهای دنیوی خود را از خداوند درخواست می‌نماید. پس خدای متعال کار برآوردن آن را - در آینده نزدیک یا با اندکی تأخیر - به جریان می‌اندازد. در همین اثنا بنده گناهی مرتکب می‌شود. پس (خداوند) به فرشته‌ای که برای برآوردن نیاز آن بندگماشته شده می‌فرماید: خواسته‌اش را برآورده نکنید، زیرا او (با انجام گناه) خود را در معرض ناخشنودی من قرار داده از جانب من مستحق محرومیت گردیده است.

آری، گناه مسیر اجابت دعا را منحرف می‌کند و جریان آن را مسدود می‌سازد. کسی که امید به اجابت دعایش دارد، باید پیش از دعا و پس از آن از ارتکاب عملی که موجب ناخشنودی خداوند از او می‌گردد، اجتناب کند. لذا اگر به انجام گناهی عادت دارد و در مسیر معصیت قدم بر می‌دارد، هر قدر اصرار و پافشاری نماید،

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۶، ح ۱۶، به نقل از عدّة الداعی.

باز هم مستحق رحمت الهی و استجابت دعا نمی‌شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

حضرت موسی علیه السلام از کنار یکی از یارانش گذشت که در حال سجده (مشغول دعا) بود و پس از انجام کارش از همان مسیر بازگشت و آن شخص همچنان در حال سجده بود. به او گفت: اگر رفع نیاز تو به دست من بود، حتماً برآورده می‌کردم. اینجا بود که خداوند به او (موسی علیه السلام) وحی فرمود:

لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلْتُهُ أَوْ يَتَحَوَّلَ عَمَّا أَكْرَهُ إِلَى مَا أَحَبُّ ۱

اگر آنقدر سجده کند که گردنش قطع شود، من او را نمی‌پذیرم مگر اینکه از آنچه نمی‌پسندم، خارج شود و به آن صورتی که دوست دارم، درآید.

هر انسانی وضعیتی خودش را بهتر از دیگران می‌داند. ممکن است نزدیکان او از باطنش خبر نداشته باشند و او را آدم بسیار خوب و پاکی بدانند، اما خودش می‌داند که چگونه انسانی است. خدای متعال چون ستار العیوب است، آبروی انسان را حتی گاهی در نزد پیامبر خود حفظ می‌فرماید. ولی این مستور ماندن نباید مانع استغفار و رفع عامل محرومیت او از لطف الهی گردد. در مورد دیگری شبیه این، چنین نقل شده است:

حضرت موسی علیه السلام از کنار مردی گذشت که در حال گریستن بود. سپس برگشت و او همچنان گریه می‌کرد. به خدای متعال

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۱، ح ۱۱، به نقل از عذة الداعی.



عرضه داشت: بارالها بندهات از خوف تو گریه می‌کند. (خداوند در پاسخ) فرمود:

يا مُوسَى لَوْ نَزَلَ دِمَاغُهُ مَعَ دُمُوعِ عَيْنَيْهِ لَمْ أَغْفِرْ لَهُ وَ هُوَ يُحِبُّ  
الدُّنْيَا.<sup>۱</sup>

ای موسی اگر مغز سرش همراه اشک‌های چشمانش بیرون آید، من او را - مادام که دنیا را دوست دارد - نمی‌آمرزم. آری دوست داشتن دنیا (حُبِّ الدُّنْيَا) سر منشأ همه گناهان است و کسی که می‌خواهد مورد مغفرت و رحمت خداوند قرار گیرد، باید بیش از هر چیز با این علت مبارزه کند. ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند:

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ.<sup>۲</sup>

دوست داشتن دنیا رأس هر خطا و لغزشی است.

دنیا جلوه‌های مختلفی دارد و هر کس متناسب با موقعیت زندگی و ایمانی‌اش در معرض جلوه‌گری‌های مختلف آن قرار می‌گیرد. دل‌بستگی به رفاه و پول و مقام و عنوان و ... و حتی توفیقات معنوی - اگر به عجب و کبر منتهی شود - همگی از مصادیق حُبِّ دنیا هستند.

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام می‌گوید:

خدمت آن حضرت رسیدم و عرض کردم: خداوند می‌فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ».<sup>۳</sup> اما من دعا می‌کنم ولی اجابت نمی‌بینم. حضرت فرمودند: آیا معتقدی که خدای متعال خلف

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۱، ح ۱۱، به نقل از عِدَّة الدَّاعِي.

۲. اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب ذمِّ الدُّنْيَا و الزَّهْدِ فِيهَا، ح ۱۱.

۳. غافر / ۶۰.

وعده می‌کند؟ گفتم: خیر. فرمودند: پس چه؟ (چرا دعایت مستجاب نمی‌شود)، گفتم: نمی‌دانم. فرمودند: من به تو خبر می‌دهم:

أَمَا إِنَّكُمْ لَوْ أَطَعْتُمُوهُ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ ثُمَّ دَعَوْتُمُوهُ لِأَجَابِكُمْ  
وَلَكِنْ تُخَالِفُونَهُ وَتَعْصُونَهُ فَلَا يُجِيبُكُمْ<sup>۱</sup>

بدانید که شما اگر خداوند را در مورد آنچه به شما امر فرموده اطاعت می‌نمودید، سپس او را می‌خواندید، شما را اجابت می‌فرمود، اما شما با او مخالفت کرده و او را معصیت می‌کنید، پس او شما را اجابت نمی‌نماید.

روشن است که امام صادق علیه السلام یکی از موانع جدی و مؤثر اجابت دعا را گناهان دعا کننده می‌دانند. کسی که با امر الهی مخالفت می‌کند، خداوند هم پاسخ او را نمی‌دهد.

---

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۹، ح ۲۸، به نقل از فلاح السائل.

## درس هجدهم: موانع اجابت (۲)

### مانع چهارم اجابت: مخالفت با حکمت

از دیگر موانعی که برای اجابت دعا ذکر شده، این است که آنچه انسان از خدا درخواست می‌کند، مخالف با حکمت او باشد. این مطلب در فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام به این صورت تصریح شده است:

إِنَّ كَرَمَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا يَنْقُضُ حِكْمَتَهُ فَلِذَلِكَ لَا يَقَعُ (لَا تَقَعُ)  
الْإِجَابَةُ فِي كُلِّ دَعْوَةٍ<sup>۱</sup>

همانا کرم خدای سبحان حکمت او را نقض نمی‌کند و به همین دلیل هر دعایی اجابت نمی‌شود.

کارهای خداوند همیشه و برای هر کس حکیمانه است. این حکمت گاهی به صلاح و مصلحت خود دعاکننده مربوط می‌شود؛ مانند اینکه شخص در دعایش چیزی را بخواهد که اگر خدا آن را به او عطا نماید، به

---

۱. غرر الحکم، حدیث ۳۷۶۴.

ضرر دین یا دنیایش باشد. در این صورت چون خود فرد از آنچه به صلاحش است خبر ندارد، دعا می‌کند و چیزی را طلب می‌کند که به ضررش تمام می‌شود. اما خداوند حکیم - اگر بخواهد به بنده اش خیر برساند - دعای او را مستجاب نمی‌فرماید.

اما همیشه حکمت کارهای خدا به صلاح و مصلحت فرد دعاکننده مربوط نمی‌شود. در پس پرده آنچه در ظاهر دیده می‌شود، حساب و کتاب‌های فراوانی در کار است که ما انسان‌ها از نوع آنها بی‌خبر هستیم. به عنوان مثال کسانی به خاطر منافع شخصی خود از خداوند طلب باران می‌کنند به خاطر اینکه محصول زراعتشان به موقع به ثمر بنشیند. در همان زمان و مکان کسان دیگری به جهت منافع شخصی خودشان از خدا می‌خواهند که باران نیاید؛ مثلاً می‌خواهند با اتومبیل به مسافرت بروند و بارندگی مانع آن می‌گردد. هیچ‌کدام از این دو گروه جز منفعت شخصی خود چیز دیگری نمی‌بینند و حکمت کار خدا را تنها به همان نفع و ضرر شخصی مربوط می‌کنند. اما کسی که افق دانایی و علمش وسیع‌تر و فراتر از آن دو دسته است، اموری را لحاظ می‌کند که در محدوده تنگ افکار آن دو گروه نمی‌گنجد. در مثال باران اگر قرار باشد که حکمت باران آمدن یا نیامدن، صرفاً به منافع و مضار محدود اشخاص برگردد، این کار به تناقض می‌انجامد؛ چون هر طرف که دعایشان مستجاب شود، گروه دیگری روی محاسبات ظاهری خود ضرر می‌کنند و اگر خدا بخواهد که حاجت هر دو گروه را روا کند، با محال روبرو می‌شود.

اما واقعیت این است که حکمت این فعل الهی (باریدن) تنها به نفع و ضرری که افراد تصور می‌کنند، مربوط نمی‌شود و علاوه بر آنچه مردم با

علم محدود خود می‌پندارند، حساب و کتاب‌های زیاد دیگری وجود دارد. حتی می‌توان گفت هیچ دلیلی ندارد که همه این حساب‌ها فقط به عالم انسان‌ها مربوط شود. مخلوقات بسیاری در عالم هستند که شاید در محاسبات ما انسان‌ها هیچ‌گاه مد نظر نباشند؛ مانند حیوانات یا فرشتگان یا اجنه و یا حتی جمادات. معمولاً ما انسان‌ها وقتی صحبت از مطلوب بودن یا نبودن باران در زمان و مکان خاصی می‌شود، هیچ‌یک از دیگر مخلوقات - جز خودمان - را به حساب نمی‌آوریم. مثلاً هیچ‌گاه فکر نمی‌کنیم که بارش در فلان منطقه و فلان زمان برای مورچه‌ها خوب است یا بد. یا اینکه مصلحت فرشتگان الهی در چیست و یا ... این محدودیت‌های فکری تنها از محدود بودن افق علم و دانش ما انسان‌ها حکایت می‌کند و اینکه همه امور عالم هستی را صرفاً با معیارهای تنگ و منفعت طلبانه ظاهری خود محک می‌زنیم. اما حکمت خدای متعال ماورای همه این مرزهای محدود است. لذا هرچند که خداوند کریم است و به اقتضای کرمش به انسان‌ها لطف دارد، اما به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام اگر اقتضای کرم او با حکمتش در تعارض باشد، خداوند براساس حکمت عمل می‌کند و در نتیجه فرد دعا کننده به بسیاری از خواسته‌هایش - که برآورده شدن آنها مقتضای کرم الهی است - نائل نمی‌شود.

### مانع پنجم اجابت: کوتاهی در ایجاد اسباب

مانع بسیار مهم دیگر در مسیر استجابات دعا این است که دعا کننده به دعای تنها اکتفا کند و هیچ تلاشی در راه تهیه اسباب و مقدمات تحقق خواسته‌اش انجام ندهد. در دو فصل گذشته به این حقیقت اشاره

داشته‌ایم که دعای انسان باید در کنار تلاش در راه ایجاد زمینه‌ها و بسترهای عادی اجابت آن باشد و هرگز نه دعا جای کار و تلاش را می‌گیرد و نه کار و کوشش جای دعا را. در احادیث تأکید زیادی بر این امر صورت گرفته که ما نمونه‌هایی از آنها را نقل می‌کنیم. مرحوم کلینی روایات این موضوع را در بابی تحت عنوان «مَنْ لَا تُسْتَجَابُ دَعْوَتُهُ» یعنی: کسانی که دعایشان مستجاب نمی‌شود، آورده است. دومین حدیث آن به نقل از امام صادق علیه السلام چنین است:

أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: رَجُلٌ جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ:  
اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَيُقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَمُرْكَ بِالطَّلَبِ؟ ... وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ  
مَالٌ فَأَفْسَدَهُ فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَيُقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَمُرْكَ  
بِالِاِقْتِصَادِ؟ أَلَمْ أَمُرْكَ بِالِاِصْلَاحِ؟ ... وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ  
فَادَانَهُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ فَيُقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَمُرْكَ بِالشَّهَادَةِ؟<sup>۱</sup>

دعای چهار کس مستجاب نمی‌شود: فردی که در خانه‌اش نشسته (کار و تلاش نمی‌کند) می‌گوید: خدایا به من روزی برسان، پس به او (از جانب خداوند) گفته می‌شود: آیا تو را به طلب (روزی) امر نکردم؟ ... و کسی که دارایی داشته ولی آن را تباه کرده و می‌گوید: خدایا به من روزی برسان. پس (از جانب خدا) به او گفته می‌شود: آیا به تو دستور میانه روی و اعتدال ندادم؟ آیا تو را امر نکردم که اموال خود را در راه صحیح خرج کنی؟ ... و شخصی که دارایی داشته ولی آن را بدون اینکه شاهد بگیرد، به دیگری قرض داده است. به چنین شخص (از جانب

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من لا تُستجاب دعوته، ح ۲.

خداوند) گفته می‌شود: آیا به تو دستور ندادم که (در هنگام قرض دادن) شاهد بگیری؟

امام صادق علیه السلام در چهار مورد فرموده‌اند که خدا وعده استجابت دعا به ایشان نداده است. سه مورد آن را در اینجا نقل کردیم. وجه مشترک این موارد آن است که در کنار دعا، در انجام آن وظیفه‌ای که شرعاً و عقلاً بر عهده داشته‌اند، کوتاهی کرده، آنگاه از خداوند انتظار دارند که به آنها رسیدگی فرماید. اگر کسی در راه طلب روزی تلاش نکند و آنگاه از خدا روزی بخواهد، در انجام وظیفه شرعی خویش کوتاهی نموده است. همچنین اگر خداوند مالی به انسان داده، حق ندارد که در مصرف آن اسراف کند و آن را در راه‌های نادرست خرج نماید. اگر چنین کند، دیگر نباید انتظار داشته باشد که دعایش برای طلب روزی مستجاب شود. در مورد سوم نیز وظیفه مستحبی انسان هنگام قرض دادن این است که برای این کار شاهد و گواه بگیرد، اما اگر چنین نکرد و آنگاه بدهکار بدهی خود را انکار کرد، دیگر نباید از خداوند انتظار دستگیری داشته باشد؛ چون خدای متعال شاهد گرفتن را وظیفه او - هر چند به صورت استحبابی - قرار داده بود تا جلوی چنین مسائلی گرفته شود. حال که او در انجام این وظیفه کوتاهی نموده، خودش مسؤول است و خداوند در این موارد وعده‌ای برای اجابت دعا نفرموده است.

از این حدیث شریف می‌توان نتیجه گرفت که خداوند وعده استجابت دعا را تنها به کسانی داده که در انجام صحیح و به موقع وظایف خود کوتاهی نمی‌کنند. در مقابل کسانی که چنین کنند، مشمول وعده الهی واقع نمی‌شوند.

در حدیث دیگری « کَلِّبْ صِیْدَاوِی » می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: برای روزی من به پیشگاه خداوند دعا بفرمایید، چون کارهایم بر من سخت و دشوار شده است. ایشان فوراً به من پاسخ دادند:

لَا، أَخْرُجَ فَاطْلُبْ.<sup>۱</sup>

خیر (دعا نمی‌کنم) برو طلب (روزی) کن.

امام علیه السلام که می‌دانستند این شخص به جای کار کردن در طلب روزی برای التماس دعا نزد ایشان آمده، به او صریحاً فرمودند که دعا نمی‌کنند و سپس وظیفه او را کار و تلاش برای طلب روزی دانستند. این عمل حضرت به معنای بی‌فایده دانستن دعا نیست، بلکه چون در این مورد خاص، آن فرد می‌خواست دعای حضرت را به جای طلب روزی بنشانند، چنین برخوردی با او انجام دادند. شاهد این مطلب احادیث دیگری است که در کنار تأکید بر طلب روزی تشویق به دعا کرده‌اند.

مانع ششم اجابت: ترک امر به معروف و نهی از منکر

عامل دیگری که به عنوان مانع اجابت دعا مطرح شده، ترک کردن امر به معروف و نهی از منکر است. به صریح روایات این گناه باعث می‌شود که دعای نیکان و اخیار نیز به هدف اجابت نرسد. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند:

لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَيْنَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْلَطَنَّ اللَّهُ شِرَارَكُمْ



### عَلَىٰ خِيَارِكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.<sup>۱</sup>

شما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند بدهای شما را بر خوبانتان مسلط می‌گرداند، آن وقت نیکان شما دعا می‌کنند اما مستجاب نمی‌شود.

خوبان کسانی هستند که خودشان اهل گناه و معصیت نیستند، اما اگر با امر به معروف و نهی از منکر، بدها را به راه نیاورند یا حداقل وظیفه شرعی خود را نسبت به آنان انجام ندهند، مستحق وعید الهی می‌گردند. وعید خداوند این است که دعای ایشان به پیشگاه خداوند اجابت نمی‌شود. این دعا ممکن است در حق خودشان یا برای افراد گناهکار باشد؛ هیچ‌کدام مستجاب نمی‌گردد. پس ممکن است دعای افراد خوب برای خودشان به خاطر کوتاهی کردن ایشان در انجام وظیفه در قبال دیگران، به هدف اجابت نرسد. بنابراین هر چند که ترک امر به معروف و نهی از منکر خود گناه محسوب می‌شود و هر گناهی ممکن است مانع اجابت دعا شود، ولی این گناه خاص تأثیر ویژه‌ای در عدم استجاب دعا دارد و به همین جهت به طور خاص بر این تأثیر تأکید شده است.

### مانع هفتم اجابت: اهل شراب یا آلات موسیقی یا قمار بودن

از دیگر موانع اجابت دعا این است که دعاکننده با آلات موسیقی یا آلات قمار سر و کار داشته باشد. این‌گونه ادوات که به همه آنها تحت عنوان «آلات لهو» اشاره می‌شود، به قدری مبعوض خدای متعال هستند

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۸، ح ۲۱، به نقل از فلاح السائل.

که وجود آنها در یک خانه، اهل آن را از همه برکات الهی محروم می‌سازد و مانع فرود آمدن فرشتگان الهی به آنجا می‌گردد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ خَمْرٌ أَوْ دَفٌّ أَوْ طُنْبُورٌ أَوْ نَرْدٌ وَلَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ وَ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْبَرَكَةَ.<sup>۱</sup>

فرشتگان به خانه‌ای که در آن شراب یا دایره زنگی یا سه تار یا نرد باشد، وارد نمی‌شوند و دعای آنها به اجابت نمی‌رسد و خداوند برکت را از آنان بر می‌دارد.

در این حدیث شریف به چند چیز که به شدت نزد خدا پلید و خبیث شمرده می‌شوند، اشاره شده است. یکی شراب است و دیگری برخی از آلاتی که برای ساخت موسیقی به کار می‌رود و سوم یکی از آلات قمار که با آن نرد بازی می‌کنند. وجود یکی از این سه چیز در هر خانه‌ای، رحمت الهی را از آن دور می‌سازد و مانع اجابت دعای کسانی می‌شود که اهل یکی از این امور باشند.

### مانع شدن از اجابت در فرض عدل الهی

در پایان بحث از موانع اجابت دعا باید به نکته‌ای شبیه آنچه در بحث از شرایط اجابت طرح شد، اشاره کنیم. در آنجا گفته شد که شروط استجاب دعا اموری هستند که اگر دعایی واجد آنها باشد، طبق وعده‌های خداوند به هدف اجابت می‌رسد. به تعبیر دیگر فراهم بودن این شرایط به خاطر وعده‌های الهی نوعی استحقاق اجابت را برای فرد

دعاکننده ایجاد می‌کند. اما در عین حال نمی‌توان گفت که اگر دعایی یکی از این شروط را نداشته باشد، قطعاً مستجاب نمی‌گردد؛ چون اگر خداوند بر اساس فضل خود رفتار نماید، دعای بدون آن شرایط را هم ممکن است اجابت نماید.

در بحث از موانع اجابت هم، نظیر این معنا صادق است. در اینجا هم باید گفت آن احادیثی که به این موضوع اشاره دارند، در حقیقت بیان‌کننده و وعیدهای خداوند هستند.

و عید الهی به این معناست که اگر انسان در موردی مرتکب خطایی شد، استحقاق اینکه دعایش مستجاب نشود را پیدا می‌کند. بنابراین اگر در این حالت دعایش مستجاب نگردد، ظلمی به او صورت نگرفته است. مثلاً کسی که دل ناپاکی دارد، طبق وعید خداوند، مستحق این است که دعایش مردود شود. بنابراین اجابت نشدن دعای او از جانب خداوند ظلمی در حق او نیست.

نکته مهم در اینجا این است که این حالت در فرضی است که خدای متعال بخواهد با عدل خود رفتار نماید. مقتضای عدل الهی این است که دعای برخاسته از دل ناپاک مستجاب نشود. اما عمل کردن بر طبق عدل بر خداوند فرض و واجب نیست. ممکن است با وجود استحقاق شخص نسبت به عدم اجابت دعا، خداوند از روی فضل و کرم خویش، مانع یا موانع اجابت را نادیده بگیرد و دعای او را مستجاب فرماید. در این حالت خداوند به فضل خود رفتار نموده و از عقوبت دعاکننده چشم‌پوشی و گذشت کرده است.

البته این امر در شش مورد از موانع اجابت صدق می‌کند و در

خصوصاً مانع چهارم - مخالفت با حکمت الهی - چشم پوشی و گذشت معنا ندارد. مورد چهارم این بود که کرم خداوند، حکمت او را نقض نمی‌کند. بنابراین اعمال فضل الهی در جایی که خلاف و مناقض با حکمت اوست، مورد ندارد. اما در غیر این مورد - چنانکه گفتیم - ممکن است با وجود یک یا چند مانع اجابت، خدای متعال برخلاف عدل خود رفتار نموده، دعای فرد خطاکار را براساس فضل و کرم خویش مستجاب فرماید.

نتیجه اینکه مانع شدن هر یک از موانع اجابت دعا - غیر از مورد چهارم که به کوتاهی کردن خود فرد مربوط نمی‌شود - ضروری و قطعی نیست و بستگی دارد به اینکه خداوند بخواهد با عدل خود یا بنده‌اش رفتار کند یا با فضل. مانع شدن آن عوامل فقط در فرضی است که عدل الهی اجرا شود.

## درس نوزدهم: اجابت شوندهگان (۱)

آخرین مطلبی که در بحث از اجابت دعا باید مورد توجه قرار گیرد، وعده خاصی است که از جانب خداوند به برخی افراد به صورت مطلق یا در حالات خاصی برای اجابت دعای ایشان داده شده است. تعداد مهم‌ترین این موارد به پانزده عدد می‌رسد که در این درس و درس آینده به آنها اشاره می‌کنیم:

### ۱ - دعا یا نفرین پدر در حق فرزند

اولین موردی که مشمول وعده اجابت دعا به طور خاص قرار گرفته، دعا یا نفرین پدر در حق فرزندش است؛ دعای پدر در حق فرزند نیکوکار و نفرین او در حق فرزندی که مرتکب «عقوق» پدر شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ لَا يُحْبِبُنَّ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى: دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ إِذَا  
بَرَّهُ وَ دَعْوَتُهُ عَلَيْهِ إِذَا عَقَّهُ ...<sup>۱</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶، ح ۶، به نقل از امالی طوسی.

سه نوع دعا از خدای متعال محجوب و پوشیده نمی‌ماند: دعای پدر در حق فرزندش وقتی به او نیکی کرده و نفرین پدر در حق فرزند وقتی او را ناراحت نموده است ...

اگر فرزندی به پدرش نیکی و احسان نماید و مورد دعای خیر او قرار گیرد و یا پدر خود را ناراحت و ایذاء نماید و مورد نفرین او واقع شود، این دعا و نفرین هر دو مشمول وعده اجابت الهی هستند. در همین مورد حدیثی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به نقل از پدران گرامی ایشان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

اَيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْوَالِدِ فَإِنَّهَا أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ. ۱

از نفرین پدر بترسید زیرا از شمشیر تیزتر است.

شمشیر تیز اثر برّندگی شدید دارد و نفرین پدر از شمشیر تیزتر است، بنابراین تأثیر آن هم عمیق و هم سریع است. لذا فرموده‌اند که خود را از آن دورنگه دارید و بترسید. با توجه به میزان حقوقی که پدر بر عهده فرزند دارد، چنین اثری از نفرین او طبیعی و مقبول به نظر می‌رسد. البته اگر خود پدر هم صالح و نیکوکار باشد، دعای خیرش در حق فرزندش مستجاب است. امیرالمؤمنین علیه السلام چنین دعایی را از دعاهای مستجاب شمرده‌اند:

أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ: ... الْوَالِدُ الْبَارُّ لَوْلَدِهِ ... ۲

دعای چهار کس مردود نمی‌شود: ... (دعای) پدر نیکوکار در حق فرزندش ...

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۳ و بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷، به نقل از نوادر الزاوندی.

۲. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴۲۳، ح ۴۰، به نقل از الارشاد مفید.

## ۲ - دعا یا نفرین مظلوم

یکی از کسانی که نسبت به دعایشان به طور خاص وعده اجابت داده شده، مظلوم است. کسی که حقش پایمال شده و مورد تجاوز قرار گرفته، مظلوم می‌باشد. دعای چنین کسی در دو مورد مستجاب است: یکی در حق ظالمی که به او ستم نموده یعنی نفرین مظلوم در حق ظالم. دوم در حق کسی که انتقام او را از ظالم بگیرد. در حدیث امام صادق علیه السلام که سه دعا را مستجاب دانسته‌اند، پس از دعای پدر در حق فرزند، چنین آمده است:

دُعَاءُ الْمَظْلُومِ عَلَى ظَالِمِهِ وَ دُعَاؤُهُ لِمَنْ اِنْتَصَرَ لَهُ مِنْهُ.<sup>۱</sup>

نفرین مظلوم در حق ظالم به خود و دعای خیر مظلوم در حق کسی که انتقام او را از ظالم بگیرد.

خداوند برای کسی که مورد ستم قرار گرفته، در دو مورد دعای مستجاب قرار داده است. این امر تجلی عدل الهی در مورد ظالم و فضل او در حق مظلوم است. اینکه مظلوم چه کسی باشد و چگونه آدمی باشد، در تحقق این وعده خداوند تأثیری ندارد. ممکن است مظلوم فرد فاسقی باشد و ظالم شخصی با ایمان. نفرین آن فاسق در حق این مؤمن طبق وعده خداوند مستجاب است.

## ۳ - دعا یا نفرین مؤمن در مورد کسی که به او نیکی یا بدی نموده

در ادامه فرمایش امام صادق علیه السلام گروه سومی که وعده اجابت به دعایشان داده شده، معرفی شده‌اند:

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶، ح ۶، به نقل از امالی طوسی.

رَجُلٌ مُؤْمِنٌ دَعَا لِأَخٍ لَهُ مُؤْمِنٍ وَأَسَاءَ فِينَا وَدُعَاؤُهُ عَلَيْهِ إِذَا لَمْ  
يُوَاسِهِ مَعَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهِ وَاضْطِرَارِ أَخِيهِ إِلَيْهِ.<sup>۱</sup>

شخص مؤمنی که در حق برادر مؤمن خود دعا کند هنگامی که  
(آن برادر دینی) به خاطر ما (اهل بیت علیهم السلام) به او مساعدت و  
کمکی نموده است. همچنین نفرین آن مؤمن در حق مؤمن دیگر  
در صورتی که با وجود توان کمک و نیاز ضروری او، از مساعدت  
دریغ نموده است.

وظیفه هر مؤمنی نسبت به برادران و خواهران ایمانی اش این است  
که اگر امکاناتی دارد و از دستش کمکی برمی آید، از مساعدت به آنها  
کوتاهی نکند. حال اگر به این وظیفه عمل کرد و دل مؤمنی را شاد نمود،  
دعای خیر آن مؤمن در حق او مستجاب است. اما اگر با وجود نیاز  
ضروری و اضطرار یکی از مؤمنان، از کمک به او - با وجود توانایی و  
داشتن امکانات - دریغ کرد، آن وقت خداوند نفرین آن مؤمن را در حق  
او مستجاب می فرماید. آن وعده و این وعید به خاطر اهمیت ایمان و  
حفظ رابطه ایمانی بین مؤمنان است.

#### ۴ - دعای امام عادل در حق رعیت

یکی دیگر از دعاهایی که وعده اجابت آن داده شده، دعای خیر امام  
عادل در حق رعیت خویش می باشد. از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده  
که فرمودند:

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶، ح ۶، به نقل از امالی طوسی.



أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ: الْإِمَامُ الْعَادِلُ لِرَعِيَّتِهِ ...<sup>۱</sup>

دعای چهار کس مردود نمی‌شود: (دعای) امام عادل در حق رعیتش.

قطعی‌ترین مصداق این امر، دعای امام زمان علیه السلام در حق شیعیان خود است. این وعده از دلنشین‌ترین وعده‌های الهی است که امید زیادی را در دل‌های مؤمنان ایجاد می‌کند و این بشارت را به آنان می‌دهد که اگر از استجابت دعای خود و دیگران ناامید هستند، می‌توانند به دعای امام زمانشان در حق خود امید ببندند که خدا وعده اجابت آن را داده است.

#### ۵ - دعای فرزند نیکوکار در حق پدرش

دعای دیگر که وعده اجابت آن داده شده، دعای فرزند نیکوکار است در حق پدرش. این مورد در ادامه حدیثی که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شد، به این تعبیر ذکر شده است:

وَ الْوَلَدُ الْبَارُّ لِوَالِدِهِ.<sup>۲</sup>

و (دعای) فرزند نیکوکار در حق پدرش.

همان‌طور که دعای پدر در حق فرزند نیکوکارش مستجاب است (مورد اول)، دعای فرزند نیکوکار نیز در حق پدرش مستجاب می‌باشد. در اینجا ملاک، نیکوکار (بار) بودن فرزند است؛ اعم از اینکه در مورد خاصی به پدرش نیکی کرده باشد یا اینکه اصولاً فرد صالح و شایسته‌ای

۱. بخارالانوار، ج ۷۷، ص ۴۲۳، ح ۴۰، به نقل از الارشاد مفید.

۲. همان.

باشد. البته فرزند نیکوکار قطعاً بیش از دیگران به پدر خود نیکی می‌کند، ولی وعده الهی در این مورد به خاطر نیکوکار بودن فرزند است، هر چند که این نیکی به افراد دیگر - غیر از پدرش - برسد.

### ۶- دعای عمره گزار

یکی از دعاهایی که وعده اجابت آن داده شده، دعای کسی است که عمره خانه خدا را به جامی آورد. از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمودند:

أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَ تُفْتَحُ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تَصِيرُ إِلَى الْعَرْشِ: دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ وَ الْمَظْلُومِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ وَ الْمُعْتَمِرِ حَتَّى يَرْجِعَ ...<sup>۱</sup>

دعای چهار کس مردود نمی‌شود و درهای آسمان برای آن (دعا) باز شده و به عرش می‌رسد: دعای خیر پدر در حق فرزندش و نفرین مظلوم در حق کسی که به او ظلم نموده و دعای عمره گزار تا زمانی که (از عمره) برگردد.

هم کسانی که عمره مفرده (در غیر فصل حج) به جامی آورند و هم آنان که به عنوان بخشی از حج تمتع، عمره تمتع انجام می‌دهند، هر دو گروه معتمر (عمره گزار) هستند و تا زمانی که از خانه خدا مراجعت نکرده‌اند، دعاهایشان مستجاب می‌باشد.

۱- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۴، ح ۱، به نقل از امالی صدوق.

## ۷ - دعای روزه‌دار

دعای دیگری که وعده اجابتش داده شده، دعای روزه‌دار است پیش از آنکه افطار نماید. در حدیث گذشته چهارمین کسی که دعایش مردود نمی‌شود و به عرش الهی می‌رسد، همین مورد معرفی شده است:

وَالصَّائِمِ حَتَّى يُفْطِرَ<sup>۱</sup>

و (دعای) روزه‌دار پیش از آنکه افطار کند.

خداوند به کسی که در طول روز، روزه داشته و هیچ‌یک از مفطرات را انجام نداده، وعده فرموده که پیش از افطار دعایش را مستجاب فرماید. از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز نقل شده که فرمودند:

إِنَّ لِلصَّائِمِ عِنْدَ افْطَارِهِ دَعْوَةً لَا تُرَدُّ<sup>۲</sup>

همانا برای روزه‌دار در هنگام افطار کردنش دعایی است که مردود نمی‌شود.

از این حدیث شریف چنین استفاده می‌شود که دعای روزه‌دار در هنگامی که می‌خواهد افطار نماید، از شاء الله مستجاب است.

## ۸ - دعای حج گزار

از دعاهایی که وعده استجاب آن داده شده، دعای کسی است که به حج خانه خدا مشرف می‌گردد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

۱. همان، همچنین اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۶.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۱، به نقل از الدعوات راوندی.

ثَلَاثَةٌ دَعَوْتُهُمْ مُسْتَجَابَةٌ: الْحَاجُّ فَإِنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ ...<sup>۱</sup>

سه گروه دعاهایشان مستجاب است: حج گزار، پس بنگرید که چگونه جای او را می‌گیرید ...

می‌فرمایند خدا دعای حج گزار را مستجاب می‌فرماید، حال شما بنگرید که چگونه جای او را در میان خانواده و بازماندگانش می‌گیرید. مقصود این است که وقتی کسی به حج مشرف می‌شود، دیگران وظیفه دارند جای خالی او را در خانواده‌اش از جهت رسیدگی و رفع مشکلات آنها، پُر کنند. باید نزدیکان و آشنایان او به گونه‌ای رفتار کنند که خانواده حاجی و کسانی که تحت سرپرستی او بوده‌اند، حتی الامکان احساس خلأ و نیاز ننمایند.

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.

## درس بیستم: اجابت شوندگان (۲)

در درس گذشته هشت مورد از کسانی که دعایشان در روایات، مستجاب دانسته شده، بیان شد. در این درس هفت مورد باقیمانده را مطرح می‌کنیم و به این ترتیب مباحث مربوط به اجابت دعا را به پایان می‌بریم.

### ۹ - دعای جهاد کننده در راه خدا

مورد دیگری که به دعایش وعده اجابت داده شده، کسی است که در راه خدا به جنگ با دشمنان دین می‌رود. در ادامه آخرین حدیث درس گذشته، این گروه چنین معرفی شده‌اند:

الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ. ۱

کسی که در راه خدا جهاد می‌کند، پس بنگرید که چگونه جای او را پر می‌کنید.

---

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.

در این مورد هم سایرین وظیفه دارند جای خالی آن مجاهد در راه خدا را در میان اهل و خانواده‌اش پر کنند، تا آنان غیر از دوری آن جنگجو و رنج‌هایی که از این بابت متحمل می‌شوند، درد دیگری نداشته باشند.

### ۱۰ - دعای مریض

یکی دیگر از دعاهاى مستجاب، دعای فرد بیمار است. در ادامه حدیث گذشته، گروه سوم همین گروه هستند:

الْمَرِيضُ فَلَا تَغِيظُوهُ وَلَا تُضَجِرُوهُ.<sup>۱</sup>

بیمار (دعایش مستجاب است) پس او را خشمناک نکنید و به ستوه در نیاورید.

وظیفه نزدیکان بیمار و کسانی که با او تماس دارند، این است که ملاحظه حال او را بکنند و با کارها یا سخنان خود او را به رنج و غضب نیاورند. معمولاً انسان در حال بیماری - به خصوص اگر شدید باشد - حوصله و تحمل حال سلامت خود را ندارد، لذا ممکن است زودتر از حد معمول از کوره در برود یا از امور پیش پا افتاده دل‌تنگ و رنجور شود. وظیفه دیگران است که ظرفیت و ضعف بیمار را ملاحظه کنند و در عوض می‌توانند با خوش رفتاری با او زمینه دعای خیر او را برای خود و دیگران فراهم آورند. امام صادق علیه السلام در مورد دعای بیمار در حق عیادت کننده‌اش فرموده‌اند:

مَنْ عَادَ مَرِيضًا فِي اللَّهِ لَمْ يَسْأَلِ الْمَرِيضَ لِلْعَايِدِ شَيْئًا إِلَّا

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.

### استجاب الله له<sup>۱</sup>

هر کس برای خدا به عیادت بیماری برود، هرچه آن بیمار برای عیادت کننده‌اش درخواست کند، خداوند برای او اجابت می‌فرماید.

ارزش اعمال انسان به تیت او بستگی دارد. بنابراین یک عمل را می‌توان با تیت‌های مختلف انجام داد که در این صورت ارزش هر کدام با دیگری متفاوت می‌شود. عیادت کردن از بیمار از بزرگ‌ترین عبادات است که اگر با تیت الهی انجام پذیرد، فوق‌العاده گرانبها و ارزشمند است. یکی از آثار مهم آن این است که هر چه بیمار برای عیادت کننده‌اش از خدا بخواهد، مستجاب می‌شود. از این رو کسانی که به خاطر خدا به عیادت بیماری می‌روند، باید موقعیت را مغتنم شمرده، از آن بیمار تقاضا کنند که برای آنها دعا کند و حاجت‌هایشان را از خدا بخواهد.

### ۱۱ - دعا پشت سر دیگران

از جمله دعاهایی که وعده استجابت آن داده شده، دعای مؤمن در حق برادران دینی‌اش پشت سر آنهاست. امام باقر علیه السلام پنج دسته دعا را نزد خداوند مقبول دانسته‌اند:

خَمْسُ دَعَوَاتٍ لَا يُحْجَبَنَّ عَنِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: دَعْوَةُ  
الْإِمَامِ الْمُقْسَطِ وَ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: لَأَتَّقِمَنَّ  
لَكَ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لِوَالِدَيْهِ وَ دَعْوَةُ

۱. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۱۷، ح ۱۰، به نقل از ثواب الاعمال.

الْوَالِدِ الصَّالِحِ لَوْلَدِهِ وَ دَعْوَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ  
فَيَقُولُ: وَ لَكَ مِثْلُهُ. ۱

پنج دعا از پروردگار متعال پوشیده نمی‌ماند (مقبول و مستجاب می‌گردد): دعای امام عادل و نفرین مظلوم. خدای عز و جل می‌فرماید: انتقام تو را می‌گیرم گرچه پس از مدتی باشد و دعای فرزند صالح در حق پدر و مادرش و دعای پدر صالح در حق فرزندش و دعای مؤمن برای برادرش در پشت سر او، (خداوند) می‌فرماید: و مانند آنچه خواسته‌ای برای خودت است.

از این پنج گروه که در این حدیث شریف ذکر شده‌اند، درباره چهار گروه اول در درس گذشته مباحثی مطرح کردیم. گروه پنجم مؤمنانی هستند که در غیاب و پشت سر دیگران برایشان دعای خیر می‌کنند. خداوند وعده فرموده که چنین دعایی را اجابت فرماید. علاوه بر این بشارت، به مؤمن مژده داده‌اند که نظیر همان چیزی که پشت سر برادر دینی‌اش برای او درخواست نموده، به خودش هم عطا می‌گردد. مثلاً اگر مؤمنی برای دیگری در غیاب او طلب مغفرت نموده باشد، خداوند وعده فرموده که هم دعاکننده را مورد غفران قرار دهد و هم کسی را که برایش طلب آمرزش نموده است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ اجابت دعای غایب را برای غایب از هر دعای دیگری سریعتر دانسته و فرموده‌اند:

لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ إِجَابَةً مِنْ دَعْوَةِ غَائِبٍ لِغَائِبٍ. ۲

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۲.

۲. همان، ح ۷.



هیچ چیزی (دعایی) از دعای فرد غایب برای غایب زودتر به اجابت نمی‌رسد.

انسان مؤمن با اعتقاد عمیق به این فرمایش‌ها، دعای برای دیگران را بر دعای برای خود ترجیح می‌دهد؛ چون هم اجابت سریع آن تضمین شده و هم نظیر آنچه برای دیگری خواسته، به خودش هم عطا می‌گردد. چه خوب است که مؤمن نه برای خود و به خاطر نفع شخصی‌اش بلکه چون خدای متعال این‌گونه می‌پسندد، با سوز دل برای برادران ایمانی‌اش دعا کند، آنگاه از خیرات و برکات این دعا نیز بهره‌مند گردد. تعبیر زیبایی در همین خصوص به عنوان حدیث قدسی از جانب خدای متعال به حضرت موسی علیه السلام وحی شده است، فرمود:

أَدْعُنِي عَلَى لِسَانٍ لَمْ تَعْصِنِي بِهِ، فَقَالَ: يَا رَبِّ أَنِّي لِي بِذَلِكَ،  
فَقَالَ: ادْعُنِي عَلَى لِسَانٍ غَيْرِكَ.<sup>۱</sup>

(ای موسی) مرا با زبانی بخوان که معصیت مرا با آن نکرده باشی. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من چگونه می‌توانم چنین کنم؟ فرمود: مرا با زبان غیر خودت بخوان.

خواندن خداوند به زبان غیر خود، به این است که دیگری برای انسان دعا کند. هیچ‌گاه کسی به زبان دیگری خدا را معصیت نمی‌کند، به همین جهت امر به چنین دعایی شده است. تحقق این امر الهی به آن است که مؤمنان در حق یکدیگر دعا کنند تا خداوند همه آنها را رحمت فرموده، دعاها را برای همه ایشان اجابت فرماید. البته در این حدیث شریف که تعبیر معصیت برای حضرت موسی علیه السلام به کار رفته،

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۳، به نقل از عدّة الداعی.

با توجه به مقام عصمت ایشان باید حمل بر اموری چون «ترک اولی» شود که نزد خداوند با گناه اصطلاحی - که ما انسان‌ها انجام می‌دهیم - تفاوت دارد.

### ۱۲ - دعای فقیر مؤمن

علاوه بر مواردی که بیان شد، دعای فقیری که مورد کمک قرار گرفته نیز طبق وعده خداوند مستجاب است. ائمه هدی علیهم‌السلام این مورد را چنین معرفی فرموده‌اند:

الْفَقِيرُ الْمُنْعَمُ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا.<sup>۱</sup>

فقیری که نعمتی به او داده شده، در صورتی که مؤمن باشد. اگر کسی به شیعه نیازمندی کمک کند، می‌تواند از دعای خیر او که وعده استجاب آن داده شده، بهره‌مند گردد.

### ۱۳ - دعای کودکان امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

از دعاهایی که وعده اجابت آن داده شده، دعای کودکان است که هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند و لذا گناهی هم مرتکب نشده‌اند. حضرت امام رضا علیه‌السلام از پدران گرامی خود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این مطلب را نقل فرموده‌اند:

دُعَاءُ أَطْفَالِ أُمَّتِي مُسْتَجَابٌ مَا لَمْ يُقَارِفُوا الذُّنُوبَ.<sup>۲</sup>

دعای کودکان امت من - که مرتکب گناهان نشده‌اند - مستجاب است.

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۰، به نقل از الجواهر کراچکی.

۲. همان، ص ۳۵۷، ح ۱۴، به نقل از صحیفه الرضا علیه‌السلام.

در بحث از موانع اجابت دعا گفته شد که مانع عمده در این امر، گناهان و کوتاهی‌های انسان‌هاست. از این رو کودکانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، چنین مانعی در مسیر اجابت دعاهایشان وجود ندارد. پس خوب است که بزرگ‌ترها کوچک‌ترها را در دعا کردن مقدم کنند تا به آبروی آنها خداوند سائرین را هم مورد رحمت خویش قرار دهد.

#### ۱۴ - دعای مسافر

دعای دیگری که وعده اجابت آن داده شده، دعای شخص مسافر می‌باشد که از خانه و وطنش دور افتاده است. از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمودند:

ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيهِنَّ: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَ  
دَعْوَةُ الْمُسَافِرِ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ.<sup>۱</sup>

سه دعا بدون شک مستجاب است: دعای مظلوم و دعای مسافر و نفرین پدر در حق فرزندش.

#### ۱۵ - دعای قاری قرآن

یکی از دعاهایی که وعده استجابت آن داده شده، دعای قاری قرآن است. از حضرت حسن بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نقل شده که فرمودند:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةٌ إِمَّا مُعَجَّلَةً وَ إِمَّا  
مُؤَجَّلَةً.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷، به نقل از نوادر الراوندی.

۲. همان، ص ۳۱۳، ح ۱۷، به نقل از الدعوات راوندی.

کسی که قرآن را تلاوت کند، دعای مستجاب دارد یا فوری و زود یا در آینده.

خداوند به خاطر حرمت قرآن به قاری قرآن وعده فرموده که دعایش را مستجاب کند، حال ممکن است دعای عاجل او باشد یا دعای آجلش؛ یعنی دعایی که از او اجابت می‌گردد، سریع و فوری باشد یا مربوط به آینده‌اش. به هر حال طبق وعده خداوند حداقل یک دعای مستجاب برای هر قاری قرآن هست.

این پانزده مورد دعاهایی هستند که مطابق احادیث، وعده استجاب آنها داده شده است. البته مواردی که تحت عنوان «شرایط اجابت» مطرح شد نیز باید در اینجا مد نظر باشد. گاهی فقدان یکی از آنها باعث ردّ دعای شخص می‌گردد. همچنین وجود یکی از موانع اجابت هم ممکن است در پذیرفته نشدن دعای انسان مؤثر باشد. پس توجه به «شرایط» و «موانع» اجابت در این بحث لازم به نظر می‌رسد. در مجموع عوامل دخیل در اجابت یا عدم اجابت دعا چنان متعدد و مختلف هستند که تعیین مصداق دعای مستجاب را به طور قطعی برای انسان‌های عادی (غیر معصوم) چیزی در حدّ غیر ممکن می‌سازد.

### پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۷ تا ۲۰

- ۱- نقش خوف از خدا در اجابت دعا چیست؟
- ۲- منظور از خوف کاذب مطابق فرمایش امام سجّاد علیه السلام را توضیح دهید.
- ۳- «مظلّمه» چیست و چه نقشی در اجابت دعا دارد؟
- ۴- منظور از فرمایش «ان کرم الله سبحانه لا ینقض حکمته» چیست؟ مصداق آن را در اجابت دعا بیان کنید.
- ۵- معنای مانع بودن موانع اجابت دعا را بیان کنید. آیا ممکن است با وجود یکی از موانع، دعا مستجاب شود؟
- ۶- منظور از خواندن خداوند به زبان غیر خود چیست؟
- ۷- آیا می‌توان گفت دعای اجابت شونندگان قطعاً مستجاب است؟ چرا؟

## فهرست منابع

- ١- قرآن كريم.
- ٢- اصول كافي، محمد بن يعقوب كليني، دارالكتب الاسلاميَّة، تهران، ١٣٤٨.
- ٣- اقرب الموارد، سعيد شرتوني.
- ٤- بحار الانوار، محمد باقر مجلسي، المكتبة الاسلاميَّة، تهران، ١٣٩٧ هـ.ق.
- ٥- تفسير عياشي، محمد بن مسعود عياشي، المكتبة العلميَّة الاسلاميَّة، تهران، ١٣٨٠ هـ.ق.
- ٦- تفسير نورالثقلين، عبد علي بن جمعه عروسي حويزي، المطبعة العلميَّة، قم، ١٣٨٢ هـ.ق.
- ٧- تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ورام بن ابي فراس، مكتبة الفقيه، قم (افست نسخة دارالتعارف بيروت، ١٣٧٦ هـ.ق).
- ٨- التوحيد، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه قمّي، دارالمعرفة، بيروت.

- ٩- صحيفة كاملة سجّاديه، دفتر نشر الهادي، قم، ١٣٧٦ .
- ١٠- غرر الحكم و درر الكلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، دفتر تبليغات اسلامي، قم، ١٣٧٨ .
- ١١- كمال الدين و تمام النعمة، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه قمّي، دارالكتب الاسلاميّة، تهران، ١٣٩٥ هـ.ق.
- ١٢- لسان العرب، ابن منظور، دار صادر، بيروت، ٢٠٠٠ ميلادي.
- ١٣- مجمع البحرين، طريحي، انتشارات المكتبة المرتضوية، تهران، ١٣٩٥ هـ.ق.
- ١٤- مستدرک الوسایل، ميرزا حسين نوري، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، ١٤٠٨ هـ.ق.
- ١٥- معاني الاخبار، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه قمّي، دار المعرفة، بيروت، ١٣٩٩ هـ.ق.
- ١٦- المعجم الوسيط، ابراهيم مصطفى و...، المكتبة الاسلاميّة، استانبول، ١٣٩٢ هـ.ق.
- ١٧- مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمّي.
- ١٨- المفردات في غريب القرآن، راغب اصفهاني، المكتبة المرتضوية، تهران، ١٣٧٣ هـ.ق.
- ١٩- مكارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسي، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٣٩٢ هـ.ق.
- ٢٠- نهج البلاغه، سيّد رضي، تصحيح صبحي صالح، بيروت، ١٣٨٧ هـ.ق .
- ٢١- وسائل الشيعة، محمد بن حسن حرّ عاملي، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٣٨٩ هـ.ق.